



مجموعه
روایات
مهدوی

چهار فصل از روایت



تقديم به ساحت مقدس حضرت خاتم الانبياء
محمد مصطفى، صلى الله عليه و آله و سلم.
پیامبر آخر الزمان

آخر الزمان در آینه روایات

سرشناسه	مؤسسه فرهنگی موعود عصر (عج)
عنوان و نام پدیدآور	آخر الزمان در آینه روایات / نویسنده گروه پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود
مشخصات نشر	تهران: موعود عصر (عج)، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری	۱۵۶ ص؛ ۱۹/۵× س.م.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۸-۰۳-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -- احادیث.
موضوع	احادیث شیعه -- قرن ۱۴.
موضوع	آخر الزمان - احادیث
رده بندی کنگره	BP ۱۴۱/۵/۲۳۲۳
رده بندی دیویی	۲۹۷/۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی	۱۰۹۸۶۸۱

آخر الزمان در آینه روایات

نویسنده: گروه پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود
ناشر: موعود عصر (عج)
سال و محل نشر: تهران، ۱۳۸۷

آخر الزمان در آینه روایات

ISBN: 978-964-2918-03-4



9 789642 918034

انتشارات موعود

قیمت: ۴۰۰,۰۰۰ ریال

تلفن مرکز بخش: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۷۴ - نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۴۷

فروشگاه اینترنتی www.shop.mouood.com

نشانی: تهران، ص.پ: ۸۳۴۷-۱۴۱۵۵

شماره تلفن: ۸-۶۶۹۵۶۱۶۷

سخن ناشر

موضوع و مفهوم «آخرالزمان» در زمره بزرگ‌ترین دل‌مشغولی‌های بشر، طی اعصار و قرون بوده و هست. از همین رو، گفت‌وگو از همه آنچه در این مقطع تاریخی بشر را مبتلا خواهد ساخت وجه مشترک عموم منابع ملل و نحل است با تفاوت‌هایی در بیان و توصیف مصادیق ابتلائات و کم و کیف آنها.

در میان منابع و متون اسلامی و اقوال حضرات معصومین، علیهم‌السّلام، نیز به کرات از این موضوع و مباحث مرتبط با آن سخن به میان آمده است. در ادبیات دینی و مذهبی اسلام، حضرت ختمی مرتبت، صلی الله علیه و آله و سلّم، به عنوان «پیامبر آخرالزمان» معرفی شده‌اند و عصر و عهد ایشان را تا به وقت ظهور منجی موعود، به منزله «عصر آخرالزمان» می‌شناسند، نکته جالب توجه این است که،

بخش بزرگی از اقوال و روایات از بیان حضرت نبی اکرم،
صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده‌اند.

ارائه این مجموعه که برگزیده‌ای از میان حجم کثیر
روایات است در کنار سایر مجموعه‌های «چهل حدیث»
پژوهشگران حوزه فرهنگ مهدوی را در کسب آگاهی
بیشتر در این باره یاری می‌دهد.

امید است که این اثر مقبول طبع بلند حضرت خاتم
الأنبیاء، صلی الله علیه و آله و سلم، واقع شود و خاطر شریف
حضرت مولانا صاحب الزمان، علیه السلام را خشنود گرداند.
إن شاء الله

ناشر

فهرست

فصل اوّل: نشانه‌های آخرالزمان.....	۹
فصل دوم: فتن در آخرالزمان.....	۳۱
فصل سوم: سیمای دین و قرآن در آخرالزمان.....	۸۳
فصل چهارم: سیمای دانشمندان و زمامداران در	
آخرالزمان	۱۱۳
فصل پنجم: اهل آخرالزمان	۱۳۹

فصل اوّل

نشانه‌های آخر الزّمان

در فصل اوّل کتاب به ذکر نشانه‌های عمومی آخر الزّمان در روایات به یادگار مانده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) می‌پردازیم.

در عصر غیبت حضرت صاحب الزّمان (ع)، دوری از امام حقّ و غیبت ایشان سبب می‌شود که همه چیز در عالم از جایگاه عدل خود خارج شود. گناهان بشر از یک سو و ناقص بودن علمش از سوی دیگر که با دخالت بی‌جا و بی‌رویه او در نظام طبیعی هستی همراه است، باعث شده‌اند که به این خروج از جایگاه عدل در همه چیز سرعت و شتاب بیشتری داده شود. از همین روست که نشانه‌های آخر الزّمان چونان دانه‌های تسبیح (به تعبیر پیامبر اکرم (ص)) یکی پس از دیگری آشکار می‌گردند تا در نهایت به ظهور حضرت حجت (ع) بینجامند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«الْآيَاتُ كَخَزَائِتِ مَنْظُومَاتٍ فِي سِلْكٍ، فَانْقَطَعَ السِّلْكُ، يَنْبَغُ بَعْضُهَا بَعْضًا!»

نشانه‌های ظهور چون دانه‌های یک تسبیح و یا یک گردنبند است که رشته اتصالش بگسلد و دانه‌های آن یکی به دنبال دیگری فرو ریزد.^۱

* * *

آنچه از روایات خاندان وحی می‌توان فهمید این است که قطعاً این نشانه‌ها رخ خواهند داد و گریزی از آنها نیست. پیش‌بینی این حوادث در روایات به دلیل رحمت و رأفت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) است، آنان مسلمانان را یادآور این رخدادها می‌شوند تا اینکه بتوانند در میان طوفان ابتلائات آخرالزمان دین خود را حفظ کنند، به عبارت دیگر روایات چراغ روشنی هستند که ما را در تاریکی عصر غیبت و حیرت آخرالزمان راهنما می‌شوند. امید که همه ما شاکر نعمت بزرگ وجود مقدس پیامبر اعظم (ص) و خاندان رحمت ایشان باشیم، فرموده‌های این بزرگواران را با گوش جان بشنویم و مرجع عمل در امور آخرتی و دنیایی خود قرار دهیم.

ان شاء الله

۱. بشارة الاسلام، ص ۳۳؛ الملاحم و الفتن، ص ۱۰۲.

برای آنکه ذهن شما خواننده محترم بهتر بتواند روی موضوع نشانه‌های عمومی دوره آخرالزمان متمرکز شود، روایات را بر اساس گوینده معصوم آن دسته‌بندی کرده‌ایم. ابتدا به پیش‌بینی‌های پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) می‌پردازیم. ایشان در فرموده‌های خود آخرالزمان را برای ما این‌گونه تصویر می‌کنند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

«وَإِذَا تَرَكْتُمُ السُّنَّةَ ظَهَرَتِ الْبِدْعَةُ، وَارْتَقَبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحاً حَرَاءً، أَوْ مَسْخاً، أَوْ ظُهُورَ الْعَدُوِّ عَلَيْكُمْ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ؛

هنگامی که سنت را ترک کنید، بدعت ظاهر می‌شود، در چنین زمانی منتظر بادهای سرخ، خسوف، مسخ و غلبه دشمن باشید، و آنگاه به شما یاری نخواهد شد.^۱

«تَوَقَّعُوا آيَاتِ مُتَوَالِيَاتِ كِنَظَامِ الْخَرَزِ، وَ أَوَّلُ الْآيَاتِ الصَّوَاعِقُ؛

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۲.

منتظر نشانه‌های پیاپی به سان دانه‌های تسبیح باشید، که نخستین آنها صاعقه‌های آسمانی است.^۱

* * *

«لَمْ يَجْرِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ شَيْءٌ إِلَّا يَكُونُ فِي أُمَّتِي مِثْلُهُ، حَتَّى الْخَسْفُ وَالْمَسْخُ وَالْقَذْفُ!»

در میان بنی‌اسرائیل هیچ حادثه‌ای روی نداده است جز اینکه در میان امت من نیز نظیر آن روی خواهد داد، حتی خسف و قذف و مسخ.

* * *

«... وَ تَكْثُرُ الزَّلَازِلُ؛

زمین لرزه بسیار شود.»^۲

* * *

«... ثُمَّ رَجْفَةٌ بِالشَّامِ يَهْلِكُ فِيهَا مِئَةُ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللَّهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ؛

زمین لرزه‌ای در شام اتفاق افتد که صدهزار نفر در اثر آن هلاک می‌شود. خداوند این زمین لرزه را رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران قرار دهد.»^۳

* * *

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۰۲.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۷۶.

۳. الزام الناصب، ص ۱۸۵.

«تَكْثُرُ الْبَوَاسِيرُ، وَ مَوْتُ الْفُجَاءَةِ، وَالْجُذَامُ؛

بواسیر، مرگ ناگهانی و جذام فراوان می شود.»^۱

«سَيَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَسْفٌ وَ قَذْفٌ وَ مَسْخٌ؛

در آخر الزمان خسف، قذف و مسخ واقع خواهد شد.»^۲

«يَكُونُ عِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَةُ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، وَ خَسْفٌ

بِالْمَغْرِبِ، وَ خَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ؛

در آن هنگام سه خسف روی می دهد: یکی در مشرق،

دیگری در مغرب، و سومی در جزیره العرب.»^۳

«يَعُودُ عَائِدٌ بِالْبَيْتِ يُبْعَثُ إِلَيْهِ جَيْشٌ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ

خُسِفَ بِهِمْ؛

[مهدی] به بیت خدا پناهنده می شود، آنگاه لشکر سفیانی

به سوی او فرستاده می شود، چون به سرزمین بیداء

رسیدند زمین آنها را در کام خود فرو می برد.»^۴

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹؛ بشارة الاسلام، ص ۲۴.

۲. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۲۷۲؛ ینایع المودة، ج ۳، ص ۱۴۶.

۳. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۷۹، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۰.

۴. ارشاد مفید، ص ۳۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶.

«لَيَبِيتَنَّ قَوْمٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى طَعَامٍ وَ شَرَابٍ وَ لَهْوٍ، وَ يُضْبِحُونَ وَ قَدْ مُسِخُوا قِرْدَةً وَ خَنَازِيرًا؛

قومی از این امت شب را در کنار سفره طعام و شراب و لهو و لعب سپری می کنند و بامدادان به صورت میمون و خوک در می آیند.»^۱

«جَيْشٌ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الْعِرَاقِ فِي طَلَبِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ يَمْنَعُهُ اللَّهُ مِنْهُمْ. فَإِذَا عَلَوْا الْبَيْدَاءَ مِنْ ذِي الْحُلَيْفَةِ خَسِفَ بِهِمْ فَلَا يُدْرِكُ أَعْلَاهُمْ أَسْفَلُهُمْ، وَ لَا يُدْرِكُ أَسْفَلُهُمْ أَعْلَاهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛

لشکری از جانب عراق در جست و جوی مردی از اهل مدینه (یعنی حضرت بقیة الله) بیرون می آید، خداوند او را از شر آنها حفظ می کند، چون در «ذوالحلیفه» به سرزمین بیداء برسند، زمین آنها را در کامش فرو می برد، اول و آخر لشکر تا قیامت هرگز به یکدیگر نمی رسند.»^۲

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لِيُخَسِفَنَّ بِهِمْ وَ يَمَسُخُهُمْ قِرْدَةً وَ خَنَازِيرًا؛
سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، خداوند

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۷۶.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۸؛ الملاحم و الفتن، ص ۶۱.

آخرالزمان در آینه روایات

آنها را در دل زمین فرو می‌برد و آنها را مسخ کرده به صورت میمون و خوک درمی‌آورد.^۱

* * *

«يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ خَسْفٌ وَقَذْفٌ فِي مُتَّخِذِي الْقَيْنَاتِ وَ شَارِبِي الْخُمُورِ... بَيْنَمَا هُمْ فِي شَرَابٍ وَ خَمْرٍ، وَ ضَرْبٍ مَعَارِفٍ، حَتَّى يُرْسِلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَيَغْدُونَ قِرْدَةً وَ خَنَازِيرًا؛

در میان این امت نیز خسف و قذف روی می‌دهد، گروهی از نوازنده‌ها و الکلی‌ها در حالی که مشغول میگساری و نوازندگی هستند، عذاب خدا بر آنها نازل می‌شود و به صورت میمون و خوک درمی‌آیند.^۲

* * *

«مِمَّا يُعَصِّرُونَ مِصْرَ يُقَالُ لَهُ: الْبَصْرَةُ. فَإِنْ أَنْتَ وَرَدْتَهَا فَإِيَّاكَ وَ مَقْصَفَهَا وَ سُوقَهَا وَ بَابَ سُلْطَانِهَا. فَإِنَّهَا سَيَكُونُ فِيهَا خَسْفٌ وَ مَسْخٌ وَ قَذْفٌ! آيَةُ ذَلِكَ أَنْ يَمُوتَ الْعَدْلُ، وَ يَفْشُو فِيهَا الْجَوْرُ وَ شَهَادَةُ الزَّوْرِ، وَ يَكْثُرَ الزِّنَا؛

از شهرهایی که بر اساس شهرسازی ساخته می‌شود شهری است به نام بصره، اگر وارد آن شهر شدی از میکده‌ها، بازار و کاخ‌های آن پرهیز که در آنجا خسف

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۵.

۲. اعلام الوری، ص ۴۲۸، ارشاد مفید، ص ۳۳۸.

و قذف و مسخ واقع خواهد شد، و نشانه آن این است
که عدالت رخت بر بندد، ظلم، شهادت دروغ و روابط
نامشروع فراوان شود!!»

* * *

«و خَرَابُ التُّرْكِ مِنَ الصَّوَاعِقِ؛

سرزمین ترک به وسیله صاعقه‌ها ویران می‌شود.»^۱

* * *

«إِنَّ عُمرَانَ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ، خَرَابُ يَثْرِبَ. وَ خَرَابُ يَثْرِبَ خُرُوجُ
الْمَلْحَمَةِ. وَ خُرُوجُ الْمَلْحَمَةِ فَتْحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ. وَ فَتْحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ
خُرُوجُ الدَّجَالِ؛

آبادی بیت المقدس خرابی مدینه را به دنبال دارد و
خرابی مدینه نبرد بی‌امان را به دنبال دارد و به دنبال آن
قسطنطنیه (استانبول) فتح می‌شود و فتح قسطنطنیه خروج
دجال را به دنبال دارد.»^۲

* * *

در فرمایشات امیر مؤمنان علی (ع) نشانه‌های آخر الزمان
این گونه توصیف می‌شود:

«... وَ إِنَّ لِخُرُوجِهِ لَعَلَامَاتٍ عَشْرًا؛

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۸.

۲. البیان و التّبیین، ج ۳، ص ۳۲.

آخرالزمان در آینه روایات

أَوَّلُهَا تَخْرِيقُ الزَّوَايَا فِي سِكَكِ الْكُوفَةِ، وَ تَعْطِيلُ الْمَسَاجِدِ
وَ انْقِطَاعُ الْحَسَنِدِ وَ خَسْفٌ وَ قَذْفٌ بِخِرَاسَانَ وَ طُلُوعُ الْكَوْكَبِ
الْمُذَنَّبِ، وَ اقْتِرَانُ النُّجُومِ، وَ هَرَجٌ وَ قَتْلٌ وَ نَهَبٌ! وَ مِنْ الْعَلَامَةِ
إِلَى الْعَلَامَةِ عَجَبٌ! فَإِذَا تَمَّتِ الْعَلَامَاتُ قَامَ قَائِمُنَا قَائِمُ الْحَقِّ..
طُوبَى لِأَهْلِ وَلَا يَتَى الَّذِينَ يُقْتَلُونَ فِيَّ، وَ يُطْرَدُونَ مِنْ أَجْلِ!.
هُمْ خُزَانُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ لَا يَفْزَعُونَ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ!

برای ظهور او ده علامت است:

۱. گشودن زاویه‌های کوچه‌های کوفه (توسعه معابر و باز کردن کوچه‌های بن‌بست)؛
۲. تعطیل شدن مساجد؛
۳. بسته شدن راه حج؛
۴. خسف (زیر آوار رفتن) و قذف (بمباران) در خراسان؛
۵. طلوع ستاره دنباله‌دار؛
۶. تراکم ستارگان؛
۷. فتنه و فساد؛
۸. سرگردانی و سردرگمی؛
۹. کشت و کشتار؛
۱۰. غارت و چپاول.

از هر نشانه‌ای تا نشانه‌ای دیگر شگفتی‌هاست. چون

نشانه‌ها تحقق یافت، قائم ما قیام می‌کند، خوشا به حال اهل ولایت ما که در راه ما کشته می‌شوند و به سبب ما کنار زده می‌شوند، آنها گنج‌های خدای تبارک و تعالی در روی زمین هستند، آنها در روز قیامت از «فزع اکبر» در امان هستند و برای آنها باکی نیست.»^۱

* * *

«يَسْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرُ، وَ مَوْتُ أَبْيَضُ، وَ جَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ جَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ كَأَلْوَانِ الدَّمِ! فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَخْمَرُ فَالسَّيْفُ، وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ؛

در پیش‌قدم حضرت قائم (عج)، مرگ سرخ و مرگ سفید است، و ملخ‌هایی سرخ فام به رنگ خون در فصل ملخ و در خارج از فصل آن. اما مرگ سرخ؛ کشت و کشتار است و اما مرگ سفید؛ طاعون است.»^۲

* * *

«وَلِذَاكَ آيَاتٌ: أَوَّلُهُنَّ إِخْصَارُ الْكُوفَةِ بِالرَّصَدِ وَالْخَنْدَقِ؛ برای فرج ما نشانه‌هایی است، نخستین آنها محاصره کوفه به وسیله نگهبان‌ها و کانال‌هاست.»^۳

۱. بشارة الاسلام، ص ۵۸ و ۲۷۳؛ الزام الناصب، ص ۲۷.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۴۸؛ اعلام الوری، ص ۴۲۷.

۳. الزام الناصب، ص ۱۷۶؛ بشارة الاسلام، ص ۷۸.

«جُوعٌ أَغْبَرُ، وَ مَوْتُ أَحْمَرُ؛

گرسنگی مُزْمِن و مرگ سرخ شایع می شود.»^۱

* * *

«وَ جَرَادٌ يَظْهَرُ فِي أَوَانِهِ وَ فِي غَيْرِ أَوَانِهِ، حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى الزَّرْعِ
وَ الْغَلَاتِ. وَ قِلَّةٌ رَبْعٌ مَا يَزْرَعُهُ الْإِنْسَانُ؛

ملخ‌هایی ظاهر می شود در فصل خود و در خارج از
فصل خود، بر زراعت و غلات هجوم می برد و موجب
کمی محصول می شود.»^۲

* * *

«وَ أَمَّا الزُّورَاءُ فَتُخْرَبُ مِنَ الْوَقَائِعِ وَ الْفِتَنِ، وَ أَمَّا وَاسِطُ فَيَطْفَى
عَلَيْهَا الْمَاءُ، وَ أَذْرَبِيجَانُ يَهْلِكُ أَهْلُهَا بِالطَّاعُونَ، وَ أَمَّا الْمَوْصِلُ
فَيَهْلِكُ أَهْلُهَا مِنَ الْجُوعِ وَ الْغَلَاءِ... وَ أَمَّا حَلَبُ فَتُخْرَبُ مِنَ
الصَّوَاعِقِ، وَ تُخْرَبُ مِنْ شِدَّةِ الْقَتْلِ... وَ أَمَّا بَيْتُ الْمُقَدَّسِ فَإِنَّهُ
مَحْفُوظٌ لِأَنَّ فِيهِ آثَارَ أَنْبِيَاءٍ؛

شهر زوراء (بغداد) در اثر شورش‌ها و فتنه‌ها ویران
می شود، شهر واسط (در عراق) در اثر طغیان آب
خراب می گردد، مردم آذربایجان به وسیله طاعون هلاک
می شوند، مردم موصل (در عراق) از گرسنگی و گرانی

۱. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۱۰؛ بشارة الاسلام، ص ۷۸.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۵.

می‌میرند، شهر حلب (در سوریه) در زیر صاعقه‌ها از بین می‌رود، شهر دمشق (شام) در اثر شدت کشت و کشتار ویران می‌شود و اَمَّا بَيْتُ الْمَقْدَسِ (اورشلیم) به احترام نشانه‌های پیامبران در امان است.^۱

حضرت باقر العلوم (ع) نیز در مجموعه‌ای از فرمایشات گران‌قدر خود نشانه‌های آخر الزمان را این‌گونه تصویر می‌کنند:

«وَ خَسَفٌ فِي الْحِلَّةِ وَ الْبَصْرَةِ، وَ قَتْلُ كَثِيرِينَ؛
و خسفی در حله و بصره واقع شود و مردمان بسیاری کشته شوند.»^۲

«... وَ خَسَفٌ بِالْبَيْدَاءِ؛

و خسفی در سرزمین بیداء رخ می‌دهد.»^۳

«جَيْشُ الْبَيْدَاءِ يُؤْخَذُونَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِهِمْ؛

لشکر بیداء از زیر پایشان گرفتار می‌شوند.»^۴

«تُرِيهِمْ فِي أَنْفُسِهِمُ الْمَسْخَ، وَ تُرِيهِمْ فِي الْآفَاقِ انْتِقَاضَ الْآفَاقِ

۱. الزام الناصب، ص ۱۷۶؛ بشارة الاسلام، ص ۵۸ و ۲۷۳.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۲۵، اعلام الوری، ص ۴۲۹.

۳. الامام المهدي، ص ۲۲۷، الزام الناصب، ص ۱۸۵.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۸۶؛ بشارة الاسلام، ص ۲۱ و ۱۵۷.

آخرالزمان در آینه روایات

عَلَيْهِمْ، فَيَرَوْنَ قُدْرَةَ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي الْآفَاقِ؛
در وجود آنها «مسخ» و در پیرامون آنها «خسف» را به
آنها نشان می‌دهیم تا قدرت خدا را در وجود خود و
در اطراف خود ببینند و بر آنها روشن شود که او حقّ
است (حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ) یعنی بدانند که ظهور
قائم (عج) از سوی پروردگار متعال حقّ است و مردم به
طور حتم آن را خواهند دید و چاره‌ای از آن نیست.^۱

حضرت امام جعفر صادق (ع) نیز در چندین روایت بر
شرح نشانه‌های عمومی عصر آخرالزمان و پیش‌بینی اوضاع
و احوال سرزمین‌های مختلف در این عصر می‌پردازند،
ایشان می‌فرمایند:

«وَعِنْدَ ذَلِكَ اخْتِلَافُ السِّنِينَ، وَ إِمَارَةٌ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ، وَ قَتْلٌ وَ
خَلْعٌ فِي آخِرِ النَّهَارِ؛

در آن زمان سال‌ها دگرگون می‌شود، اوّل صبح حکومتی
به قدرت می‌رسد و تا آخر روز کشت و کشتار می‌شود
و سقوط می‌کند.^۲»

«يَذْهَبُ مُلْكُ السِّنِينَ، وَ يَصِيرُ مُلْكُ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ. فَقِيلَ: هَلْ

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۴۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

چهل حدیث

يَطُولُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: لَا؛

زمانمداری چند ساله از بین می رود و زمانمداری چند ماهه و چند روزه معمول می گردد. گفته شد: آیا این وضع مدت زیادی طول می کشد؟ فرمود: نه.^۱

* * *

«وَرَأَيْتَ الْخَرَابَ قَدْ أُدِيلَ مِنَ الْعُمَرَانِ؛

و می بینی که در تمام جهان آبادی ها تبدیل به ویرانی می شود.»^۲

* * *

«يَكُونُ جِفَافُ الْأَنْهَارِ... وَ يَقَعُ الْقَحْطُ وَ الْغَلَاءُ ثَلَاثَ سِنِينَ؛

رودخانه ها خشک می شود و قحطی و گرانی سه سال سایه سنگینش را می گسترانند.»^۳

* * *

«لَا يُخْرِجُ أَهْلَ مِصْرَ مِنْ مِصْرِهِمْ عَدُوٌّ لَهُمْ، وَلَكِنْ يُخْرِجُهُمْ نِيْلُهُمْ هَذَا. يَغْشَى فَلَ تَبْقَى مِنْهُ قَطْرَةٌ، حَتَّى يَكُونَ فِيهِ الْكُثْبَانُ مِنَ الرَّمْلِ!»

مردم مصر را دشمن خارجی از آب و خاک خودشان

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۳. بشارة الاسلام، ص ۵۷ و ۱۹۱.

آخرالزمان در آینه روایات

بیرون نمی‌کند، بلکه همین رود نیل آنها را از دیار خود بیرون می‌کند، آب آن کلاً می‌خشکد و حتی یک قطره هم نمی‌ماند و بستر آن به صورت تلی از شن درمی‌آید!»^۱

«يَجُفُّ مَاءُ بُحَيْرَةِ طَبْرِيَا، وَ يَتَوَقَّفُ النَّخِيلُ عَنِ الثَّمَرِ، وَ تَنْصُبُ عَيْنُ زَعْرِ الْوَاقِعَةِ فِي الْجَانِبِ الْقِبْلِيِّ مِنَ الشَّامِ؛
آب دریاچه طبریّه (در فلسطین) می‌خشکد، درخت‌های خرما از میوه دادن باز می‌ایستند، آب چشمه «زعر» در جنوب شام کاهش فراوان می‌یابد.»^۲

«وَ خَرَابٌ مُضَرٍّ مِنْ جِفَافِ النَّيْلِ؛
ویرانی مصر در اثر خشک شدن نیل خواهد بود.»^۳

«وَ يَنْبَثِقُ الْفَرَاتُ حَتَّى يَدْخُلَ أَرْقَةَ الْكُوفَةِ... وَ عَقْدُ الْجِسْرِ مِمَّا يَلِي الْكَرْخَ بِمَدِينَةِ بَغْدَادَ؛
فرات طغیان می‌کند و به کوچه‌های کوفه وارد می‌شود.
و پلی در بغداد در مقابل کرخ زده می‌شود.»^۴

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۴۶.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۹۱.

۳. بشارة الاسلام، ص ۲۸.

۴. الامام المهدي، ص ۲۳۴.

پیشوای ششم جهان تشیع در ضمن تفسیر آیه شریفه: [وَ لَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ]: «پیش از کیفر کوچک آنها را کیفر خواهیم داد»، فرمود:

«إِنَّ الْعَذَابَ الْأَدْنَى هُوَ الْقَحْطُ وَالْجَدْبُ وَ غَلَاءُ السَّعْرِ قُبِيلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ بِالسَّيْفِ! وَالْعَذَابُ الْأَكْبَرُ: الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛

کیفر کوچک؛ قحطی، خشکسالی و گرانی قیمت‌هاست در آستانه ظهور قائم (عج)، شمشیر! و کیفر بزرگ؛ شمشیر بران حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان است.»^۱

* * *

«وَمِنْ آيَاتِ ظُهُورِهِ أَنْ يَتَقَارِبُ الزَّمَانُ...؛
از نشانه‌های ظهور او [مهدی] نزدیک شدن زمان است.»^۲

* * *

«... وَ أَوَّلُ الْآيَاتِ الصَّوَاعِقُ، ثُمَّ الرِّيحُ الصَّفْرَاءُ، ثُمَّ رِيحٌ دَائِمٌ، وَ صَوْتُ مِنَ السَّمَاءِ يَمُوتُ بِهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ؛
نخستین نشانه، صاعقه‌هاست، سپس باد زرد، آنگاه باد مداوم، سپس بانگ آسمانی که گروه فراوانی با آن صیحه

۱. منتخب الاثر، ص ۳۰۳.

۲. مسند احمد حنبل، ج ۲، ص ۵۳۰.

از بین می روند.»^۱

* * *

«إِنَّ قُدَامَ الْقَائِمِ لَسَنَّةٌ غَيْدَاقَةٌ كَثِيرَةُ الْمَطَرِ، تَفْسُدُ فِيهَا الثَّمَارُ وَ الثَّمَرُ فِي النَّخْلِ، فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ؛

در پیش قدم ظهور قائم (عج) سال فراوانی و پر بارانی است ولی میوه ها روی درخت فاسد می شوند، خرما در روی نخل تباه می شود، در وقوع این نشانه ها تردید نداشته باشید.»^۲

* * *

«السَّنَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا الْمَهْدِيُّ تُمَطِّرُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ مَطْرَةً يُرَى أَثَرُهَا وَ بَرَكَتُهَا؛

در سالی که مهدی (عج) ظهور می کند بیست و چهار باران رحمت می بارد که اثر و برکت آن در همه جا به چشم می خورد.»^۳

«تُخْتَمُ الْعَلَامَاتُ بِأَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ مَطْرَةً، يُخَيِّ اللَّهُ بِهَا الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، إِحْدَاهَا فِي جَمَادَى الْآخِرَةِ، وَ الثَّانِيَةِ مُدَّةُ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فِي رَجَبٍ يُرَى أَثَرُهَا وَ تُعْرَفُ بَرَكَتُهَا. وَ هَذَا مِصْدَاقُ الْآيَةِ

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۴۶.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۴۰.

۳. ارشاد مفید، ص ۳۳۹.

الْكَافِرِينَ: اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛

این آیه ها با ۲۴ باران پایان می یابد که خداوند به وسیله آنها زمین مرده را زنده می سازد. یکی از آنها در ماه جمادی الثانی می بارد و دیگری در ماه رجب که ده روز تمام طول می کشد و اثر آن همه جا دیده می شود و برکات آن در همه جا ظاهر می گردد و این مصداق آیه گریته است که: بدانید، همانا خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می نماید.^۱

«إِنَّ قِيَامَهُ مُطَرَّ النَّاسِ جَمَادَى الْآخِرَةِ، وَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ. مَطَرًا لَمْ تَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ، فَيَنْبِثُ اللَّهُ بِهِ لُحُومَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَبْدَانَهُمْ فِي قُبُورِهِمْ. وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مُقْبِلِينَ مِنْ قَبْلِ جُحَيْنَةَ يَنْفُذُونَ شُعُورَهُمْ مِنَ التُّرَابِ!»

چهارم ظهور او نزدیک شود مردم از بارانی در ماه جمادی الثانی و ۱۰ روز از باران در ماه رجب (مجموعاً چهار روز) برخوردار می شوند که هرگز در تاریخ آفرینش نظیر آن دیده نشده است. خداوند با این باران گوشت و پوست مؤمنان را در داخل قبرهایشان می رویاند، گویی با چشمتان خود می بینم که از طرف جُحَيْنَةَ (قبیله ای در حوالی

آخرالزمان در آینه روایات

مدینه) در حالی که خاک را از سر و صورتشان پاک می کنند، می آیند.»^۱

* * *

«... اِرْتِفَاعُ رِيحٍ سَوْدَاءٍ أَوَّلَ النَّهَارِ، وَ زَلَزَلَةٌ، حَتَّى يَنْخَسِفَ كَثِيرٌ مِنْهَا؛

باد سیاهی اول صبح برمی خیزد و آنگاه زلزله ای روی دهد که قسمت اعظم آن (زوراء = بغداد) زیر آوار بماند.»^۲

* * *

«تَهَيَّجُ رِيحُ الزَّوْرَاءِ: يُنَكِّرُهَا النَّاسُ، فَيَفْزَعُونَ إِلَى عُلَمَائِهِمْ فَيَجِدُونَهُمْ قَدْ مَسِخُوا قِرْدَةً وَ خَنَازِيرَ، تَسْوَدُّ وُجُوهُهُمْ، وَ تَزْرَقُ عُيُونُهُمْ؛

باد زوراء (طوفان و گردباد، از سوی بغداد و از سوی دجله) به شکلی که نظیرش دیده نشده می وزد، مردم به دانشمندان خود پناه می برند و آنها را مسخ شده می یابند و می بینند که به صورت میمون و خوک درآمده اند، صورتشان سیاه شده و دیدگانشان کبود گشته است.»^۳

* * *

۱. ارشاد مفید، ص ۳۴۲.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۵.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۱۱۷.

«أَيُّ خِزْيٍ أَشَدُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ وَ أَصْحَابِهِ، وَ عَلَى خِوَانِهِ وَ سَطَطَ عِيَالِهِ إِذْ شَقَّ أَهْلُهُ الْجُيُوبَ عَلَيْهِ وَ صَرَخُوا، فَيَقُولُ النَّاسُ: مَا هَذَا؟ فَيُقَالُ: مُسِيخٌ فُلَانٌ السَّاعَةَ! وَ قَدْ سَأَلَهُ صَاحِبُهُ أَبُو بَصِيرٍ (رض): يَكُونُ هَذَا (قَبْلَ) قِيَامِ الْقَائِمِ أَوْ بَعْدَهُ؟ فَقَالَ: لَا، قَبْلَ؛

چه ذلت و خواری بالاتر از اینکه انسان در میان خانه و خانواده‌اش در کنار سفره نشسته باشد و ناگهان اهل خانه گریبان چاک کرده، ناله سر دهند، مردم پرسند: چه شده؟! گفته شود: این فلانی است، همین الان مسخ شد!!»^۱

امام کاظم (ع) درباره مسخ در آخر الزمان می‌فرمایند:
«تَكْثُرُ الْفِتْنُ فِي آفَاقِ الْأَرْضِ، وَ الْمَسِيخُ فِي أَعْدَاءِ الْحَقِّ؛
فتنه‌ها زمین را از کران تا کران فرا گیرد و مسخ شدن در
میان دشمنان حق و حقیقت فراوان گردد.»^۲

«... وَ مَسِيخٌ لِقَوْمٍ مِنْ أَهْلِ الْبِدْعِ حَتَّى يَصِيرُوا قِرَدَةً وَ خَنَازِيرَ؛
گروهی از بدعتگزاران مسخ شده به صورت میمون و

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۴۳.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۳۸.

آخرالزمان در آینه روایات

خوک درمی آیند.^۱

* * *

امام هادی (ع) هم درباره زمان نزدیک به ظهور
می فرمایند:

«هُمْ يَنْتَظِرُونَ الْفَرَجَ إِذَا ظَهَرَ الْمَاءُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ؛
هنگامی که آب در روی زمین روان شد منتظر فرا رسیدن
فرج می شوند.»^۲

۱. الامام المهدی، ص ۲۳۴.

۲. اختصاص مفید، ص ۱۰۲.

فصل دوم

فتن در آخر الزمان

پیش از ظهور حضرت صاحب الزمان (ع)، جهان پر از فتنه و بلا خواهد شد، به گونه‌ای که تا قبل از آن سابقه نداشته است. به هر سوی جهان که بنگریم، می‌بینیم که آشوب و فتنه‌ای برپاست. خاندان گرامی وحی و نبوت و قبل از ایشان سایر پیامبران در پیش‌بینی‌های خود به خوبی به این «فتن» اشاره کرده‌اند.

ما در این فصل در یک دسته‌بندی مستقل، مجموعه‌ای از روایات گران‌قدر آنان را برای روشن‌سازی اذهان خوانندگان محترم می‌آوریم.

رسول اکرم (ص) می‌فرمایند:

«يَنْزِلُ عَلَى أُمَّتِي بَلَاءٌ لَمْ يُسْمَعْ بِبَلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ بِهِمْ

چهل حدیث

الأَرْضُ الرَّحْبَةُ!

بر اَمّت من بلایی نازل می‌شود که بلایی سخت‌تر از آن شنیده نشده است، زمین با این همه وسعت بر آنها تنگ می‌شود!^۱

* * *

در حدیث دیگر فرموده است: چون کشتار در میان اَمّت من واقع شود تا به روز رستاخیز از میان آنها برداشته نمی‌شود.

تاکنون کشتارهای فراوانی در میان اَمّت اسلامی روی داده است ولی بعد از اشغال فلسطین و تأسیس رژیم خونخوار اسرائیل این کشتارها به گونه‌ای دیگر و متمایز از هر عصری واقع می‌شود که طبق روایات تا روز ظهور حضرت بقیّة‌الله (عج) که یکی از مظاهر قیامت است، ادامه خواهد داشت.

در صدر اسلام هنگامی که ملّت ایذاگر یهود با پیامبر اسلام (ص) روی در روی قرار گرفتند و در اقطار جهان آشوب کردند خداوند آنها را در اطراف جهان پراکنده ساخت، چنان که در قرآن کریم می‌فرمایند:

«هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ

۱. المهدی، ص ۲۲۱.

الحشر؛

او خداوندی است که کافران اهل کتاب را برای اولین گردهمایی از دیارشان بیرون کرد.^۱

خداوند آنها را به دست پیامبرش رسول اکرم (ص) پراکنده ساخت ولی در کتاب‌های آسمانی پیشین به آنها وعده کرده که آنها را پیش از قیامت یک بار دیگر در سرزمین موعود گرد آورد. آثار این وعده پس از قرارداد شوم «بالفور» با هجرت یهودیان از سراسر جهان به سوی سرزمین اشغالی به چشم خورد و رسانه‌های غربی از اعلام موجودیت اقلیت یهود در فلسطین سخن گفتند و آنگاه نوبت اعلام دولت غاصب اسرائیل فرا رسید. از بدو تأسیس این رژیم نامشروع، اختلاف عمیقی در میان مسلمانان پدید آمده است که در پشت سر همه آنها، دستِ فتنه‌انگیز اسرائیل وجود دارد. هر روزی که از این اختلاف‌ها می‌گذرد، عمیق‌تر شده، امید صلح و بازگشت آرامش ضعیف‌تر می‌گردد. رسول اکرم (ص) از این اختلاف‌ها و نابسامانی‌ها خبر داده، می‌فرمایند:

«سَأَلْتُ اللَّهَ لَأُمَّتِي ثَلَاثًا فَأَعْطَانِي اثْنَتَيْنِ وَرَدَّ عَلَيَّ وَاحِدَةً. سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يُسَلِّطَ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ غَيْرِهِمْ فَأَعْطَانِيهَا، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا

۱. سورة حشر، آیه ۲.

يُهْلِكُهُمْ غَرَقًا فَأَعْطَانِيهَا، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَجْعَلَ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ فَرَدَّهَا
عَلَى ظَاهِرِهَا؛

از خداوند در مورد امت سه حاجت خواستم که دو
حاجتم را پذیرفته، سومی را رد کرد. از او خواستم که
دشمن بیگانه‌ای را بر امت مسلط نکند، آن را به من
عطا فرمود. از او خواستم که آنها را در آب غرق نکند،
آن را نیز مستجاب فرمود. از او خواستم که نیروهای امت
با یکدیگر هدر نرود، آن را به حال خود وا گذاشت.^۱

در روایت دیگری رسول اکرم (ص) می‌فرمایند:
«يَكُونُ قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَخْضِبُونَ بِهَذَا السَّوَادِ كَحَوَاصِلِ
الطُّيُورِ، لَا يَرِيحُونَ رِيحَ الْجَنَّةِ؛»

در آخر الزمان قومی پدید آید که خاک این سرزمین
را از خون رنگین سازند و شکم مادران را چون شکم
مرغ بشکافند، چنین قومی هرگز بوی بهشت را استشمام
نخواهند کرد!^۲

و نیز فرمودند:

۱. صحیح مسلم، جلد ۸، ص ۱۷۲.

۲. همان.

آخر الزمان در آینه احادیث

«بَلَاءٌ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يُلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ. ثُمَّ لَا يَزْدَادُ الْأَمْرُ إِلَّا شِدَّةً، وَلَا الدُّنْيَا إِلَّا إِدْبَارًا، وَلَا النَّاسُ إِلَّا شُحًّا... وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا عَلَى شِرَارِ الْخَلْقِ»^۱

بلائی به این امت می رسد که مردان آن پناهگاهی ندارند که از ستم و ستمگران به آنجا پناه ببرند، از آن پس روز اوضاع سخت تر می شود، دنیا بیشتر پشت می کند و مردم بخیل تر می شوند... و قیامت در عهد بدترین مردمان برپا می شود.

امروز مردم مسلمان در کشور لبنان و فلسطین و غریب هستند، پناهگاهی ندارند که از ظلم ظالمان به آنجا پناه ببرند، یک روز دست زن و بچه خود را گدازد به سویی می روند و روز دیگر به نقطه ای دیگر به ناگزیر می روند.

در روایت دیگری رسول اکرم (ص) فرمودند:

«تَكُونُ فِتْنَةٌ بَعْدَهَا فِتْنَةٌ: الْأُولَى فِي الْآخِرَةِ كَثْرَةُ السُّوءِ بِبُعْثِهَا ذُبَابُ السَّيْفِ. ثُمَّ يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ فِتْنَةٌ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الْمَحَارِبُ كُلُّهَا. ثُمَّ تَأْتِي الْخِلَافَةُ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَهُوَ قَاعِدٌ فِي بَيْتِهِ»

فتنه ای به پا می شود و به دنبال آن فتنه ای دیگر برپا می شود.

۱. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۹۰.

فتنه اولی در مقایسه با دومی همانند تازیانه خوردن است در مقایسه با ضربات لبه تیز شمشیر! سپس فتنه‌ای پدید آید که همه محرمات در آن حلال شمرده شود! آنگاه خلافت به بهترین مردم روی زمین می‌رسد در حالی که او در خانه‌اش نشسته باشد.^۱

منظور حضرت بقیة الله (عج) است که در حرم امن الهی استقرار می‌یابد و در آنجا فرمان خدا فرا می‌رسد و جامعه خلافت بر قامت رعناي آن بزرگوار استوار می‌شود. و منظور از فتنه آخری بلوای سفیانی است که در عهد او همه محرمات مباح شمرده می‌شود!

* * *

درباره اختلاف در بین اعراب رسول اکرم (ص) می‌فرمایند:

«وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ اخْتِلَافٌ كَثِيرٌ فِي الْأَرْضِ وَفِتْنٌ. وَيُضَيِّحُ الزَّمَانُ مُكَلِّحاً مُفْصِحاً، يَشْتَدُّ فِيهِ الْبِلَادُ وَ يَنْقَطِعُ فِيهِ الرَّجَاءُ؛
آن روز اختلافات و فتنه‌ها فراوان گردد، سختی، قحطی و خشک‌سالی زمانه را فرا گیرد، شهرها در تنگنا افتند و امیدها قطع شود.»

آنگاه دوران استقلال طلبی کشورهای عربی را پس از

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۶.

آخرالزمان در آینه روایات

دوران سیطره استعمارگران شرح داده می‌فرماید:
«ثُمَّ تَخْلَعُ الْعَرَبُ أَعْنَئَهَا، وَ تَتَمَلَّكُ الْبِلَادَ، وَ تَخْرُجُ عَنْ سُلْطَانِ الْعَجَمِ؛

آنگاه ملت عرب فرمانروا گردد و کشورها را تحت فرمان خود در آورد و از سیطره بیگانه خارج شود.»^۱
امروز ملت عرب پس از بازیافتن استقلال خود تا حدی از سیطره استعمارگران شرق و غرب خارج شده، و بر سرزمین خود حکومت می‌رانند.

سپس رسول اکرم (ص) فرمودند:
«سَتَكُونُ فِتْنَةٌ لَا يَهْدَأُ مِنْهَا جَانِبٌ إِلَّا جَاشَ فِيهَا جَانِبٌ، حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ؛
به ناگزیر فتنه‌ای پدید خواهد آمد که هرگاه در نقطه‌ای آرامش پیدا کند، در نقطه‌ای دیگر ناآرامی شروع می‌شود و این چنین ادامه می‌یابد، تا وقتی که منادی آسمان بانگ برآورد: امیر شما فلانی است؛ یعنی حضرت مهدی (عج).»^۲

آری این فتنه‌ای که اسرائیل غاصب برانگیخته و هر

۱. المهدی، ص ۱۹۶؛ بشارة الاسلام، ص ۱۷۵.

۲. منتخب‌الاثار، ص ۴۵۱؛ الملاحم والفتن، ص ۳۸.

روز با ایجاد ناامنی و ناآرامی در گوشه‌ای از جهان اسلام، مسلمانان را در آتش جنگ خواهد سوزانید و شعله‌های آن تا فرا رسیدن وعده الهی به خاموشی نخواهد گرایید.

«تَكُونُ فِتْنَةٌ ثُمَّ تَكُونُ جَمَاعَةٌ، ثُمَّ تَكُونُ فِتْنَةٌ ثُمَّ تَكُونُ جَمَاعَةٌ. ثُمَّ فِتْنَةٌ تَعُوجُ فِيهَا عُقُولُ الرِّجَالِ حَتَّى لَا يَكَادَ يُرَى رَجُلٌ عَاقِلٌ!!»

فتنه‌ای برپا می‌شود و اجتماعی برپا می‌گردد و آنگاه فتنه‌ای برمی‌خیزد و به دنبالش اجتماعی فراهم گردد و سپس فتنه‌ای برپا می‌گردد که تعادل روانی مردان را به هم می‌زند و دیگر صاحب عقلی دیده نمی‌شود!»^۱

به نظر می‌رسد که فتنه سومی آغاز شده و ما در اوایل روزگار موعود هستیم و هر روز بیمارستان جدیدی برای بیماران روانی تأسیس می‌شود و دیگر نزدیک است که انسان سالمی پیدا نشود که از اعصابش ننالند و به قرص‌های مُسکن روی نیاورد!

در ادامه برشمردن فتنه‌ها رسول خدا (ص) می‌فرمایند:

«بَيْنَ ذَلِكَ ثَبَجٌ أَعْوَجُ، لَيْسُوا مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُمْ!»

۱. غایة المرام، ص ۶۷۹؛ الملاحم و الفتن، ص ۸۵.

آخرالزمان در آینه روایات

در آن میان اکثریت قاطع از راه منحرف هستند، آنها از من نیستند و من هم از آنها نیستم.»^۱

از شرّ روزگاری که اکثریت مردم از شاهراه هدایت منحرف شوند و در صدد شناخت حقایق نباشند و در مورد اصلاح خویشستن گامی برندارند، به خدای تبارک و تعالی پناه می‌بریم.

و نیز فرمودند:

«وَيَحْ هَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْ مُلُوكٍ جَبَابِرَةٍ كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَ يُخِيفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ. فَأَلْمُومِينَ التَّقِيَّ يُصَانِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَ يَفَرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ. فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزاً قَصَمَ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ. وَ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ، لِيُصْلِحَ الْأُمَّةَ بَعْدَ فُسَادِهَا؛

وای بر این امت از دست پادشاهان ستمگری که بندگان خدا را می‌کشند و می‌ترسانند، جز کسانی را که برای آنها تظاهر به فرمانبرداری کنند! شخص مؤمن پرهیزکار با زبانش با آنها می‌سازد و با دلش از آنها فرار می‌کند. هنگامی که خداوند اراده کند که عظمت و احتشام اسلام را بازگرداند همه ستمگران سرکش و عنود را هلاک

۱. منتخب‌الاثار، ص ۱۵۶؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۴.

می‌سازد که او بر هر چه بخواهد قادر است. او این امت را پس از آنکه تباه شده‌اند، اصلاح می‌کند.^۱

این تباهی اثر وضعی حکومت ستمگران است که خدای منان با ظهور حجت خود همه آن آثار سوء را از بین می‌برد و جهانی نو بر اساس معیارهای اصیل اسلامی بنیان می‌نهد.

* * *

رسول اکرم (ص) درباره اقسام فتن می‌فرمایند:

«لَتَأْتِيَنَّكُمْ بَعْدِي أَرْبَعُ فِتْنٍ: الْأُولَى تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ، وَالثَّانِيَةُ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ وَ الْأَمْوَالُ، وَالثَّالِثَةُ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ وَ الْأَمْوَالُ وَ الْفُرُوجُ، وَالرَّابِعَةُ صَمَاءٌ عَمِيَاءٌ مُطَبَّقَةٌ تَمُورُ مَوْرَ السَّافِينَةِ فِي الْبَحْرِ، حَتَّى لَا يَجِدَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ مَلْجَأً، تَطِيرُ بِالشَّامِ، وَ تَعْشَى الْعِرَاقَ، وَ تَخْبِطُ الْجَزِيرَةَ يَدَهَا وَ رِجْلَهَا، يَغْرُكُ الْأَنَامُ الْبَلَاءُ فِيهَا عَرَكُ الْأَدِيمِ، لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَقُولَ فِيهَا: مَهْ، مَهْ!!! لَا تَرْفَعُونَهَا مِنْ نَاحِيَةٍ إِلَّا انْفَتَقَتْ مِنْ نَاحِيَةٍ أُخْرَى؛

بعد از من چهار فتنه بر شما فرود آید که در اولی خون‌ها مباح می‌شود، در دومی خون‌ها و ثروت‌ها مباح می‌گردد، در سومی خون‌ها و ثروت‌ها و ناموس‌ها مباح می‌شود و در چهارمی آشوبی کور و کر جهان را مضطرب می‌سازد آن چنان که کشتی غول‌پیکر آب‌های مجاور را مضطرب

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۶۳.

آخرالزمان در آینه روایات

کند، این فتنه شام را زیر پر می گیرد و عراق را می پوشاند و در جزیره العرب دست و پا می زند، مردم تلخی حوادث و فشار آشوب را لمس می کنند، آن چنان که پوست به هنگام دباغی شدن، فشار وارده را لمس می کند. کسی قدرت یک کلمه سخن گفتن نخواهد داشت! این فتنه در نقطه ای آرام نمی یابد جز پس از آنکه در نقطه ای دیگر بیداد کند.»^۱

هیچ تردیدی نیست که ما در آستانه فتنه چهارم هستیم، مباح شدن خون و مال و ناموس را پشت سر گذاشته در سرایشی فتنه کور و کری خواهیم بود که، همه عراق را پوشانیده، به سوی شامات پیش می رود و جزیره العرب را نیز فرا خواهد گرفت و همه کشورهای عربی در زیر پای سپاه سفیانی با خون جوانانش گلگون خواهد شد.

در این باره باز هم رسول اکرم (ص) فرمودند:

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي أَرْبَعُ فِتَنٍ: فَأُولَىٰ يُصِيبُهُمْ فِيهَا بَلَاءٌ حَتَّى يَقُولَ الْمُؤْمِنُونَ: هَذِهِ مُهْلِكَتِي. وَالثَّانِيَةُ حَتَّى يَقُولَ الْمُؤْمِنُونَ: هَذِهِ مُهْلِكَتِي. وَالثَّالِثَةُ كُلَّمَا قِيلَ انْقَطَعَتْ تَمَادَتِ الْفِتْنَةُ. وَالرَّابِعَةُ تُصِيبُهُمْ إِذَا كَانَتِ الْأُمَّةُ مَعَ هَذَا مَرَّةً وَمَعَ هَذَا مَرَّةً بِلَا إِمَامٍ وَلَا جَامِعٍ؛

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۷.

در میان امت من چهار فتنه بر پا شود: در فتنه اولی آنقدر بلاها کمرشکن باشد که شخص مؤمن گوید: این فتنه مرا هلاک می‌سازد، در فتنه دوم شخص با ایمان گوید: این فتنه حتماً مرا نابود سازد، در فتنه سوم هر وقت خیال کنند که تمام شده باز می‌بینند که ادامه می‌یابد، و فتنه چهارمی هنگامی روی دهد که امت یک روز با این و یک روز با آن می‌باشد و هیچ رهبر و نقطه مشترکی نداشته باشند.»^۱

به نظر می‌رسد که فتنه سوم فتنه اسرائیل باشد که هرگز خاتمه نمی‌یابد و هر روز به شکلی در برابر امت اسلامی خودنمایی می‌کند و فتنه چهارم را با دیدگان خود مشاهده می‌کنیم که امت اسلامی در کشورهای عربی رهبر و پیشوایی ندارند که بتواند در میان آنها وحدت کلمه ایجاد کند و نقطه مشترکی به وجود آورد و هر کشوری با یک ابرقدرتی ساخته و منابع ثروت خود را در اختیار آن قرار داده و گاه و بیگاه ارباب خود را عوض کرده، از یکی روی برتافته، پیشانی مذلت بر آستان دیگری می‌ساید.

سپس رسول اکرم (ص) تعبیری دارند که گویی زبان حال

۱. همان.

وضع امروز جهان است:

«لَا يَقْتُلُكُمُ الْكُفَّارُ، وَلَكِنْ يَقْتُلُ الْجَارُ جَارَهُ وَ يَقْتُلُ الْأَخُ أَخَاهُ وَابْنُ عَمِّهِ! فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: وَ هَلْ مَعَهُمْ عُقُولٌ؟! قَالَ: تُنَزَّعُ عُقُولُ أَكْثَرِ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ، وَ يَخْلُفُ لَهُمْ هَبَاءٌ مِنَ النَّاسِ، يَحْسَبُ أَكْثَرُهُمْ أَنَّهُ عَلَى شَيْءٍ؛

کفار شما را نمی‌کشد، بلکه همسایه همسایه را می‌کشد، برادر برادرش را و پسرعمو پسرعمویش را می‌کشد!، برخی از اصحاب گفتند: مگر آنها عقل ندارند؟! فرمود: عقل از بیشتر آنها گرفته می‌شود، افراد پست و فرومایه‌ای بر آنها حکومت می‌رانند که بیشترشان آنها را چیزی می‌پندارند.»^۱

و آن بیانگر وضع برخی از کادرهای رهبری جهان امروز است که به دنبال ایدئولوژی‌های مختلف مادی‌گرایی می‌دوند و خیال می‌کنند که مشکل زندگیشان با آنها گشوده می‌شود! ولی چون نزدیک شوند تازه متوجه می‌شوند که اشتباه کرده‌اند و سراب را به جای آب دنبال کرده‌اند. از این افراد پست و فرومایه در این حدیث به «هباء» تعبیر شده که به معنای گرد و غبار است و هیچ قدر و اعتباری ندارند و روی پای خود نمی‌توانند بایستند، بلکه تابع مسیر باد هستند

۱. الملاحم و الفتن، صص ۱۸ و ۱۲۸.

و با درزش باد جهت حرکت آنها تعیین می گردد.

همچنین رسول خدا (ص) فرمودند:

«... فَاِذَا قَتَلَ الْخَلِيفَةُ فِي الْعِرَاقِ الرَّجُلَ الْمَرْبُوعَ الْقَامَةَ، الْكَثَّ
اللُّحْيَةَ، الْبَرَّاقَ الثَّنَايَا، فَوَيْلٌ لِلْعِرَاقِ مِنْ اَتْبَاعِهِ الْمُرَّاقِ؛
هنگامی که خلیفه عراق مردی چهارشانه را با ریشی انبوه
و دندان‌هایی برّاق بکشد، وای به حال عراق از پیروان
گمراه آن خلیفه.»^۱

هنگامی که حکمران عراق چنین مرد جلیل‌القدری را به
قتل برساند، پیروان گمراه آن مرد ستمگر هیچ مرزی را به
رسمیت نمی‌شناسند و هیچ حریمی را محترم نمی‌شمارند
و مردم عراق را با کارهای زشت و ظالمانه خود به ستوه
می‌آورند.

باز هم درباره اعراب رسول اکرم (ص) فرمودند:

«سَتَكُونُ فِتْنَةٌ تَسْتَنْطِفُ الْعَرَبَ، قَتْلَاهَا فِي النَّارِ؛ اللِّسَانُ فِيهَا
أَشَدُّ مِنْ قَتْلِ السَّيْفِ!»

فتنه‌ای برپا شود که ملت عرب را از پای درآورد،
کشته‌هایشان در دوزخ هستند. در آن فتنه زبان‌ها از

۱. بشارة الاسلام، صص ۲۹ و ۱۸۴.

آخرالزمان در آینه روایات

شمشیر برنده‌ترند!!»

و در حدیثی تعبیر شده که:

«قاتل و مقتول هر دو در آتشند.»^۱

فتنه عصر ما، ملت عرب را از پای درآورده و نیروهای آنها را به هدر می‌دهد، ثروت‌های آنها را نابود می‌سازد، زرق و برق آنها را از بین می‌برد و نشان ذلت بر پیشانی آنها می‌زند و همه امیدها و آرزوهایشان در شعله‌های آن می‌سوزد و تبدیل به خاکستر می‌شود.

آنگاه تعبیری فرموده که یکی از نشانه‌های نبوت است که در عصر ما تحقق می‌یابد:

«لَا يَخْرُجُ حَتَّى لَا يَبْقَى قَيْلٌ وَلَا إِبْنٌ قَيْلٍ إِلَّا هَلَكَ!»

او (قائم) خارج نمی‌شود جز هنگامی که هیچ شاه و شاهزاده‌ای در روی زمین نمی‌ماند جز اینکه هلاک شوند.»^۲

رسول اکرم (ص) که به اتکای مبدأ وحی سخن می‌گوید، با قاطعیت از پایان یافتن رژیم‌های سلطنتی پیش از ظهور حضرت بقیةالله (عج) سخن گفته‌اند که قسمت اعظم آنها تا به امروز از بین رفته‌اند یک نمونه آن از بین رفتن رژیم

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸۲.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۰: الملاحم و الفتن صفحه ۴۷.

۲۵۰۰ ساله سلاطین ایران با سقوط آخرین پادشاه ستمگر،
با فریادهای ملت قهرمان ایران است.

رسول اکرم (ص) فرمودند:

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا مَرَجَ الدِّينُ وَظَهَرَتِ الرَّغْبَةُ، وَحُرِقَ الْبَيْتُ الْعَتِيقُ
وَ شَرُفَ الْبُنْيَانُ وَ اخْتَلَفَ الْإِخْوَانُ؛

چگونه می‌شود حال شما هنگامی که دین بازیچه شود،
هوس‌ها آشکار گردد، کعبه طعمه حریق شود، ساختمان‌ها
مرتفع باشد و برادران دچار اختلاف شوند.»^۱

رسول اکرم (ص) همچنین فرمودند:

«لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَخْرُجَ اثْنَا عَشَرَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ كُلُّهُمْ
يَدْعُو لِنَفْسِهِ؛

قائم (عج) خارج نمی‌شود تا هنگامی که دوازده تن از بنی‌هاشم
خروج کنند که هر یکی به سوی خود فرا می‌خواند.»^۲

امام صادق (ع) نیز در این باره فرمودند:

«يَطْلُعُ قَرْنُ الْجَوْرِ بَعْدِي، فَلَا يَطْلُعُ مِنْ قَرْنِ الْجَوْرِ شَيْءٌ إِلَّا مَاتَ

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۸۰.

۲. غیبت شیخ طوسی، صفحه ۲۶۷؛ اعلام الوری، صفحه ۴۲۶.

آخر الزمان در آینه روایات

مِنَ الْعَدْلِ مِثْلُهُ، حَتَّى يُوَلَّدُوا لَا يَعْرِفُونَ إِلَّا الْجَوْرَ وَلَا يَعْلَمُونَ إِلَّا بِهِ. ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَعْطِفُ عَلَى خَلْقِهِ فَيَأْمُرُ قَرْنَ الْعَدْلِ أَنْ يُطْلَعَ رَأْسُهُ فَلَا يُطْلَعُ مِنْ قَرْنِ الْعَدْلِ شَيْءٌ إِلَّا مَاتَ مِنَ الْجَوْرِ مِثْلُهُ، حَتَّى يُوَلَّدَ قَوْمٌ لَا يَعْرِفُونَ إِلَّا الْعَدْلَ، وَلَا يَعْمَلُونَ إِلَّا بِهِ؛

بعد از من شاخ ستم سر برمی آورد، هر چه شاخ ستم بالا رود، به همان مقدار عدالت از بین می رود، کار به جایی می رسد که نوزادان چون دیده به جهان گشایند جز ستم نمی شناسند و به جز ستم گامی نسپارند. آنگاه خدای تبارک و تعالی بر بندگان رحمت آورد و فرمان دهد که شاخ عدالت ظاهر شود، هر چه شاخ عدالت بالا رود به همان مقدار از ظلم نابود شود، تا قومی متولد شوند که جز عدالت نشناسند و به جزء عدالت گام برندارند.^۱

سپس رسول اکرم (ص) درباره تعداد فتن فرمودند:
«أَحْذَرُكُمْ سَبْعَ فِتْنٍ تَكُونُ بَعْدِي: فِتْنَةٌ تُقْبِلُ مِنَ الْمَدِينَةِ، وَفِتْنَةٌ بِمَكَّةَ، وَفِتْنَةٌ تُقْبِلُ مِنَ الْيَمَنِ، وَفِتْنَةٌ تُقْبِلُ مِنَ الشَّامِ، وَفِتْنَةٌ تُقْبِلُ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَفِتْنَةٌ تُقْبِلُ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَفِتْنَةٌ مِنْ بَطْنِ الشَّامِ وَهِيَ فِتْنَةُ السُّفْيَانِيِّ؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸؛ الملاحم و الفتن، ص ۱۳۲.

شما را از هفت فتنه بیم می‌دهم که بعد از من روی
خواهد داد: فتنه‌ای از مدینه، فتنه‌ای در مکه، فتنه‌ای از
یمن، فتنه‌ای از شام، فتنه‌ای از شرق، فتنه‌ای از غرب و
فتنه‌ای از قلب شام که آن فتنه سفیانی است.^۱

رسول اکرم (ص) به مسلمانان توصیه فرمودند که:
«لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُم رِقَابَ بَعْضٍ؛
بعد از من به حال کفر برنگردید که گردن همدیگر را
بزنید.»^۲

رسول خدا (ص) درباره سختی‌های دوران در آخر الزمان
و کمبود مواد غذایی می‌فرمایند:
«لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يَخْرُجَ الرَّجُلُ بِالْجَارِيَةِ الْحَسَنَاءِ الْجَمِيلَةِ
و يَقُولُ: مَنْ يَشْتَرِي هَذِهِ بِوَزْنِهَا طَعَامًا؟؛
مهدی (عج) خارج نمی‌شود جز هنگامی که مرد دست
دختر زیبایی را گرفته در کوچه و بازار بگرداند و
بگوید: چه کسی این را به وزن خود از مواد خوراکی

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۶، الزام الناصب، ص ۷۶.

۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۸؛ صحیح بخاری، ج ۹، ص ۵۰.

می خواهند!!!»^۱

آنگاه پیامبر اکرم (ص) دربارهٔ به هم ریختن تعادل بین نفرات زنان و مردان در آخر الزمان می فرمایند:

«يُمَيِّزُ اللَّهُ أَوْلِيَاءَهُ وَأَصْفِيَاءَهُ، حَتَّى تَطْهَرَ الْأَرْضُ مِنَ الْمُنَافِقِينَ وَالضَّالِّينَ وَأَبْنَاءِ الضَّالِّينَ، وَحَتَّى تَلْتَقِيَ بِالرَّجُلِ يَوْمَئِذٍ خَمْسُونَ امْرَأَةً هَذِهِ تَقُولُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ اشْتَرِنِي، وَهَذِهِ تَقُولُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ آوِنِي؛

خداوند دوستان و برگزیدگان را می گزیند و زمین را از منافقان و گمراهان و گمراه زادگان پاک و پاکیزه می کند، آن روز ۵۰ زن به یک مرد رسیده از او می خواهند که با آنها ازدواج کرده، آنها را پناه دهد.»^۲

و آن هنگامی است که جنگ ها، قحطی ها، خشک سالی ها، زلزله ها و دیگر عوامل آسمانی و زمینی تبهاران را از بین برده، تنها برگزیدگان خدا روی زمین می مانند.

سپس رسول خدا (ص) حوادث ایام ظهور را به صورت تسلسل زمانی بیان و می فرمایند:

۱. الملاحم و الفتن، ص ۴۷.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۲ و الملاحم و الفتن، ص ۱۳۰.

«تَكُونُ آيَةٌ فِي رَمَضَانَ، ثُمَّ تَظْهَرُ عِصَابَةٌ فِي شَوَّالٍ، ثُمَّ تَكُونُ مَغْمَعَةٌ فِي ذِي الْقَعْدَةِ، ثُمَّ يُسَلَبُ الْحَاجُّ فِي ذِي الْحِجَّةِ، ثُمَّ تُنْتَهَكُ الْمُحَارِمُ فِي الْمُحَرَّمِ، ثُمَّ يَكُونُ الضَّرْبُ فِي صَفَرٍ، ثُمَّ تَنَازَعُ الْقَبَائِلُ فِي شَهْرِ رَبِيعٍ، ثُمَّ الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبٍ! ثُمَّ نَاقَةٌ مُقْتَبَةٌ خَفِيفَةٌ خَيْرٌ مِنْ دَسْكَرَةٍ تَغْلُ مِئَةَ أَلْفٍ!»

نشانه‌ای در ماه رمضان روی می‌دهد، گروهی در ماه شوال خروج کنند، هرج و مرجی در ماه ذی‌قعدة پدید آید، حجاج در ماه ذی‌حجه غارت شوند، حرمت‌ها در ماه محرم هتک شود، مهاجرت‌ها در ماه صفر واقع شود، جنگ‌های قبیله‌ای در ماه ربیع روی دهد، آنگاه همه شسگفتی‌ها در میان جمادی و رجب است! در آن هنگام یک شتر تیزپای سایباندار بهتر از کاخ مجللی است که صد هزار نفر از آن حراست کند.^۱

در اینجا می‌بینیم که رسول اکرم (ص) اشاره لطیفی به فرار از خطرها دارد، آنجا که یک شتر تیزپا را بر یک کاخ با صد هزار نگهبان ترجیح داده، اشاره به این موضوع دارد که وسیله نقلیه سریع و تیزپایی پیدا کرده، خود را از مهلکه دور کنید و از وسایل سنگین و دست و پاگیر دوری کنید. تنها به سایباندار بودن آن اشاره می‌کند که انسان را در زیر پوشش

۱. منتخب‌الاثار، ص ۴۵۱؛ الملاحم و الفتن، صص ۳۵، ۵۰، ۱۱۴ و ۱۱۷.

آخرالزمان در آینه روایات

خود از خطرات احتمالی نگه دارد و او را همراه با وسایل و تجهیزات ساده و ضروری به نقطه امنی برساند.

امیرمؤمنان (ع) در این باره می‌فرمایند:

«الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبٍ؛

همه شگفتی‌ها در میان جمادی و رجب است.»^۱

سپس رسول اکرم (ص) با تعبیرات پیچیده که از فهم ما

بیرون است می‌فرمایند:

«خَيْرُ أَوْلَادِكُمْ بَعْدَ أَرْبَعٍ وَ خَمْسِينَ وَ مِئَةِ الْبَنَاتِ، وَ خَيْرُ نِسَائِكُمْ بَعْدَ تِسْعٍ وَ سِتِّينَ الْعَوَاقِرُ، وَ سَنَةُ ثَمَانٍ وَ سِتِّينَ وَ مِئَةِ تَقَاضٍ دَيْنِكَ، وَ سَنَةُ تِسْعٍ وَ سِتِّينَ وَ مِئَةِ إِقْبَاضِ دَيْنِكَ. وَ سَنَةُ تِسْعِينَ الْهَرَجُ وَالْقَتْلُ؛

بهترین فرزندان شما بعد از ۱۵۴ دخترهاست، و بهترین زنان شما بعد از ۶۹ نازاهاست، در سال ۱۶۸ وام‌هایت را متعادل ساز، و در سال ۱۶۹ وام‌هایت را بازستان، و در سال ۹۰ هرج و مرج و کشتار است.»^۲

هدف از این ارقام برای ما روشن نیست.

۱. ينابيع المودة، ج ۳، ص ۱۹۳: الملاحم و الفتن، ص ۱۲۸.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۲۸.

رسول اکرم (ص) می فرمایند:

«إِنَّهَا سَتَكُونُ فِتْنٌ الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ، وَالْقَائِمُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْمَاشِي، وَالْمَاشِي فِيهَا خَيْرٌ مِنَ السَّاعِي، مَنْ تَشَرَّفَ لَهَا تَشْتَشْرِفُهُ، فَمَنْ وَجَدَ فِيهَا مَلْجَأً أَوْ مَعَاذاً فَلْيَعُذْ بِهِ. فَإِذَا وَقَعَتْ فَمَنْ كَانَ لَهُ إِبِلٌ فَلْيَلْحَقْ بِإِبِلِهِ، وَمَنْ كَانَ لَهُ غَنَمٌ فَلْيَلْحَقْ بِغَنَمِهِ، وَمَنْ كَانَ لَهُ أَرْضٌ فَلْيَلْحَقْ بِأَرْضِهِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَيْءٌ فَلْيَعِمْذَ إِلَى سَيْفِهِ فَيَكْسِرْهُ بِحَجَرٍ، ثُمَّ لِيَنْجُ إِذَا اسْتَطَاعَ النِّجَاةَ؛

به زودی فتنه‌هایی برپا شود که نشسته کمتر از ایستاده صدمه می‌خورد و ایستاده کمتر از رهرو صدمه می‌بیند و آنکه به آرامی گام بسپارد کمتر از کسی که شتاب کند صدمه می‌خورد، هر کس خود را در معرض آن فتنه قرار دهد، در کام فتنه فرو رود. هر کس پناهگاهی پیدا کند به آنجا پناه ببرد. چون آن فتنه واقع شود هر کس شتری دارد به شترش پیوندد، هر کس گوسفندی دارد به گوسفندش پیوندد، هر کس زمینی دارد به زمینش بچسبد، هر کس چیزی ندارد شمشیرش را بردارد و آن را با سنگ بشکند و هر وقت بتواند از مهلکه بگریزد.»^۱

و باز رسول خدا (ص) فرمودند:

۱. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۸؛ صحیح بخاری، ج ۹، ص ۵۱.

آخرالزمان در آینه روایات

«يُوشِكُ أَنْ يَكُونَ خَيْرُ مَالِ الْمُسْلِمِ غَنَمًا يَتَّبِعُ بِهَا شَعَفَ الْجِبَالِ
وَمَا وَقَعَ الْقَطَرِ يَفِرُّ بِدِينِهِ مِنَ الْفِتَنِ؛

شاید بهترین ثروت یک مسلمان در آن روز گوسفندی
باشد که آن را دنبال کرده، از قلّه‌های کوه بالا رود و به
دنبال چراگاهی که بارش داشته پیش برود و بدین گونه
دین خود را برداشته از فتنه بگریزد.»^۱

* * *

و نیز فرمودند:

«إِغْتَزِلِ الْفِتْنَ كُلَّهَا، وَلَوْ أَنْ تَعْضُ بِأُضِلِ شَجَرَةٍ حَتَّى يُذْرِكَ
الْمَوْتُ وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ؛

از هر فتنه‌ای گریزان باش، اگرچه ناگزیر شوی تا
پایان زندگی از ریشه گیاهان تغذیه کنی و به آن حال
بمیری!»^۲

از این حدیث اهمیت و ضرورت مراقبت از ایمان و
عقیده روشن می‌شود برای دست نیازیدن به جنایاتی که
در اقدام به این فتنه‌ها اجتناب‌ناپذیر است، ایشان دستور
می‌دهند که آن چنان به عزلت و گوشه‌نشینی بگراییم که
در هیچ کاری کوچک‌ترین سهمی نداشته باشیم و برای

۱. صحیح بخاری، ج ۹، ص ۵۳.

۲. صحیح بخاری، ج ۹، ص ۵۲.

چهل حدیث

این کار اگر ناگزیر شویم که از برگ و ریشه درختان تغذیه کنیم جا دارد.

رسول خدا(ص) در مورد شدت فتن در آخرالزمان می فرمایند:

«لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، يَأْتِي الرَّجُلُ الْقَبْرَ فَيَقُولُ: يَا لَيْتَنِي مَكَانَ هَذَا مِنْ شِدَّةِ مَا يَرَى مِنَ الْبَلَاءِ؛
برای مردم زمانی پیش آید که در اثر شدت بلاها به قبرستان رفته در کنار قبری نشسته می گوید: ای کاش اینجا من آرمیده بودم.»^۱

و:

«تَكُونُ فِتْنَةٌ يَهْلِكُ فِيهَا النَّاسُ، لَا يَسْتَقِيمُ أَمْرُهُمْ عَلَى أَحَدٍ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: عَلَيْكُمْ بِفُلَانٍ بَنِ فُلَانٍ؛
فتنه ای برپا می گردد که مردم در آن هلاک شوند و دیگر کسی نمی تواند آنها را یک جا و دور یک محور گرد آورد، تا منادی آسمانی از آسمان ندا دهد: بر شما باد فلانی پسر فلانی.»^۲

۱. مسند احمد، ج ۲، ص ۵۳۰؛ صحیح بخاری، ج ۹، ص ۵۸.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۱۴.

آخرالزمان در آینه روایات

آنگاه رسول خدا(ص) در مورد آثار آشوب‌های آن زمان فرمودند:

«أَمَّا تَرْضَوْنَ أَنَّ أَعْدَاءَكُمْ يَقْتُلُ بَعْضاً وَ أَنتُمْ آمِنُونَ فِي بُيُوتِكُمْ؟!!»

آیا نمی‌پسندید که دشمنان شما یکدیگر را بکشند و شما در خانه‌های خود نشسته در امان و آرامش باشید؟!^۱

همین مضمون از امام باقر(ع) نیز وارد شده است در روایتی که فرمودند:

«تَجِيءُ فِتْنَةٌ غِبْرَاءُ مُظْلِمَةٌ، ثُمَّ تَتَّبِعُ الْفِتْنُ بَعْضُهَا بَعْضاً، حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ: الْمَهْدِيُّ. فَإِنْ أَدْرَكَتْهُ فَكُنْ مَعَهُ وَ كُنْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ»

فتنه تیره و تاری پدید آید و آنگاه فتنه به دنبال فتنه برپا شود تا مردی از اهل بیت من به نام «مهدی» خارج شود. اگر او را درک کردی با او باش تا از هدایت‌یافتگان باشی.^۲

و نیز امام صادق(ع) درباره فتن اجتماعی چنین

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵؛ غیبت نعمانی، ص ۱۶۱.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۸.

چهل حدیث

فرمودند:

«ثُمَّ يَكُونُ النَّفْثُ وَالنَّفَاثُ؛

آنگاه [همه جا] کینه‌توزی و دغل‌بازی و سنگ‌اندازی است.»^۱

در اینجا به مجموعه روایاتی که از امیرمؤمنان (ع) نقل شده‌اند اشاره می‌کنیم، ایشان در این مجموعه روایات به ذکر مواردی می‌پردازند که همگی از نشانه‌های آخرالزمان و فتن در آن عصر هستند. ایشان فرمودند:

«إِنَّ مِنَ السَّنِينَ سَنَوَاتٍ جَوَادِعُ، تُجْدَعُ فِيهَا عَطَارِقَةٌ وَهَرَاقِلَةٌ؛ [پیش از ظهور قائم (ع)] سال‌های خشکی، تنگی، هرج و مرج پیش آید که در آن سال‌ها کار پادشاهان یکسره و ضربه‌های کاری بر آنها وارد شود.»

«أَلَا وَ لَوْ ذَابَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ لَقَدْ دَنَا التَّمْحِيصُ لِلْجَزَاءِ، وَ كُشِفَ الْغِطَاءُ، وَ انْقَضَتِ الْمُدَّةُ، وَ أَزِفَ الْمَوْعِدُ وَ بَدَأَ لَكُمْ النُّجْمُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، وَ أَشْرَفَ لَكُمْ قَمَرُكُمْ كَمِلْءِ شَهْرِهِ كَلِيلَةَ تَمِّهِ؛

اگر آنچه در دست آنهاست از دستشان برود، دوران امتحان فرا رسد و پرده‌ها کنار رود و وعده الهی نزدیک

۱. اعلام الوری، ص ۳۶۴.

آخر الزمان در آینه روایات

شود و ستاره (دنباله دار) از مشرق زمین طلوع کند و ماه تابان چون قرص قمر در شب بدر ظاهر شود.^۱

منظور از کنار رفتن پرده ها، پدید آمدن همه نشانه ها است که دیگر جای ابهام و تردید برای احدی باقی نباشد و راه تأویل بر همگان بسته شود. و منظور از ماه تابان همان کعبه مقصود و قبله موعود است.

«إِنَّ وَرَاءَكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً مُنْكَسِفَةً، لَا يَنْجُو فِيهَا إِلَّا الْمُؤْمِنُ
النُّومَةُ؛

بعد از شما فتنه تیره و تاری است که در آن جز مؤمن گمنام نجات پیدا نمی کند.^۲

(نُومَةُ) به کسی گفته می شود که در جامعه شناخته نشود و در هیچ امری مداخله نکند و در حدیث آمده: «نُومَةُ» کسی است که اگر در مجلسی شرکت کند شناخته نشود و اگر غایب باشد، از او پرس و جو نشود.

«وَأَعْجَبًا كُلُّ الْعَجَبِ، بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبٍ! مِنْ جَمْعِ شَتَاتٍ وَ
حَضِدِ نَبَاتٍ وَ أَضْوَاتٍ بَعْدَ أَضْوَاتٍ؛

۱. بشارة الاسلام، ص ۶۳.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۵؛ بشارة الاسلام، ص ۵۰.

همه شگفتی‌ها در میان جمادی و رجب است، از اجتماع پراکنده‌ها، درو گیاهان و صداها پشت سر صداها.^۱

«جَعَلَ اللَّهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ خَمْسَ فِتْنٍ، فِتْنَةٌ عَامَّةٌ، ثُمَّ فِتْنَةٌ عَامَّةٌ، ثُمَّ فِتْنَةٌ عَامَّةٌ، ثُمَّ فِتْنَةٌ خَاصَّةٌ. ثُمَّ يَجِيءُ سَنُودَاءُ مُظْلِمَةٌ تَصِيرُ النَّاسُ فِيهَا كَالْبَهَائِمِ؛

خداوند در میان این امت پنج فتنه قرار داده: یک فتنه فراگیر، یک فتنه فراگیر دیگر، فتنه فراگیر سوم، سپس یک فتنه ویژه، آنگاه فتنه سیاه تیره و تاری که مردم چون چارپایان شوند.^۲

شاید منظور از فتنه‌های فراگیر، جنگ‌های جهانی و جنگ اعراب و اسرائیل باشد و منظور از فتنه ویژه، جنگ داخلی مسلمانان باشد و منظور از فتنه سیاه و تیره، موضع‌گیری مسلمانان در برابر یکدیگر و شمشیر زدن آنها به روی یکدیگر باشد که مقدمات آن آغاز شده و در عهد سفیانی به اوج خود می‌رسد و هزاران انسان را در میان شعله‌های خود می‌سوزاند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۹؛ الملاحم و الفتن، ص ۱۱۸.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۲۹.

آخرالزمان در آینه روایات

آنگاه در خطبه معروف: «البيان» می‌فرمایند:

«إِذَا ظَهَرَتْ بِخُرَاسَانَ الزَّلَازِلُ، وَ نَزَلَتْ بِهَمْدَانَ النَّوَازِلُ، فَ رَجَفَتِ الْأَرَاغِفُ بِالْعِرَاقِ. وَ شَمَلَ الشَّامَ الْخِلَافُ، وَ اخْتَلَفَتْ أَهْلُ الْيَمَنِ عَلَى الْمُلْكِ؛

هنگامی که در خراسان زلزله‌ها درگیرد و در همدان فاجعه‌ها پدید آید و در عراق اضطراب‌های شدید سلب آرامش نماید و اختلافات، شام را فرا گیرد و اهل یمن بر سر حکومت درگیر شوند.»^۱

«إِنِّي مَا ادَّعَيْتُ، وَ لَا تَكَلَّمْتُ زُورًا، وَ لَا أَنْبِئُكُمْ إِلَّا بِمَا عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ؛

من هرگز سخنی گزاف نگفتم و ادّعای گزاف ننمودم، به شما خبر نمی‌دهم جز آنچه را که از رسول اکرم (ص) شنیده‌ام.»^۲

امیر مؤمنان (ع) در تفسیر آیه شریفه: «وَ إِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا»: «هیچ آبادی نیست، جز اینکه ما ساکنان آن را هلاک خواهیم کرد و یا کیفر

۱. الزام الناصب، ص ۲۰۴.

۲. الزام الناصب، ص ۱۹۷.

خواهیم داد پیش از رستاخیز»^۱ فرمود:

«تَخْرُبُ سَمَرْقَنْدُ، وَ جَاخُ، وَ خَوَارِزْمُ، وَ الْبَصْرَةُ، وَ بَلْخُ مِنْ الْغَرَقِ، وَ الْهِنْدُ مِنْ تَبَّتْ، وَ تَبَّتْ مِنَ الصِّينِ، وَ كِرْمَانُ وَ بَعْضُ الشَّامِ بِسَنَابِكِ الْخَيْلِ وَ الْقَتْلِ، وَ الْيَمَنُ مِنَ الْجَرَادِ وَ السُّلْطَانِ، وَ سِجِسْتَانُ وَ بَعْضُ الشَّامِ بِالزَّنَجِ، وَ شَامَانُ بِالطَّاعُونَ، وَ مَرُو بِالرَّمْلِ، وَ هِرَاةُ بِالْحَيَّاتِ، وَ مِصْرُ مِنْ انْقِطَاعِ النَّيْلِ، وَ آذَرْبَيْجَانُ بِسَنَابِكِ الْخَيْلِ وَ الصَّوَاعِقِ، وَ بُخَارَى بِالْغَرَقِ وَ الْجُوعِ، وَ بَغْدَادُ يَصِيرُ غَالِيَهَا سَافِلَهَا؛

سمرقند، جاح، خوارزم، بصره و بلخ به وسیله سیلاب‌ها ویران می‌شوند، هند به دست تبتی‌ها، و تبت به دست چینی‌ها نابود می‌شوند، کرمان و قسمتی از شامات زیر سم اسب‌ها به وسیله کشت و کشتار از بین می‌روند، یمن با هجوم ملخ و ستم زمامداران خراب می‌شود، سجستان و قسمت دیگری از شامات به دست زنجی‌ها، شامیان با طاعون، مرو با طوفان، هرات به وسیله مارها، مصر با خشک‌شدن رود نیل و آذربایجان با سم اسب‌ها و بمباران‌ها (صاعقه‌ها) ویران می‌گردند، در بخارا گرسنگی و سیلاب بیداد می‌کند و بغداد زیر و رو می‌شود.»^۲

۱. سورة اسراء، آية ۶۰.

۲. بشارة الاسلام، ص ۴۳.

رسول اکرم (ص) نیز در این مورد می‌فرمایند:

«إِنَّ خَرَابَ الْبَصْرَةِ مِنَ الْعِرَاقِ، وَ خَرَابَ مِصْرَ مِنْ جِفَافِ النَّيْلِ، وَ خَرَابَ مَكَّةَ مِنَ الْحَبَشَةِ، وَ خَرَابَ الْمَدِينَةِ مِنَ السَّيْلِ، وَ خَرَابَ الصِّينِ مِنَ الْجَرَادِ، وَ خَرَابَ الْأَبْلَةِ مِنَ الْحِصَارِ، وَ خَرَابَ فَارُسَ مِنَ الصَّعَالِيكِ مِنَ الدَّيْلَمِ، وَ خَرَابَ الدَّيْلَمِ مِنَ الْأَرَمَنِ، وَ خَرَابَ الْأَرَمَنِ مِنَ الْخَزَرِ، وَ خَرَابَ الْخَزَرِ مِنَ التُّرْكِ، وَ خَرَابَ التُّرْكِ مِنَ الصَّوَاعِقِ، وَ خَرَابَ السُّنْدِ مِنَ الْهِنْدِ، وَ خَرَابَ الْهِنْدِ مِنَ الصِّينِ، وَ خَرَابَ الصِّينِ مِنَ الرَّمْلِ، وَ خَرَابَ الْحَبَشَةِ مِنَ الرَّجْفَةِ، وَ خَرَابَ الزُّورَاءِ مِنَ الشُّفْيَانِي، وَ خَرَابَ الرُّوحَاءِ مِنَ الْخُسْفِ، وَ خَرَابَ الْعِرَاقِ مِنَ الْقَحْطِ؛

خرابی بصره از عراق، خرابی مصر از خشک شدن رود نیل، خرابی مکه از حبشه، خرابی مدینه از سیل، خرابی چین از ملخ، و خرابی ابله^۱ از حصار، خرابی فارس از راهزن‌های دیلم، خرابی دیلم از ارمنی‌ها، خرابی ارمنستان از خزر، خرابی خزر از ترک‌ها، خرابی ترکستان از صاعقه‌ها، خرابی سند از هند، خرابی هند از چین، خرابی چین از شن (طوفان)، خرابی حبشه از زلزله، خرابی زوراء (بغداد) از سفیانی، خرابی روحا از خسف،

۱. شهری در نزدیکی بصره و در کنار دجله است «مترجم»

و خرابی عراق از قحطی است.^۱

آنگاه نشانه‌های دیگری را امیرمؤمنان(ع) به شرح زیر بیان می‌فرمایند:

«إِذَا هُدِمَ مَسْجِدُ بُرَاثَا؛

هنگامی که مسجد بُراثا ویران گردد.»^۲

«حُجُّوا قَبْلَ أَنْ لَا تَحُجُّوا. فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى حَبَشَتِي أَضْمَعَ أَقْرَعَ
بِيَدِهِ مِغْوَلٌ يَهْدِمُهَا حَجْرًا حَجْرًا؛

به حجّ خانه خدا بشتابید پیش از آنکه دیگر قادر به حج نباشید، گویی با چشم خود می‌بینم که مردی از حبشه بسیار نیرومند و شجاع (چون شمشیر بران) کلنگی به دست گرفته، خانه کعبه را ویران می‌کند و سنگ‌های آن را یکایک دور می‌اندازد.»^۳

امام صادق(ع) نیز در این باره می‌فرمایند:

«كَأَنِّي بِأَضْفَرِ الْقَدَمَيْنِ أَخْمَشِ السَّاقَيْنِ عَلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ يَمْنَعُ

۱. بشارة الاسلام، صص ۲۸ و ۴۱.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۰۶؛ بشارة السلام، ص ۵۷.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۱۳۱، المخلاة، ص ۳۱.

آخرالزمان در آینه روایات

النَّاسَ مِنَ الطَّوَافِ حَتَّى يَتَذَعَّرُوا مِنْهُ! ثُمَّ يَنْبَعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنِّي
فَيَقْتُلُهُ قَتْلَ عَادٍ وَثَمُودَ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ؛

گویی مردی را با چشم خود می بینم که با پاهاى زرد و
ساق های قلمی، در کنار رکن یمانی (در نزد حجرالاسود)
ایستاده، مردم را از طواف کردن باز می دارد، تا همه
دچار ترس و وحشت می شوند، آنگاه خداوند مردی را
از تبار من برمی انگیزد که او را همانند عاد و ثمود و
فرعون هلاک سازد.^۱

«يُخْرِبُهَا ذَوَا السُّوَيْقَتَيْنِ مِنَ الْحَبَشَةِ وَهُوَ أَضْلَعُ أَقْرَعُ؛
مردی به نام ذو السُّوَيْقَتَيْنِ از حبشه که بسیار چابک و
چالاک است آن را (کعبه را) ویران می سازد.»^۲
ظاهراً این حادثه بعد از کشتار منی خواهد بود و شاید به
دست یکی از چینی های یمن جنوبی انجام پذیرد.

آنگاه امیرمؤمنان (ع) فرمودند:
«لَا يَقُومُ حَتَّى يُقْتَلَ الثُّلُثُ، وَ يَمُوتُ الثُّلُثُ، وَ يَبْقَى الثُّلُثُ؛
او - مهدی - قیام نمی کند جز هنگامی که ثلث مردم کشته

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۹؛ الملاحم و الفتن، ص ۷۸.

۲. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۳؛ الملاحم و الفتن، ص ۷۸.

شوند، ثلث مردم بمیرند و فقط يك ثلث آن باقی بماند!»^۱

* * *

شسیه همین تعبیر از امام باقر(ع) نیز روایت شده است که فرمودند:

«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ! فَقَالَ أَصْحَابُهُ: وَمَنْ يَبْقَى؟ فَقَالَ: أَمَّا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا مِنَ الثُّلُثِ الْبَاقِي؟!»
ایسن امر - ظهور - تحقق نمی پذیرد جز هنگامی که دو سوم مردم از بین بروند! اصحاب عرض کردند: پس چه کسی باقی می ماند؟! فرمود: آیا شما نمی پسندید که از ثلث باقی باشید؟!»^۲

سپس امام علی(ع) فرمودند:

«يَكْثُرُ سَفْكُ الدِّمَاءِ، وَ يُقْتَلُ مِنْ كُلِّ تِسْعَةِ سَبْعَةٍ أَوْ مِنْ كُلِّ سَبْعَةِ خَمْسَةٍ. فَيَقُولُ الْجَاهِلُ: مَا لَنَا فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ؛
خونریزی فراوان می شود و از هر نه نفر، هفت نفر کشته می شود و یا از هر هفت نفر، پنج نفر کشته می شود.
تا شخص نادان بگوید: ما نیازی به آل محمد(ص) نداریم!»^۳

۱. منتخب الاثر، ص ۴۵۳، الملاحم و الفتن، ص ۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۱۱۳ و ۲۰۷؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۲.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.

آخر الزمان در آینه زایات

طبعاً این وضع هنگامی پیش می‌آید که جنگ سراسری با سپاه حق آغاز شود و $\frac{7}{9}$ یا $\frac{5}{7}$ مردم کشته شوند و مردم در آستانه ظهور مقدس، یک آزمون بزرگ الهی را پشت سر بگذارند.

«يَخْرُجُ سِتُونُ كَذَابًا كُلُّهُمْ يَدْعِي النُّبُوَّةَ، وَ يَزْعُمُ أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ! وَ يَخْرُجُ الْعَبِيدُ عَلَى طَاعَةِ سَادَاتِهِمْ وَ يَقْتُلُونَ مَوَالِيَهُمْ؛ شصت دروغگو ظاهر می‌شود که همگی ادعای پیرامبری می‌کنند و خود را فرستاده خدا می‌پندارند، برادران از اطاعت اربابان خود بیرون می‌روند و ارباب‌های سرور را به قتل می‌رسانند.»^۱

سپس امیرمؤمنان(ع) در خطبه پُرشور «انسان» می‌فرمایند:

«... فَعِنْدَ ذَلِكَ تَخْرُجُ الْعَجَمُ عَلَى الْعَرَبِ، وَ يَمْلِكُونَ الْبَطْنَةَ. أَلَا يَا وَيْلَ لِبَضْرَةٍ مِمَّا يَحِلُّ بِهَا مِنَ الطَّاعُونَ وَ مِنَ الْفِتَنِ يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا! أَلَا يَا وَيْلَ لِفِلِسْطِينَ وَ مَا يَحِلُّ بِهِ مِنَ الْفِتَنِ لَا طَاقَ! أَلَا يَا وَيْلَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا وَ مَا يَحِلُّ بِهَا مِنَ الْفِتَنِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَ جَمِيعَ الْبُلْدَانِ: الْغَرْبُ وَالشَّرْقُ وَ الْجَنُوبُ وَ الشُّمَالُ. أَلَا وَ

۱. المهدي، ص ۱۹۵، بشارة الاسلام، صص ۱۰ و ۲۹.

إِنَّهُ تَرَكِبُ النَّاسُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَتَتَوَاتَبُ عَلَيْهِمُ الْحُرُوبُ الدَّائِمَةُ، وَذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ، وَ مَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ؛

در چنین موقعی عجم علیه عرب شورش می کند و بصره را اشغال می کند. وای به حال مردم بصره که طاعون و فتنه های فراوانی در آن پدید می آید! وای به حال مردم فلسطین از فتنه های غیر قابل تحمّلی که در آن واقع می شود! وای به حال مردم دنیا از فتنه های پیاپی که در آن زمان در شرق، غرب، شمال و جنوب جهان در هر شهر و قصبه ای اتفاق می افتد. هر گروهی علیه گروه دیگر شورش می کند و جنگ های دائمی یکی پس از دیگری روی می دهد که همه آنها کیفر اعمال خود مردم است و پروردگارت هرگز بر بندگان ستمی روا نمی دارد.^۱

ما که امروز فتنه های جانکاه فلسطین را با چشم خود می بینیم، بر عظمت گوینده این خبرهای غیبی بیش از پیش واقف می شویم و در برابر عظمت آن حضرت پیشانی ادب بر زمین می ساییم.

امام حسین (ع) نیز فرمودند:

«إِنَّمَا هُوَ كِنِظَامِ الْخَرْزِ، يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۶.

آخر الزمان در آینه روایات

[نشانه‌های ظهور] چون دانه‌های تسبیح یکی به دنبال دیگری تحقق خواهد یافت.^۱

امام باقر(ع) هم درباره شرایط قبل از ظهور فرمودند:
«لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلَزِلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ، وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ. ثُمَّ سَيْفٌ قَاطِعٌ بَيْنَ الْعَرَبِ، وَ اخْتِلَافٌ بَيْنَ النَّاسِ وَ تَشَتُّتٌ فِي دِينِهِمْ وَ تَغْيِيرٌ فِي حَالِهِمْ، حَتَّى يَتَمَنَّى الْمُتَمَنِّي الْمَوْتَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً مِنْ عَظِيمٍ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَ أَكْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً؛

قائم(عج) قیام نمی‌کند مگر پس از وحشت شدید، زلزله‌ها، فتنه‌ها و بلاهای فراگیری که بر مردم چیره شود و طاعونی پیش از آنها شایع شود و شمشیر برنده‌ای در میان عرب پدید آید و اختلاف در میان مردم درافتد و امور مذهبی مردم مختل شود و حالشان دگرگون گردد و هر صبح و شام آرزوی مرگ کنند، و آن در اثر طغیان و پرده‌داری مردم است که به خون یکدیگر تشنه می‌شوند و خون همدیگر را می‌خورند.^۲

۱. بشارة الاسلام، ص ۸۶، غیبت نعمانی، ص ۱۳۹.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۲۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۲۳۱ و ۳۴۸.

در قرآن اکرم (ص) در این مورد هم فرمودند:

«أَبَدُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَزِلَةٍ»

شما را به مهدی (عج) بشارت می‌دهم، هنگامی که اختلاف شدید در میان مردم پدید آید و زلزله‌های سختی واقع شود او قیام می‌کند.^۱

فردا ما به دنبال یکدیگر پدید آمده، جهان در آتش اختلافات می‌سوزد، در فلسطین اشغالی، لبنان فلاکت زده، افغان صیبت زده، آفریقای مظلوم، در مناطق شرقی آسیا و در میان دیگر ملل محروم و مظلوم، جنگ، اختلاف، فقر و دیگر پیامدهای فتن آخر الزمان، بیداد می‌کند. اختلال امور مردم در شئون دین و دنیا به حدّ اعلیٰ رسیده است. طغیان، تعدی و تجاوز به حقوق همدیگر از فجایع رایج جهان شده است.

امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَيْكُمْ عَذَابٌ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا، مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ»: «بگو: اگر ببینید که عذاب او شبانگاه و یا به هنگام روز بر شما

۱. بحار، انوار، ج ۵۱، ص ۷۴ و ج ۵۲، ص ۳۴۸.

آخر الزمان در آینه روایات

فرود آید، چه چیزی را مجرمان از او به شستاب خواهند خواست؟»^۱، فرمودند:

«فَهَذَا عَذَابٌ يَنْزِلُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى فَسَقَةِ أَهْلِ الْقِبْلَةِ، وَهُمْ يَجْحَدُونَ نُزُولَ الْعَذَابِ عَلَيْهِمْ؛

آن عذابی است که در آخر الزمان بر گنهکاران اهل قبله نازل می شود، که آنها منکر نزول عذاب بر خود هستند.»^۲

امام باقر (ع) به مناسبت گفت و گو از خرابی مسجد «بُرائثا» در عراق فرمودند:

«فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ مُنِعُوا مِنَ الْحَجِّ ثَلَاثَ سِنِينَ. وَاخْتَرَقَتْ خُضْرُهُمْ. وَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ السَّفْحِ لَا يَدْخُلُ بَلَدًا إِلَّا أَهْلَكَهُ وَأَهْلَكَ أَهْلَهُ؛

هنگامی که مرتکب این کار (خرابی مسجد بُرائثا) شدند، سه سال از به جا آوردن حج محروم می شوند و زراعتشان دچار حریق می شود و خداوند مردی را از بادیه (یا از خون آشامان) بر آنها مسلط می کند. وارد هیچ شهری نمی شود جز اینکه دمار از روزگار ساکنان آن در می آورد.»^۳

۱. سورة یونس، آیه ۵۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۵؛ الزام الناصب، صص ۲۲ و ۱۷۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۸.

رسول اکرم (ص) هم در این زمینه فرمودند:

«يُمنَعُ الْحَجُّ مِنَ الْعِرَاقِ ثَلَاثَ سِنِينَ؛

حجّ به مدّت سه سال از عراقی ها منع می شود.»^۱

امام باقر (ع) می فرمایند:

«تَوَقَّوْا دَوْلَةَ بَنِي الْعَبَّاسِ، فَإِنَّ لَهُمْ فِي شِيعَتِنَا لَذَعَاتٍ، وَ فِي آخِرِ

دَوْلَتِهِمْ عَلَامَاتٌ أَمْضَى مِنَ الْحَرِيقِ الْمُلتَهَبِ؛

در دولت بنی عباس خود را بپایید که برای شیعیان ما

در دولت آنها خطراتی هست. و در پایان حکومت آنها

نشانه هایی است که از آتش سوزان، کاری تر است.»^۲

این فتنه ها و نشانه ها بر کسی پوشیده نیست و در عصر ما نیز علمای بسیاری در عراق و لبنان به شهادت رسیدند و افسران عالی رتبه ای در عراق صرفاً به خاطر شیعه بودن کشته شدند، چه شکنجه ها، تبعیدها و زندان ها که خانواده های شیعه، فقط به خاطر شیعه بودن تحمل کردند.

امام باقر (ع) فرمودند:

«كَأَنِّي بِجَرَائِدَ شَتَّى، تُدْعَى بِأَسْمَاءِ شَتَّى، لَا أَرَى لَهُمْ رَشَدًا وَ

۱. بشارة الاسلام، ص ۵۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۸.

۲. اعلام الوری، ص ۴۲۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۱۴.

آخرالزمان در آینه روایات

لَا لِدِينِهِمْ صِيَانَةٌ. كُلَّمَا مَالُوا إِلَى جَانِبٍ انْهَدَمَ مِنْهُمْ جَانِبٌ آخَرُ يُعَارِضُهُمْ رَجُلٌ طَبْرِيٌّ؛

گروه‌های مسلح بسیاری گویی با چشم خود می‌بینم که با نام‌های مختلفی نامیده می‌شوند، برای آنها رشد عقلانی و سلامت ایمانی نمی‌بینم، هر گاه متوجه یک جانب کار خود شوند، جانب دیگر آن خراب می‌شود، مردی از «طبریّه» با آنها به مقابله برمی‌خیزد.^۱

* * *

امام صادق (ع) درباره شرایط قبل از ظهور فرمودند:
«كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛

هر پرچمی که پیش از قیام قائم (عج) بر افراشته شود، صاحبش طاغوت است که به جز خدا پرستیده می‌شود.^۲

* * *

و نیز فرمودند:

«كُلُّ بَيْعَةٍ قَبْلَ ظُهُورِ الْقَائِمِ فَبَيْعَةٌ كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ خَدِيعَةٍ؛

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۷۷:

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳؛ غیبت نعمانی، ص ۵۶.

هر بیعتی که پیش از ظهور قائم (عج) انجام پذیرد، بیعت
کفر و نفاق و مکر و حيله است.^۱

* * *

همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است که:
«مَنْ يَضْمَنْ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنْ لَهُ الْقَائِمَ. إِذَا مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ
لَمْ يَجْتَمِعِ النَّاسُ بَعْدَهُ عَلَى أَحَدٍ، وَلَمْ يَتَنَاهَ هَذَا الْأَمْرُ دُونَ
صَاحِبِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

اگر کسی مرگ «عبدالله» را برای من تضمین کند، من
ظهور قائم (عج) را برای او تضمین می‌کنم، چون عبدالله
از دنیا برود دیگر مردم برای احدی اجتماع نمی‌کنند و
این کار برای احدی جز صاحب شما (عج) هموار نگردد
انشاء الله تعالی.^۲

* * *

آنگاه امام صادق (ع) کشتار فجیع «منی» را چنین توصیف
می‌کنند:

«يَحِجُّ النَّاسُ مَعًا، وَ يَعْرِفُونَ مَعًا عَلَى غَيْرِ إِمَامٍ. فَيَبْنَاهُمْ نُزُولَ
بِمَنِي يَأْخُذُهُمْ مِثْلَ الْكَلْبِ، فَتَثُورُ الْقَبَائِلُ فِيمَا بَيْنَهَا حَتَّى تَسِيلَ
الْعَقَبَةُ بِالدِّمَاءِ، فَيَفْزَعُونَ، وَ يَلُودُونَ بِالْكَعْبَةِ وَ إِذَا بِالْمَهْدِيِّ مُلْصِقٍ

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۶۸.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

آخرالزمان در آینه روایات

وَجْهَهُ بِهَا يَبْكِي وَ دُمُوعُهُ تَسِيلُ. فَيَقُولُونَ: هَلُمَّ وَلَيْنَاكَ، فَيَقُولُ:
وَيَحْكُمُ، كَمْ مِنْ عَهْدٍ قَدْ نَقَضْتُمُوهُ، وَ كَمْ مِنْ دَمٍ قَدْ سَفَكْتُمُوهُ،
فَيُبَايِعُ كُرْهًا؛

مردم به حج می‌روند و در عرفات حاضر می‌شوند در
حالی که امام (ع) را در میان خود نمی‌بینند، هنگامی که
در منی هستند فتنه سختی برمی‌خیزد و همه قبایل بر
یکدیگر می‌شورند و محلّ جمره عقبه از خون رنگین
شود و همه دچار وحشت شده به خانه خدا پناه می‌برند
و ناگهان حضرت مهدی (عج) را می‌بینند که صورتش را
بر کعبه چسبانیده اشک مبارکش بر صورتش می‌ریزد.
عرض می‌کنند: به سوی ما بشتاب که تو را به پیشوایی
خود برمی‌گزینیم. می‌فرماید: وای بر شما! چقدر پیمان
بستید و بشکستید؟! چقدر خون ناحق ریختید؟! آنگاه او
را به قبول بیعت وادار می‌کنند و با او مراسم بیعت به
جای می‌آورند.^۱

* * *

رسول اکرم (ص) نیز فرمودند:

«ثُمَّ تَنْقُضُ الْفِتْنُ حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يُصَلِّي
الْمَرْءُ لِرَأْيِهِ النَّاسِ! فَعَلَيْنَاكُمْ بِأَطْرَافِ الْبِلَادِ، وَ سَوَاحِلِ الْبِحَارِ، وَ

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲؛ الملاحم و الفتن، ص ۵۰.

مَوَاطِئِ الْأُودِيَّةِ، وَ الْهَرَبِ الْهَرَبَ؛

آنگاه فتنه‌ها فراگیر می‌شود و دیگر کسی خدا را به یکتایی یاد نمی‌کند! نمازگزار برای مردم نماز می‌گذارد در آن هنگام به دشت‌های دور دست و کرانه‌های دریاها و اطراف صحراها پناه ببرید و از اجتماعات بگریزید.^۱

* * *

امام صادق (ع) هم در روایت زیر درباره فتن در آخر الزمان فرمودند:

«إِذَا رَأَيْتَ الْفِتْنَةَ بِالشَّامِ فَالْمَوْتُ الْمَوْتُ حَتَّى يَتَحَرَّكَ بَنُو الْأَصْفَرِ فَيَسِيرُونَ إِلَى بِلَادِ الْعَرَبِ، فَتَكُونُ بَيْنَهُمُ الْوَقَائِعُ؛
چون فتنه در شام ظاهر شود دیگر همه‌اش کُشت و کُشتار است تا نژاد زرد به پا خیزند و به ممالک عربی بتازند و آنگاه حوادثی روی می‌دهد.»^۲

* * *

و نیز فرمودند

«تَظِلُّكُمْ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ، لَا يَبْقَى بَيْتٌ مِنْ بُيُوتِ الْمُسْلِمِينَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِلَّا دَخَلَتْهُ، لَا يَخْلُصُ مِنْهَا إِلَّا مَنْ اسْتَظَلَ بِظِلِّ أَفْنَانٍ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْبَحْرِ فَلَأَسْلَمَ لِلنَّاسِ مِنْ تِلْكَ الْفِتْنَةِ

۱. الملاحم و الفتن، ص ۶۴.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۰۷.

آخرالزمان در آینه روایات

مَوْطِئُ التَّلَالِ وَ السَّيْفُ وَ الْأَنْجَى السَّاحِلُ وَ الْحِجَازُ؛

فتنه‌ای همانند قطعات شب یلدا، افق زندگی شما را تیره و تار خواهد ساخت، خانه‌ای در شرق و غرب جهان از خانه‌های امت اسلامی نمی‌ماند جز اینکه این فتنه در آن وارد می‌شود. از این فتنه جان سالم به در نمی‌برد جز کسی که به درختان کرانه‌های دریا پناهنده شود. محل امن از این فتنه، قلّه‌های کوه و کرانه‌های دریاست و سالم‌تر از هر کرانه‌ای سرزمین حجاز است.»

* * *

رسول خدا(ص) هم درباره موقعیت سرزمین و اهل حجاز فرمودند:

«أَنْجَى النَّاسِ مِنْ فِتْنَةِ الصَّيْلَمِ أَهْلُ السَّاحِلِ وَ أَهْلُ الْحِجَازِ؛

سالم‌ترین مردم از فتنه بزرگ و فراگیر، مردم ساحل و اهل حجاز هستند.»^۱

* * *

امام باقر(ع) در تفسیر آیه شریفه ۵۵ / سورة بقره که می‌فرماید: «هر آینه شما را بیازماییم به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهشی از مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، و مژده بده صبرپیشگان را» فرمودند:

۱. الملاحم و الفتن، ص ۳۸؛ بشارة الاسلام، ص ۱۰۹.

«الْجُوعُ خَاصٌّ وَ عَامٌّ: فَأَمَّا الْخَاصُّ مِنْ الْجُوعِ فَبِالْكُوفَةِ يَخُصُّ
اللَّهُ بِهِ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ فَيُهْلِكُهُمْ، وَأَمَّا الْعَامُّ فَبِالشَّامِ، يُصِيبُهُمْ
خَوْفٌ وَ جُوعٌ مَا أَصَابَهُمْ بِهِ قَطُّ. وَأَمَّا الْجُوعُ فَقَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ،
وَ أَمَّا الْخَوْفُ فَبَعْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ (ع)؛

گرسنگی دو نوع است: گرسنگی ویژه و گرسنگی
عمومی. گرسنگی ویژه در کوفه واقع می شود و منحصرأ
برای دشمنان آل محمد (ص) پیش می آید و آنها را هلاک
می نماید، اما گرسنگی عمومی در شامات پدید آید و آنها
را آن چنان دچار وحشت و گرسنگی می نماید که هرگز
نظیر آن را ندیده باشند. گرسنگی پیش از قیام قائم (ع)
است ولی وحشت و اضطراب بعد از قیام آن حضرت
است.^۱

در نامه شریفه ای که از ناحیه مقدسه حضرت ولی
عصر (عج) به افتخار شیخ مفید (ره) صادر شده است،
حوادث آخر الزمان با تسلسل خاصی بیان شده که قسمتی از
آن را در اینجا می آوریم:

«فَقِفْ أَمْدَكَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا
نَذَرُهُ، وَاعْمَلْ فِي تَأْدِيتِهِ إِلَى مَنْ تَسْكُنُ إِلَيْهِ.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹؛ بشارة الاسلام، ص ۹۱.

نَحْنُ وَ إِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ، حَسَبَ
الَّذِي أَرَانَا اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ، وَ لِشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي
ذَلِكَ مَا دَامَتِ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ، فَإِنَّا يُحِيطُ عَلَمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا
يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ، وَ مَعْرِفَتُنَا بِالزَّلَلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ،
قَدْ جَنَحَ كَثِيرٌ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلَفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعًا، وَ
تَبَذُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُوذَ مِنْهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّا
غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ. وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ
بِكُمْ الْبَلَاءُ، وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ، فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُونَا
عَلَى إِنْتِيَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنْفَثَ عَلَيْكُمْ، يَهْلِكُ فِيهَا مَنْ حُمَّ
أَجَلُهُ، وَ يُخْمَى عَلَيْهِ مَنْ أَدْرَكَ أَمَلُهُ. وَ هِيَ إِمَارَةٌ لِأُزْفِ حَرَكَتِنَا
وَ مُبَاتَّتِكُمْ بِأَمْرِنَا وَ نَهْيِنَا وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...؛
بسه آنچه تذکر می دهیم توجه کن، طبق آن عمل کن و به
هر کس از افراد مورد اعتماد دسترسی پیدا کنی، مضمون
آن را بازگو کن.

اگرچه ما در جای مخصوصی به دور از جایگاه ستمگران
سکنا گزیده ایم، که خداوند مصلحت ما و شیعیان ما را
در این دیده است که تا هنگامی که حکومت جهان به
دست ستمکاران است این چنین باشیم، ولی به اخبار
شما آگاهی داریم و چیزی از اخبار شما از ما پوشیده
نیست. از نابسامانی هایی که بر شما عارض شده آگاهیم،

این نابسامانی‌ها از هنگامی آغاز شد که گروهی از شما دست به کارهایی زدند که سلف صالح از آنها به دور بودند، پیمانی را که خداوند از آنها گرفته، پشت سر انداختند، گویی از این پیمان هیچ اطلاعی ندارند!

ما شما را رها نکرده‌ایم و یادتان را از خاطر نبرده‌ایم، و گرنه دشواری‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را لگدمال می‌کردند. از خداوند بزرگ تقوا کنید و ما را در رفع گرفتاری‌هایی که بر شما فرود آمده یاری کنید. این فتنه که هر کس اجلش فرا رسیده در آن نابود می‌شود و هر کس به آرزویش رسیده از آن جان سالم به در می‌برد، نشانه نزدیک شدن نهضت ما و تلاش شما در اجرای اوامر و نواهی ما است، خداوند نور خود را کامل می‌گرداند، اگرچه مشرکان را خوش نیاید.

خود را به وسیله تقیه از آتش فتنه‌ای که انگیزه‌های جاهلی آن را برافروخته و تعصب‌های نژادی اموی آن را شعله‌ور ساخته، و قوم هدایت‌یافته‌ای را به وحشت انداخته، نگاه دارید. من ضامن نجات کسی هستم که خود را در این ورطه هلاکت نیندازد و برای فرار از آن راهی خداپسند برگزیند.

چون ماه جمادی‌الاولی از همین امسال فرا رسد، از

شیعه در عصر غیبت

حادثه‌ای که در آن روی می‌دهد عبرت بگیرید و برای حوادث بعدی خود را مهیا سازید و از خواب گران برخیزید.

به زودی نشانه‌ای بزرگ در آسمان برای شما پدیدار می‌شود و آنگاه نشانه‌ای بزرگ در زمین آشکار می‌شود و در مشرق زمین حوادثی جانکاه روی می‌دهد که موجب تأثر و اضطراب می‌شود. سپس گروه‌هایی منحرف از اسلام بر عراق تسلط می‌یابند و با کردارهای زشت خود موجب کمبود ارزاق در عراق می‌شوند. سپس با هلاکت طاغوتی از طواغیت این فاجعه برطرف می‌شود و نیکان پرهیزکار از هلاکت او شاداب می‌شوند.

آنگاه کسانی که از راه‌های دور و دراز به حج می‌روند به تمام اهداف خود می‌رسند و با موفقیت برمی‌گردند. ما نیز در راه‌اندازی کار آنها و ایجاد تسهیلات در سفر روحانی آنها برنامه‌ای داریم که بر اساس نظام خاصی به آنها می‌رسد.

بنابراین هر یک از شما باید طوری رفتار کند که به محبت ما نزدیک‌تر شود و از هر چیزی که خوشایند ما نیست و موجب غضب ما می‌شود دوری کند، که فرمان ظهور ما ناگهانی و بدون مقدمه فرا می‌رسد، که

دیگر توبه سودی ندارد و پشیمانی از گناه دردی را دوا نمی‌کند و از چنگال عدالت رهایی نیابند. خداوند راه رشد و هدایت خود را بر شما بیاموزد و با رحمت واسعه خود شما را مورد توجه و عنایت خود قرار دهد.»^۱

در تورات نیز می‌خوانیم:

«و خداوند می‌گوید که در تمامی زمین دو حصّه منقطع شده خواهند مرد، و حصّه سوم در آن باقی خواهد ماند. و حصّه سوم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتن نقره قال خواهم گذاشت و مثل مصفی ساختن طلا ایشان را مصفی خواهم نمود و اسم مرا خواهند خواند و من ایشان را اجابت نموده، خواهم گفت که ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت که یهوه خدای ما است.»^۲

در انجیل هم آمده است که:

«و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود

۱. احتجاج طبرسی ج ۲، ص ۴۹۸، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۲. تورات، کتاب زکریای نبی، باب ۱۳ بندهای ۸ و ۹.

آخرالزمان در آینه روایات

به سبب شوریدن دریا و امواجش و دلهای مردم ضعف
خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع
مسکون ظاهر می شود.^۱

* * *

۱. انجیل لوقا، باب ۲۱، ندهای ۲۵ و ۲۶.

فصل سوم

سیمای دین و قرآن در آخر الزمان

دین و قرآن، دو غریب متروک و تنها، در عصر ما سرگذشت دیگری دارند.

آنها غریب و تنهایند، تبعیدی و مهجورند.

آنها در میان مردم هستند ولی با مردم نیستند، آنچنان که رسول اکرم (ص) تعبیر فرموده‌اند.

آیین مقدس اسلام امروز غریب است و قرآن کریم در قفسه‌های مساجد و طاقچه‌های منازل خاک می‌خورد. این بساره نیز مانند فصل گذشته روایات را به ترتیب از قول مبارک خاندان وحی و رسالت بررسی می‌کنیم. ابتدا روایات نقل شده از رسول اکرم (ص) را مقدم می‌داریم، ایشان دربارهٔ اوضاع دین و قرآن در آخر الزمان به ترتیب می‌فرمایند:

«وَيُوضَعُ الدِّينُ، وَ تُرْفَعُ الدُّنْيَا؛

دین کم ارج می شود و دنیا ارزش فراوان پیدا می کند.»^۱

* * *

«تَجْتَمِعُ الْأَجْسَادُ، وَالْقُلُوبُ مُخْتَلِفَةً. وَ دِينَ أَحَدِهِمْ لَعَقَّةٌ عَلَى لِسَانِهِ!!!»

بدن های مردم یک جا جمع می شود ولی دل های آنها پراکنده می شود، دین در نزد آنها همانند بقیه خوراکی است که در دهان می گردانند و سپس بیرون می ریزند.»^۲

* * *

«إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا، وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛
اسلام در آغاز غریب بود و در پایان غریب می شود،
خوشا به حال آن غریبان.»^۳

* * *

«يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ!»

برای امت من زمانی پیش می آید که اگر کسی بر آیین خود استوار باشد همانند کسی است که آتش گداخته ای را با دست بگیرد.»^۴

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۱.

۲. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۹۳.

۳. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۰.

۴. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۴۵.

آخرالزمان در آینه روایات

«يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ، وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ. يُسَمَّوْنَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ عَنْهُ. مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى! فَقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فَقَهَاءِ تَحْتَ السَّمَاءِ، مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ، وَإِلَيْهِمْ تَعُودُ؛

بر امت من زمانی پیش می آید که از قرآن جز نقش آن، و از اسلام جز نام آن باقی نباشد، به ظاهر مسلمان نامیده می شوند در حالی که بیش از همه مردمان از آن دورند، مساجدشان آباد ولی از هدایت خالی است، فقیهان آن زمان از همه فقیهانی که زیر آسمان نبود هستند بدترند. از آنها فتنه خارج شده و به سوی آنها باز می گردد.»^۱

«... وَ يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ، وَلَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ. فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْخُرُوجِ، فَيُظْهِرُ اللَّهُ الْإِسْلَامَ بِهِ وَ يُجَدِّدُهُ. طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَ تَبِعَهُ، وَ الْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَهُ وَ خَالَفَهُ؛

بر امت من زمانی پیش می آید که از اسلام جز اسم آن، و از قرآن جز نقش آن باقی نمی ماند، در آن زمان خداوند اجازه خروج می دهد، پس اسلام را به وسیله او [حضرت مهدی] آشکار و تجدید می کند، خوشا به حال کسی که

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۷.

او را دوست بدارد و از او پیروی کند، وای به حال کسی که او را دشمن بدارد و با او سرِ مخالفت داشته باشد.»^۱

* * *

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يَسْلَمُ لِدِينٍ دِينُهُ إِلَّا مَنْ هَرَبَ مِنْ شَاهِقٍ إِلَى شَاهِقٍ، وَمِنْ جُخْرٍ إِلَى جُخْرٍ كَالْتَّغَلَبِ بِأَشْبَالِهِ! فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ لَمْ تَتَلِ الْمَعِيشَةَ إِلَّا بِسُخْطِ اللَّهِ! فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ هَلَاكُ الرَّجُلِ عَلَى يَدَيِ زَوْجَتِهِ وَوَلَدِهِ، فَإِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ وَلَا وَلَدٌ، كَانَ هَلَاكُهُ عَلَى يَدَيِ أَبَوَيْهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَبَوَانِ كَانَ هَلَاكُهُ عَلَى يَدَيِ قَرَابَاتِهِ وَالْجِيرَانِ! يُعَيِّرُونَهُ بِضِيقِ الْعَيْشِ فَيُورِدُ نَفْسَهُ الْمَوَارِدَ الَّتِي تَهْلِكُ بِهَا نَفْسُهُ؛

برای مردم زمانی پیش می‌آید که برای هیچ دین‌داری دینش سالم نمی‌ماند جز اینکه از کوهی به کوهی فرار کند و همچون روباه بچه‌هایش را برداشته از لانه‌ای به لانه‌ای بگریزد. در چنین زمانی هلاکت انسان به دست همسر و فرزندانش است، اگر زن و فرزند نداشته باشد به دست پدر و مادرش هلاک می‌شود، اگر پدر و مادر نداشته باشد به دست خویشان و همسایگانش هلاک می‌شود!، او را با تنگی معیشت مورد سرزنش قرار می‌دهند تا خود را

۱. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۰۰.

آخرالزمان در آینه روایات

به جاهایی وارد کند که موجب هلاکت او شود.»^۱

* * *

«إِضَاعَةُ الصَّلَوَاتِ، وَاتِّبَاعُ الشَّهَوَاتِ، وَالْمَيْلُ إِلَى الْأَهْوَاءِ؛
در آن زمان نمازها تباه می‌شود، به دنبال شهوت‌ها رفته،
از هوای نفس پیروی کنند.»^۲

* * *

«يَحِجُّ أَغْنِيَاءُ أُمَّتِي لِلنُّزْهَةِ، وَيَحِجُّ أَوَاسِطُهَا لِلتِّجَارَةِ، وَيَحِجُّ
فُقَرَاؤُهَا لِلرِّيَاءِ وَالسُّنْعَةِ؛
ثروتمندان امت من برای سیاحت به مکه روند و متوسطین
آنها برای تجارت و فقرای آنها برای ریا و تظاهر.»^۳

* * *

«يَكُونُ حَجُّ الْمُلُوكِ نَزْهَةً، وَحَجُّ الْأَغْنِيَاءِ تِجَارَةً، وَحَجُّ الْفُقَرَاءِ
مَسْأَلَةً؛
پادشاهان برای سیاحت و تفريح مکه روند و ثروتمندان
برای تجارت و مستمندان برای گدایی.»^۴

* * *

«الْغُرَبَاءُ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعَةٌ: قُرْآنٌ فِي جَوْفِ ظَالِمٍ، وَمَسْجِدٌ فِي

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۷.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۲.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۳۴.

۴. جامع الاخبار، ص ۸۱.

نادی قَوْمٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ، وَ مُصْحَفٌ فِي بَيْتٍ لَا يُقْرَأُ فِيهِ، وَ رَجُلٌ
صَالِحٌ مَعَ قَوْمٍ سَوَاءٍ؛

غریب در دنیا چهار نفر است:

۱. قرآن در سینه شخص ستمگر؛

۲. مسجد در محله‌ای که نماز نمی‌خوانند؛

۳. مصحف شریف در خانه‌ای که تلاوت نمی‌شود؛

۴. و مرد صالح در میان قوم ناشایست!»^۱

* * *

«يَمُرُّ الرَّجُلُ بِالْمَسْجِدِ فَلَا يُصَلِّي فِيهِ رَكْعَتَيْنِ؛

مرد وارد مسجد می‌شود و دو رکعت نماز در آن
نمی‌گذارد.»^۲

* * *

«مَا سَاءَ عَمَلُ قَوْمٍ إِلَّا زَخَرُوا مَسَاجِدَهُمْ؛

بدترین عمل هر قوم تزئین مساجدشان است.»^۳

* * *

«إِذَا اسْتَخَفُّوا بِالْقُرْآنِ، وَ كَانَتْ مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةً بِالْأَذَانِ، وَ
قُلُوبُهُمْ خَالِيَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ، وَ بَلَغَ الْمُؤْمِنُ عِنْدَهُمْ كُلُّ هَوَانٍ؛

۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۹۵.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۳۱.

۳. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۴۶.

آخر الزمان در آینه روایات

هنگامی که قرآن را سبک بشمارند، مساجدشان با اذان آباد باشد، ولی دلهایشان از ایمان تهی گردد و مؤمن در میان آنها به هر گونه ذلت و خواری دچار شود.^۱

«وَحُلِّيتِ الْمَصَاحِفُ، وَزُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ، وَطُوِّلَتِ الْمَنَائِرُ؛ قرآن‌ها تزیین می‌شود، مسجدها آذین بسته می‌شود و مناره‌ها بلند می‌گردند!»^۲

«يَتَّخِذُ الْقُرْآنُ مَزَامِيرَ، وَ يُوَضَّعُ عَلَى الْأَحَانِ الْأَغَانِي، يُقْرَأُ بِلَا خَشْيَةٍ؛ قرآن با نِی و با لحن غنا خوانده می‌شود، بدون اینکه به هنگام تلاوت با خوف و خشیت از پروردگار همراه باشد.»^۳

«سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يُرْجَعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنُّوحِ وَالرُّهْبَانِيَّةِ، لَا يَجُوزُ تَرَاقِيَهُمْ! قُلُوبُهُمْ مَفْتُونَةٌ، وَقُلُوبُ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۴.

۲. الزام الناصب، صص ۶۴، ۱۸۲، ۱۹۵.

۳. بشارة الاسلام، ص ۲۶.

بعد از من اقوامی می آیند که قرآن را همانند ترجیع غنای مجالس سوک و راهبان، با غنا و ترجیع می خوانند که از حلقومشان تجاوز نمی کند!، دل هایشان با مهر کسانی که به دلایلی برای آنها اهمیت دارند؛ آکنده شده است.^۱

متأسفانه امروزه علاوه بر اینکه قرآن در مساجد و محافل ما به لحن مجالس سوگواری خوانده می شود، تلاوت آن نیز به مجالس سوگواری اختصاص یافته است، از این رهگذر هنگامی که صدای تلاوت قرآن از بلندگوی مسجدی به گوش می رسد، نشانه آن است که در این مسجد، مجلس ترحیمی، شب هفتی، چهلمین شب یا سالگرد مرده ای برگزار است!.

«لَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَكُونَ أَمْرُ الصُّبَّانِ، وَ تَضَيِّعَ حُقُوقِ الرَّحْمَانِ، وَ يُتَغْنَى بِالْقُرْآنِ؛

قائم (عج) ظهور نمی کند، جز پس از آنکه کارها به دست بچه ها بیفتد، حقوق الهی ضایع گردد و قرآن را به لحن غنا تلاوت کنند.»^۲

«بَادِرُوا بِالْمَوْتِ سِتًّا: إِمَارَةَ السُّفَهَاءِ، وَكَثْرَةَ الشَّرِطِ، وَالِاسْتِخْفَافِ

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۴.

۲. الزام الناصب، ص ۱۷۸.

آخرالزمان در آینه روایات

بِالدَّمِّ، وَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ، وَ نَشَأَ يَتَّخِذُونَ الْقُرْآنَ مَزَامِيرَ، يُقَدِّمُونَ
الرَّجُلَ لَيْسَ بِأَفْقَهُمْ وَ لَا بِأَفْضَلِهِمْ، يُغْنِيهِمْ غِنَاءٌ؛

به سوی مرگ بشتابید پیش از آنکه شش واقعۀ شما
را دریابد: ۱. حکومت سَفِیهان، ۲. افزونی شُرطه‌ها
(پلیس‌ها)، ۳. سبک شمردن خون، ۴. قطع رحم (گسسته
شدن رشته خویشاوندی)، ۵. آغاز تلاوت قرآن با نی،
۶. جلو انداختن کسی که برتر و داناتر آنها نیست و تغنی
کردن او برای مردم.^۱

این حدیث به تعبیر: «بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ» نیز آمده است،
ولی ما تعبیر: «بَادِرُوا بِالْمَوْتِ» را آورده‌ایم که از ارزان شدن
مرگ و میر با حوادث زمینی و آسمانی خبر می‌دهد، چنان‌که
در عصر ما رایج گشته است.

«إِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ، وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ خَلِقَ وَ
أُخْدِتَ مَا لَيْسَ فِيهِ، وَ وُجِّهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ؛

هنگامی که ببینی حق از بین رفته و اهل حق رخت بر بسته،
قرآن کهنه شده، مطالبی که در قرآن نیست احداث شده و
قرآن بر طبق خواسته‌ها تفسیر و توجیه می‌گردد.»^۲

۱. نهج الفصاحة، ج ۱، ص ۲۱۶.

۲. الزام الناصب ص ۱۸۳.

آری قاریان عصر ما به قرآن می‌افزایند و از آن می‌کاهند!،
برای اینکه به خیال آنها با فلان پرده مطابق شود و با فلان
لحن خوانده شود، بسم الله را از اول سوره‌ها می‌اندازند،
تکبیر و دیگر کلمات تشویقی را به وسط آن می‌افزایند
تا شاید در گوش شنونده تأثیر کند و او را به گوش دادن
وادار نماید!

«وَرَأَيْتَ الْمَنَابِرَ يُؤَمَّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى، وَلَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا
يَأْمُرُ؛

و می‌بینی که بر فراز منبر مردم را به نیکی و پرهیزکاری
دعوت می‌کنند، ولی گوینده به آنچه امر می‌کند؛ خود
عمل نمی‌نماید.»^۱

* * *

«يُكْفَرُ بِاللَّهِ جَهْرَةً... وَ تُؤَخَّرُ الصَّلَوَاتُ، وَ تُشْرَبُ الْقَهَوَاتُ وَ
تُشْتَمُ الْآبَاءُ وَ الْأُمَّهَاتُ؛

آشکارا به خدا کفر ورزیده می‌شود، نمازها به آخر وقت
تأخیر می‌افتد، مسکرات رایج می‌گردد و به پدر و مادر
دشنام داده می‌شود.»^۲

* * *

۱. نهج الفصاحة، ج ۱، ص ۲۱۶.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۷.

آخرالزمان در آینه روایات

«سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَخْفَى مِنْ الْحَقِّ،
وَلَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ، وَلَا أَكْثَرَ مِنَ الْكَذِبِ عَلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ!
وَلَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ سِلْعَةٌ أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تُلِيَ حَقٌّ
تِلَاوَتِهِ، وَلَا أَتَقُّ مِنْهُ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ؟! وَلَا فِي الْبِلَادِ
شَيْءٌ أَنْكَرَ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا أَعْرَفَ مِنَ الْمُنْكَرِ؛

بعد از من زمانی برای شما پیش می‌آید که چیزی
پوشیده‌تر از حق و آشکارتر از باطل نباشد! چیزی
شایع‌تر از دروغ بر خدا و پیامبر (ص) یافت نشود! و هیچ
کالایی کم‌بهاتر از قرآن با تلاوت صحیح، و پُر ارزش‌تر
از آن با تفسیر غلط و توجیهات بی‌اساس وجود نداشته
باشد! در شهرها چیزی زشت‌تر از معروف و نیکوتر از
منکر جلوه نکند.»^۱

در مورد تلاوت قرآن، امروز اگر قرآنی به طور صحیح
و با ترتیل و تجوید مطلوب بدون غنا و ترجیع خوانده
شود مشتری ندارد، و در مورد مصحف شریف، امروز
همه قرآن‌ها با تذهیب پُر ارزش، کاغذهای لوکس و اعلا
و جلد‌های زیبا و گرانبها عرضه می‌شود و از آن به صورت
قانون، حکم، دستور، برنامه هدایت، راهنمای بشریت و

۱. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۰۶، ۲۰۳.

نشانگر صراط مستقیم، خبری نیست. اهل قرآن نیز چون خود قرآن در میان مردم غریب هستند، در میان آنها نیستند و از آنها نیستند.

* * *

«إِذَا بَقِيَ الدِّينُ بَيْنَكُمْ لَغَطًا بِالسِّنِّتِكُمْ؛

هنگامی که قرآن به صورت آهنگ تو خالی درآید که با زبان خود آن را تکرار کنند.»^۱

* * *

«إِذَا قَسَتِ الْقُلُوبُ، وَ جَمَدَتِ الْعُيُونُ، وَ ثَقُلَ الذِّكْرُ عَلَيْهِمْ؛

هنگامی که دل‌ها را قساوت بگیرد، دیده‌ها خشک شود و تلاوت قرآن بر زبان‌ها سخت باشد.»^۲

* * *

دیگر دل‌ها را قساوت گرفته، برای خوف از خداوند از دیده‌ای اشک خشیت بر چهره‌ای جاری نمی‌شود، تلاوت قرآن بر زبان‌ها سخت شده است. زیرا قرآن آنها را به چیزی که دوست ندارند؛ امر می‌کند و از چیزی که دوست دارند؛ باز می‌دارد!

* * *

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۳.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

آخرالزمان در آینه روایات

«... وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ ثَقُلَ عَلَى النَّاسِ إِسْتِمَاعُهُ، وَ خَفَّ عَلَى النَّاسِ إِسْتِمَاعُ الْبَاطِلِ؛

و می بینی که گوش دادن به قرآن برای مردم بسیار سنگین است و گوش دادن به صداهاى باطل، آسان و فرح بخش شده است.»^۱

«وَ رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ تَرَكَ التَّدْيِينَ بِهِ؛

و می بینی که مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی شده اند و اعراض از دین فراگیر شده و بی تقوایی میان عالم و جاهل مشترک شده است.»^۲

به راستی که پیشوایان دین در هدایت و نشان دادن حق از باطل و صحیح از ناصحیح در هیچ دوره ای از تاریخ فروگذار نکرده اند. بعد از روایات تکان دهنده ای که از زبان مبارک حضرت نبی اکرم (ص) نقل گردید، می پردازیم به مجموعه ای از روایات که امیرمؤمنان (ع) درباره دین و قرآن در آخرالزمان نقل نموده اند ایشان می فرمایند:

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲ ع ۲۵۹.

«مَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبُنَى، خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى. سُكَّانُهَا وَ عُمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ، مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ، يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنْهَا فِيهَا، وَ يَسُوقُونَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا إِلَيْهَا!». يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: فَبِى حَلَفْتُ لَا بُعْثَنَّ عَلَى أَوْلِيكَ فِتْنَةً أَتْرُكَ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانًا!

آن روز مساجدشان از نظر ساختمان آباد است و از نظر هدایت خراب است، ساکنان و بانیان آنها بدترین مردم روی زمین هستند، فتنه از آنها آغاز می شود و معصیت به سوی آنها منتهی می شود، کسی که از معصیت دور باشد به سوی آن سوقش می دهند و هر کس عقب بماند به قافله تبهارانش می رسانند». چنان که در کلمات قدسی آمده است: «سوگند به عزّت و جلالم، برای آنها فتنه ای می فرستم که عقلای قوم در آن حیران و سرگردان بمانند.»^۱

از سوگندی که خداوند یاد کرده است، به خودش پناه می بریم فتنه ای که امروز جهان اسلام را فرا گرفته، انسان را سرگردان و سردرگم می کند، به کجا خواهد رسید، اگر این وضع شدّت پیدا کند و بر حجم گرفتاری ها افزوده شود!

۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۸۰۱.

آخر الزمان در آینه روایات

«إِذَا ضَيَّعَتْ أُمَّةٌ مُحَمَّدَ الصَّلَوَاتِ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَرُفِعَتْ الصَّلَاةُ مِنَ الْمَسَاجِدِ بِالْخُصُومَاتِ، وَجَعَلُوا الْمَسَاجِدَ مَجَالِسَ لِلطُّغَاةِ، فَتَصِيرُ الْوُجُوهُ وَجُوهَ الْآدَمِيِّينَ، وَالْقُلُوبُ قُلُوبَ الشَّيَاطِينِ؛

هنگامی که امت محمد (ص) نمازها را ضایع کنند، از شهوت‌ها پیروی شود، برای نزاع و جدال، نمازها از مساجد برچیده شود و مساجد، محلّ برگزاری جلسات طغیانگرها شود، در آن زمان قیافه‌ها به شکل انسان و دل‌ها، دل‌های شیاطین است.»^۱

* * *

و در مقام بیان نشانه‌های نزدیکی وقت فرج، امیرمؤمنان (ع) می‌فرمایند:

«إِذَا كَثُرَ الْجَوْرُ وَالْفَسَادُ، وَظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَأَمَرَ النَّاسُ بِهِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمَعْرُوفِ، وَكَثُرَ الْقَتْلُ وَاسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالدِّمَاءِ؛

هنگامی که ظلم و فساد بسیار شود، منکرات علنی گردد، مردم یکدیگر را به انجام منکرات تشویق نمایند و از انجام کارهای خیر نهی کنند، [در این زمان] قتل فراوان باشد و مردم خون را سبک بشمارند.»^۲

۱. بشارة الاسلام، صص ۲۳، ۷۵ - ۷۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۱۹۳ و ۲۵۸.

«إِذَا اسْتَحَلُّوا الْكَذِبَ، وَاتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ، وَاسْتُعْلِنَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ، وَ صُدِّقَ الْكَاذِبُ وَ اثْتُمِنَ الْخَائِنُ، وَ شَهِدَ الشَّاهِدُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْتَشْهَدَ، وَ شَهِدَ الْآخِرُ قَضَاءَ لِذِمَامٍ بِغَيْرِ حَقٍّ عَرَفَهُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ الْوَحَا الْوَحَا!»

هنگامی که دروغ مباح شمرده شود، از هوای نفس پیروی شود، روابط نامشروع علنی گردد و بهتان رایج شود، دروغ پردازان راستگو شناخته شوند و خائنان مورد اعتماد قرار بگیرند، گواهان بدون اینکه کسی گواهی بخواهد گواهی دهند، و گروهی دیگر برای قراردادی که بسته‌اند بدون اینکه از اصل موضوع مطلع باشند گواهی دهند، در چنین زمانی همه جا آتش می‌بارد.^۱

* * *

«... حَتَّى لَا يَقْتَفِيَ النَّاسُ أَثَرَ نَبِيٍّ، وَلَا يَعْتَقِدُونَ بِعَمَلٍ وَصِيٍّ، وَلَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ، وَلَا يَعْفُونَ عَنْ غَيْبٍ؛

دیگر مردم از سنت پیامبر (ص) پیروی نکنند و روش اوصیای معصوم را دنبال نکنند، به غیب ایمان نیاورند و از کارهای ناشایست دامن خود را پاکیزه نگه ندارند.»^۲

* * *

۱. الامام المهدی، ص ۲۱۹.

۲. بشارة الاسلام، ص ۶۲.

آخرالزمان در آینه روایات

«تَظْهَرُ الْعَلَاهِي، وَ يُمَرُّ بِهَا فَلَا يَجْتَرِيءُ أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا؛
آلات لهو و لعب در رهگذر مردم آشکارا به کار گرفته
می‌شود، مردم عبور می‌کنند و کسی جرئت نمی‌کند که
از آن جلوگیری به عمل آورد.»^۱

* * *

«فَلَا تَرَى إِلَّا ذِمَّةً لِلَّهِ!!!»
سرزنش کننده‌ای نمی‌بینی جز کسی که خداوند سبحان
را سرزنش کند.»^۲

سرزنش کنندگان فراوانی می‌بینیم که خدای تبارک و
تعالی را مورد نکوهش قرار می‌دهند، حتی از نثار تعبیرات
ناشایست دریغ نمی‌کنند!!! ولی حسابگران دقیقاً حساب آنها
را ثبت می‌کنند، هر گامی که برداشته‌اند و هر اشاره و طنزی
که مرتکب شده‌اند، همه و همه در کتاب منعکس است
و روزی باید حساب پس بدهند و به سزای اعمال خود
برسند. خداوند برای شتاب دیگران شتاب نمی‌کند، بلکه
چون «اخذ عزيز مقتدر» آنها را به دست قدرت می‌گیرد و به
سزای کردار ناشایست خود می‌رساند، آن روز یار و یابوری
ندارند و به تنهایی باید پاسخگوی مأموران خداوند باشند. آن

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۲.

روز گفته می‌شود: امروز تنها به سوی ما آمده‌اید، چنان‌که در آغاز شما را آنچنان آفریده بودیم... چگونه است که یاوران و شفاعت‌کننده شما را همراه شما نمی‌بینیم؟!^۱

«إِذَا رَأَيْتَ الْحَرَمَيْنِ يُعْمَلُ فِيهِمَا بِمَا لَا يَرْضَى اللَّهُ... وَ رَأَيْتَ بَيْتَ اللَّهِ قَدْ عُطِّلَ وَ يُؤْمَرُ بِتَرْكِهِ، وَ رَأَيْتَ طَلَبَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ لغيرِ اللَّهِ؛

هنگامی که ببینی که در حرمین شریفین (مکه و مدینه) آنچه خدا نمی‌پسندد انجام می‌پذیرد، و حج خانه خدا تعطیل شده، دستور ترک صادر می‌شود، و ببینی که حج و جهاد را برای غیر خداوند می‌خواهند.»^۲

«يَكُونُ خَرَابُ كِنَائِسِ الْيَهُودِ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ؛

کنیسه‌های یهود در شهرهای مشرکان ویران می‌شود.»^۳
امروزه می‌بینیم در آلمان و آمریکا و برخی دیگر از کشورهای غربی این مسئله تحقق یافته است. و در تمام کشورهای که یهودیان وابسته به صهیونیسم جهانی توطئه

۱. سلیمان، کامل، روزگار رهای، ج ۲، ص ۸۰۳.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

۳. بشارة الاسلام، ص ۱۳۲.

آخر الزمان در آینه روایات

می کنند و آتش جنگ جهانی سوم را برمی افروزند، خشم ملت های دیگر برافروخته می شود و کنیسه ها و دیگر اماکن وابسته به آنها در شعله های آن می سوزد و نابود می شود.

* * *

حضرت امیرمؤمنان (ع) آنگاه در مورد نشانه های نزدیک به عصر ظهور می فرمایند:

«هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ! يَخْرُجُ إِذَا خَرَجْتُمْ عَنْ دِينِكُمْ، كَمَا تَخْرُجُ الْمَرْأَةُ عَنْ وَرَكْنِهَا لِبُعْلِهَا؛

هیئات، هیئات، او هنگامی ظاهر می شود که شما از دین خود خارج شوید آن سان که زن در برابر شوهرش از خود بیخود می شود.»^۱

* * *

«إِذَا دَرَجَ الدَّارِجُونَ، وَ قَلَّ الْمُؤْمِنُونَ، وَ ذَهَبَ الْمُجْلِبُونَ؛
چون مُدْپَرستیان به سوی مَدّها گرایش پیدا کنند، باورداران در اقلیت باشند و هشداردهندگان از بین بروند.»

بسیار جالب است که امیرمؤمنان (ع) در چهارده قرن قبل کلمه «دارج» را به کار برده که امروزه در مورد «مدّ» و «مدْپَرستی» به کار می رود و تمام شئون زندگی ما را مدّ و مدْپَرستی شکل می دهد که گویی امیرمؤمنان (ع) با دیدگان

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۱۸.

نافذ خود امروز را دیده و بر اساس آن سخن گفته است.

* * *

«... وَضِيعَتِ الصَّلَوَاتُ، وَغُوصِرَتِ السَّمَاوَاتُ، فَحِينَئِذٍ تَكُونُ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ، وَالشَّهْرُ كَالْأُسْبُوعِ، وَالْأُسْبُوعُ كَالْيَوْمِ، وَالْيَوْمُ كَالسَّاعَةِ؛

هنگامی که نمازها تباه شود و آسمان‌ها فشرده شوند، در آن زمان، سال چون ماه، و ماه چون هفته، و هفته چون روز، و روز چون ساعت می‌شود.»^۱

* * *

آری آسمان‌ها فشرده و نزدیک شده و در دسترس انسان‌ها قرار گرفته، و ما شاهد پیشرفت دانش فضایی و مسافرت‌های فضایی هستیم. به سوی کرات منظومه مسافرت آغاز شده و با آسمان‌ها مربوط و معاصر شده‌ایم

با وسایل مدرن امروز در هر کاری سرعت حاصل شده، مسیر یک ساله در یک ماه طی می‌شود، و کارهایی که یک سال وقت لازم داشت احیاناً در کمتر از یک ساعت انجام می‌پذیرد و گاهی کار ده‌ها سال در چند دقیقه (با مغزهای الکترونیکی) انجام می‌یابد. دیگر وقت برای مردم مشکلی ایجاد نمی‌کند،

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۴.

آخر الزمان در آینه روایات

چقدر لطیف است گفتار امیرمؤمنان (ع) که سرچشمه علوم و باب مدینه علم رسول (ص) است و هر چه گفته است به مبدأ وحی مربوط می شود.

آنگاه امیرمؤمنان (ع) وضع دین را در یک کلمه خلاصه کرده، می فرمایند:

«لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدٌ «اللَّهُ» إِلَّا مُسْتَخْفِيًا. ثُمَّ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ صَالِحِينَ يَمْلَأُونَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا؛
زمین پر از جور و ستم می شود، تا جایی که کسی نتواند نام خدا را به زبان جاری کند مگر در پنهانی!، آنگاه خداوند قوم صالح و شایسته ای را می آورد که زمین را پر از عدل و داد نمایند.»^۱

امام باقر (ع) همه ویژگی های عصر ما را در این چند جمله خلاصه کرده، با عباراتی کوتاه مطالب فراوانی را پیش بینی نموده، در حدیثی می فرمایند:

«يَتَغَيَّرُ أَهْلُ الزَّمانِ حَتَّى يُعِيدُوا الْأَوْثانَ، وَ يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُونَ، وَ تُوَلَدَ الشُّكُوكُ فِي الْقُلُوبِ، وَ تُخْلَعُ رِبْقَةُ الدِّينِ مِنَ الْأَعْنَاقِ؛
اهل زمانه دگرگون می شوند، بت پرستی یکبار دیگر رواج پیدا می کند، مؤمنان به سختی گرفتار می شوند، دل ها را

۱. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۱.

شک و تردید فرا می گیرد، رشته دین از گردن آنها خارج می شود و پیوند آنها با دین قطع می گردد.»^۱

* * *

«يَقِلُّ الْوَرَعُ، وَ يَكْثُرُ الطَّمَعُ، وَ يُرَى الْمُؤْمِنُ صَامِتًا لَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ، وَ الْكَاذِبُ يَكْذِبُ وَ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ، وَ الْفَاسِقُ يُمْتَدِّحُ بِالْفِسْقِ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ قَوْلُهُ؛

تقوا کم می شود، حرص و آز بسیار می شود، مؤمن ساکت دیده می شود زیرا از او پذیرفته نمی شود، دروغگو دروغ پردازی می کند و کسی به او اعتراض نمی کند و سخنش را رد نمی کند، فاسق و فاجر را با کارهای ناشایست و نامشروع ستایش می کنند و کسی رد نمی کند.»^۲

* * *

امام جعفر صادق (ع) نیز در چندین روایت تکان دهنده در توصیف ویژگی های آخرالزمان درباره اوضاع دین و قرآن می فرمایند:

«وَرَأَيْتَ أَصْحَابَ الْأَدْيَانِ يُخْتَقَرُونَ، وَ يُخْتَقَرُ مَنْ يُحِبُّهُمْ؛
و می بینی که پیروان ادیان تحقیر می شوند و هر کس

۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۸۰۷.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

آخر الزمان در آینه روایات

آدم دین داری را دوست داشته باشد به همین جرم مورد تحقیر قرار می گیرد.^۱

* * *

امام ششم حضرت جعفر صادق (ع) درباره حج آخر الزمان می فرمایند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْمَعَارِضُ فِي الْحَرَمَيْنِ وَ عُمِلَ فِيهِمَا بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ، لَا يَمْنَعُ مِنْ ذَلِكَ مَانِعٌ وَ لَا يَحُولُ دُونَهُ ذَلِكَ الْعَمَلُ الْقَبِيحُ؛ هنگامی که آلات لهو در حرمین شریفین ظاهر شود، و آنچه خدا دوست ندارد در آنها رایج گردد و کسی جلوگیری نکند و هیچ مانعی بر سر راه کارهای ناشایست در آن مکان مقدس نباشد.»^۲

با کمال تأسف صدای ساز و آواز از رادیو و تلویزیون عربستان در مکه و مدینه به گوش می رسد، حاجی و بومی گوش می دهد و کسی نکوهش نمی کند!

* * *

«وَ رَأَيْتَ الْحُدُودَ قَدْ عَطِلَتْ، وَ عُمِلَ فِيهَا بِالْأَهْوَاءِ؛ و می بینی که حدود الهی تعطیل شده و در مورد حدود

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۳۲.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۴.

به هوای نفس رفتار می شود.^۱

«... وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ مَخْزُونًا مُخْتَقِرًا ذَلِيلًا وَ رَأَيْتَ الْبِدْعَ وَ الزَّانَا قَدْ ظَهَرَ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَقْتَدُونَ بِشَاهِدِ الزُّورِ، وَ رَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ، وَ رَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحَرَّمُ وَ رَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ، وَ عُطِّلَ الْكِتَابُ وَ أَحْكَامُهُ، وَ رَأَيْتَ اللَّيْلَ لَا يُسْتَحْيَى بِهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ، وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكِرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ، وَ رَأَيْتَ الْعَظِيمَ مِنَ الْمَالِ يُنْفَقُ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ رَأَيْتَ الْوُلَاةَ يُقَرَّبُونَ أَهْلَ الْكُفْرِ وَ يُبَاعِدُونَ أَهْلَ الْخَيْرِ، وَ رَأَيْتَ الْوُلَاةَ يَرْتَشُونَ فِي الْحُكْمِ وَ رَأَيْتَ الْوُلَاةَ يَرْتَشُونَ فِي الْحُكْمِ، وَ رَأَيْتَ الْوِلَايَةَ قِبَالَ لِمَنْ زَادَ؛

و می بینی که مؤمن خوار و زبون و اندوهگین است، بدعت‌ها ظاهر شده، عمل نامشروع رواج یافته، مردم به دنبال باطل راه افتاده، به سخن زور و گواهی باطل می‌گروند، حرام را ببینی که حلال گشته، دین را ببینی که با رأی تأویل می‌شود، قرآن و تعلیمات عالی آن تعطیل شده، در تاریکی شب به حریم محرمات الهی تجاوز می‌کنند و از خدا شرم نمی‌کنند، مؤمن گناه را می‌بیند و قدرت انکار ندارد. جز با قلبش، و می‌بینی که ثروت

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

آخرالزمان در آینه روایات

کلانی در راه حرام و جلب خشم حضرت پروردگار
صرف می‌شود، و می‌بینی که زمامداران اهل کفر را به
خود نزدیک ساخته، اهل خیر را از خود دور می‌سازند،
داوران را می‌بینی که برای داوری رشوه می‌گیرند و
هر کس بیشتر دهد او برنده می‌شود و او حق معرفی
می‌شود.»^۱

«وَرَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ مُخْتَشِیَةً بِمَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ، يَجْتَمِعُونَ
فِيهَا لِلْغَيْبَةِ وَ أَكَلِ لُحُومِ أَهْلِ الْحَقِّ، وَ يَتَوَاصَفُونَ فِيهَا الشَّرَابِ
الْمُسْكِرِ؛

مساجد را می‌بینی که از کسانی پر شده که از خدا
نمی‌هراسند، در مساجد برای غیبت کردن، و خوردن
گوشت اهل حق گرد می‌آیند، در مساجد از وصف
مشروبات و مسکرات با یکدیگر سخن می‌گویند.»^۲

«أَوَّلُ مَا تَفْقِدُونَ مِنْ دِينِكُمُ الْخُشُوعُ! يَمُوتُ قَلْبُ الْمَرْءِ كَمَا
يَمُوتُ بَدَنُهُ؛

نخستین چیزی که از دین خود از دست می‌دهید خضوع

۱. بشاره الاسلام، ص ۱۳۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.

و خشوع است، دل مرد را قساوت می گیرد و همانند
بدنش می میرد.»^۱

* * *

«إِذَا عَلَتْ أَصْوَاتُ الْفُسَّاقِ وَ اسْتَمِعَ مِنْهُمْ؛
هنگامی که صدای فاسقان بلند شود و از آنها پذیرفته
گردد.»^۲

* * *

«... رَأَيْتَ رِيَّاحَ الْمُنَافِقِينَ وَ أَهْلَ النِّفَاقِ رَائِحَةً وَ رِيَّاحَ أَهْلِ
الْحَقِّ لَا تَحَرَّكُ؛
می بینی که پرچم منافقان در اهتزاز است و پرچم اهل
حق حرکتی ندارد.»^۳

* * *

«يَصِيرُ الْأَذَانُ بِالْأُجْرَةِ وَ الصَّلَاةُ بِالْأُجْرَةِ؛
اذان با اجرت گفته می شود، نماز (جماعت) با اجرت
خوانده می شود.»^۴

* * *

«و الْمَنَابِرُ يُؤَمَّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى، وَ لَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ؛

۱. مخلاة شيخ بهایی، ص ۳۱؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۶۴.

۲. الامام المهدي، ص ۲۱۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.

۴. منتخب الاثر، ص ۴۳۱.

آخر الزمان در آینه روایات

بر فراز منابر به تقوا و پرهیزکاری امر می کنند و گوینده
به آنچه امر می کند عمل نمی کند.»^۱

* * *

«إِذَا كَثُرَتِ الْغَوَايَةُ، وَقَلَّتِ الْهِدَايَةُ؛
هنگامی که ضلالت و گمراهی فراوان شود و هدایت
کمیاب گردد.»^۲

* * *

«وَرَأَيْتَ طَلَبَ الْحَجِّ وَالْجِهَادِ لِغَيْرِ اللَّهِ، وَالْمُصَلِّيَ يُصَلِّي لِرَأْيِ
النَّاسِ؛

و می بینی که حج و جهاد را برای غیر خدا انجام می دهند
و نماز را برای ریا و تظاهر می خوانند.»^۳

* * *

«يَزِيدُ أَكْثَرُهُمْ، وَيَخْلَعُونَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ؛
بیشتر مردمان از دین مرتد می شوند و رشته اسلام را از
گردن خود در می آورند.»^۴

* * *

ارتداد نسل امروز با چیزی جز شمشیر حضرت بقیة الله (ع)

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۰.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۴۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۸.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲.

چهل حدیث

درمان‌پذیر نیست.

* * *

حضرت ولی عصر (عج) در مورد نشانه‌های ظهور خطاب

به «ابراهیم بن مهزیار» فرمودند:

«إِذَا حِيلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ سَبِيلِ الْكَعْبَةِ؛

هنگامی که میان شما و راه کعبه مانع شوند.»

* * *

حضرت بقیة الله (عج) می‌فرمایند:

«إِذَا حِيلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الْكَعْبَةِ بِأَقْوَامٍ لَا خَلَقَ لَهُمْ، وَ اللَّهُ وَ

رَسُولُهُ مِنْهُمْ بُرَاءُ؛

هنگامی که میان شما و کعبه توسط افرادی که هیچ ارزش

و شخصیتی ندارند سدّ ایجاد شود و خداوند از آنها بیزار

است و پیامبرش نیز از آنها بیزار است.»^۱

* * *

در برخی از کشورها این شرایط حاصل شده‌اند و ممکن

است در کشورهای دیگری نیز در آینده تحقق پیدا کنند.

در انجیل نیز می‌خوانیم:

«زَنهار کسی به هیچ وجه شما را نفریبد، زیرا که تا

آن ارتداد اوّل واقع نشود و آن مرد شریر یعنی فرزند

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۷۲.

آخرالزمان در آینه روایات

هلاکت ظاهر نگردد، آن روز نخواهد آمد که او مخالفت می‌کند و خود را بلندتر می‌سازد از هر چه به خدا یا به معبود مسمی شود، به حدی که مثل خدا در هیکل خدا نشسته خود را می‌نماید که خداست... آنگاه آن بی‌دین ظاهر خواهد شد که عیسی خداوند او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت. که ظهور او به عمل شیطانست با هر نوع قوت و آیات و عجایب دروغ و به هر قسم فریب ناراستی برای هالکان از آنجا که محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند و بدین جهت خدا به ایشان عمل گمراهی می‌فرستد تا دروغ را باور کنند.^۱

نزول حضرت عیسی (ع) از آسمان در محضر حضرت بقیةالله (عج) از نظر ما قطعی است و در روایات اسلامی آمده است که کشته شدن «دجال» به دست حضرت عیسی (ع) خواهد بود.

۱. رساله دوم پولس به تسالونیکان، باب دوم، بندهای ۳ - ۱۱.

فصل چهارم

سیمای دانشمندان و زمامداران در آخرالزمان

از پیشگاه رسول اکرم (ص) پرسیدند: بدترین مردم
کیانند؟ فرمودند:

«الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا؛

علما هستند که فاسد شوند.»^۱

اخبار غیبی رسیده از پیشگاه مقدّس حضرت رسالت پناه
و فرزندان عالی‌مقدار آن حضرت، از سنخ پیش‌گویی‌های
منجّمان، کاهنان، فال‌بین‌ها و کف‌بین‌ها نیست، بلکه مستند
به وحی الهی و پیک امین است، خبر دادن آنها از این
رویدادها برای مصالح اسلامی است که اولاً با تحقیق یافتن
هر یک از این رویدادها دلایل حقایق آیین مقدّس اسلام
تداوم می‌یابد، ثانیاً امت اسلامی می‌تواند از این زنگ

۱. تحف العقول، ص ۳۱.

چهل حدیث

خطرها حذاکثر استفاده را نموده، خود را به موقع از ورطهٔ هلاکت دور نگه دارد. از این رهگذر همهٔ این خبرهای غیبی در روند هدایت مردم و به دلایل تربیتی و ارشادی بیان شده است، و در پاسخ پرسش افراد حسّاس و کنجکاو بیان شده‌اند.

تلاش دائم آن بزرگواران در زمینهٔ تحکیم مبانی عقیدتی و تعلیم احکام دینی و تهذیب و تقویت جهات اخلاقی مردم و گفت‌وگوی خبرهای غیبی به دلیل ارتباط آنها با انجام رسالت تربیتی و ایفای نقش رهبری بوده است.

ما که بیش از هزار سال از عصر آنها فاصله داریم، با تحقیق هر یک از خبرهای غیبی آنها، بیش از پیش ایمان و اعتقادمان به آنها راسختر می‌شود و به یقین درمی‌یابیم که آنها از مبدأ وحی سخن گفته‌اند و هرگز کلمه‌ای از جانب خود نفرموده‌اند. تمام مطالبی که از عصر ما بیان کرده‌اند، آن‌چنان با زمان ما منطبق است که گویی سالیان درازی در میان ما زندگی کرده‌اند و همهٔ مسائل امروز ما را تجربه نموده‌اند.

رسول گرامی اسلام (ص) سخنان گرانبهای خود را برای عموم بیان می‌کنند و همهٔ اعصار و قرون را در نظر می‌گیرند و سخنان پُرارجشان را با تمام اقطار و اکناف زمین

آخرالزمان در آینه روایات

منطبق می‌سازند. از این رهگذر آنچه در مورد دانشمندان و زمامداران بیان فرموده، سخن حق و مسلمی است که هیچ جای جدل و مناقشه ندارد و همه می‌دانند که اصلاح مردم با اصلاح دانشمندان و زمامداران ارتباط مستقیم دارد، زیرا امور مذهبی مردم با دانشمندان ارتباط دارد و زمام امور مادی مردم به دست زمامداران است، اگر این دو گروه اصلاح شوند امور دین و دنیا اصلاح خواهد شد و اگر این دو طبقه فاسد شوند، امور دین و دنیا به تباهی کشیده خواهد شد؛ و این چنین خداوند پیامبرش را آگاه نموده و ما امروزه آن را با چشم خود می‌بینیم. رسول گرامی اسلام (ص) در فرصت‌های مختلف، امت اسلامی را از خطر فساد و تباهی این دو گروه بیم داده و آگاه نموده است تا در دام مفسدان آنها نیفتاده، در وادی سقوط و هلاکت گام نگذارند. در اینجا به چند نمونه از سخنان پُر ارج رسول گرامی اسلام (ص) در این باره می‌پردازیم:

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

«صِنْفَانِ مِنَ النَّاسِ إِذَا صَلَحَا صَلَحَ النَّاسُ، وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَ النَّاسُ: الْعُلَمَاءُ، وَالْأُمَرَاءُ؛

دو صف از امت من هستند که اگر آنها اصلاح شوند مردمان اصلاح می‌شوند، و اگر آنها فاسد باشند مردمان

فاسد می شوند: آنها دانشمندان و زمامداران هستند.»^۱

* * *

«شِرَارُ الْعُلَمَاءِ الدِّينَ يَأْتُونَ الْأُمَرَاءَ، وَ خِيَارُ الْأُمَرَاءِ الدِّينَ يَأْتُونَ الْعُلَمَاءَ؛

بدترین علما آنهايند که پيشانی به آستان پادشاهان بسايند،
و بهترين زمامداران آنهايند که به سوی علما بشتابند.»^۲

* * *

«أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أَيْمَةَ مُضِلِّينَ؛

من برای امت خود از رهبران گمراه بیمناکم.»^۳

در اینجا کلمه «رهبران» شامل رهبران مذهبی (علماء)
و رهبران دنیوی (زمامداران) است. امروز در جهان اسلام
- غیر از ایران اسلامی - شاهد رهبران گمراه و خود
فروخته‌ای هستیم که در کسوت عالم یا در کسوت زمامدار
به دین و قرآن و مردم خود خیانت می‌کنند.

* * *

«يُنْزِلُ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءً شَدِيدًا مِنْ سُلْطَانِهِمْ لَمْ يُسْمَعْ
بِبَلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ الرَّخْبَةَ، وَ حَتَّى لَا

۱. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۳۹۳.

۲. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۱۴۴.

۳. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۴۷۲.

آخر الزمان در آینه روایات

يَجِدَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ مَلَجًا يَلْتَجِيءُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلُمِ! فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِثْرَتِي؛

در آخر الزمان بلای سختی از ناحیه زمامداران به امت من وارد می شود، این بلا به قدری سخت می شود که نظیر آن هرگز شنیده نشده است، و زمین را با این وسعت و گستردگی در نظر آنها تنگ می نماید، کسی از آنها پناهگاهی پیدا نمی کند که از ستم زمامداران به آنجا پناه ببرد، در چنین زمانی خداوند مردی را از عثرت من برمی انگیزد...»^۱

این روایت بشارت است، زیرا این بلاها را نشانه نزدیک شدن فرج معرفی می کند، روایات دیگری نیز، این معنی را تأیید می کند.

«إِذَا قُلَّ عُلَمَاؤُكُمْ، وَ ذَهَبَ قُرَاؤُكُمْ، وَ قَطَعْتُمْ زَكَاتَكُمْ، وَ أَظْهَرْتُمْ مُنْكَرَاتَكُمْ وَ عَلَتْ أَضْوَاتُكُمْ فِي مَسَاجِدِكُمْ، وَ جَعَلْتُمُ الدُّنْيَا فَوْقَ رُؤُسِكُمْ وَ الْعِلْمَ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ، وَ الْكِذْبَ حَدِيثَكُمْ وَ الْغِيْبَةَ فَكَيْهَتَكُمْ، وَ الْحَرَامَ غَنِيْمَتَكُمْ، وَ لَا يَرْحَمُ كَبِيرُكُمْ صَغِيرَكُمْ، وَ لَا يُوقِّرُ صَغِيرُكُمْ كَبِيرُكُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَنْزِلُ اللَّغْنَةُ عَلَيْكُمْ وَ يُجْعَلُ بَأْسُكُمْ بَيْنَكُمْ؛

۱. بشارة الاسلام، صص ۲۸، ۳۱.

هنگامی که دانشمندان شما کم شوند، قاریان شما از بین بروند، شما از دادن زکات ابا کنید، گناهان را علنی انجام دهید، صداهای شما در مساجد بلند شود، دنیا را بالای سرتان قرار دهید، دانش را زیر پای خود بیفکنید، گفتارتان دروغ باشد، شیرینی مجالستان غیبت باشد، درآمدتان از طریق حرام به دست آید، بزرگترها به کوچکترها ترحم نکنند، کوچکترها نیز احترام بزرگان را رعایت نکنند، در چنین زمانی لعنت بر شما نازل می‌شود، ترس در میان شما انداخته می‌شود و نیروی شما بر ضد یکدیگر به کار گرفته می‌شود.^۱

در قرآن کریم آمده است:

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يُلْقَوْنَ غَيًّا»

بعد از آنها مردمی به جای آنها نشستند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی با آتش هلاکت روبه‌رو شوند.^۲

«إِذَا تَقَارَبَ الزَّمَانُ انْتَقَى الْمَوْتُ خِيَارَ أُمَّتِي كَمَا يَنْتَقِي أَحَدُكُمْ

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۰

۲. سورة مريم (۱۹)، آیه ۵۹.

آخرالزمان در آینه روایات

خِيَارَ الرُّطْبِ مِنَ الطَّيِّبِ؛

هنگامی که فرج نزدیک باشد، مرگ بهترین امت را برمی‌گزینند، آن سان که شما خرماهای رطب را از یک طبق خرما برمی‌گزینید.^۱

* * *

«إِذَا كَانَتْ أُمْرَاؤُكُمْ شِرَارَكُمْ، وَ أَغْنِيَاؤُكُمْ بُخْلَاءَكُمْ، وَ أُمُورُكُمْ إِلَى نِسَائِكُمْ، فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ مِنْ ظَهْرِهَا؛

هنگامی که زمامداران شما بدترین شما باشد، ثروتمندان شما بخیلان شما باشد، و کارهای شما به دست زنان شما باشد، در چنین زمانی زیر زمین بهتر از روی آن است.^۲ اشاره به حوادث تلخ و ناگواری است که انسان در چنین زمانی مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهد و اگر به اختیار خویش باشد قبر را بر قصرهای سر به فلک کشیده برمی‌گزیند.

«يُضْبِحُ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرَذَلَهُمْ؛

پست‌ترین مردمان، رهبر آنان می‌گردد.^۳

* * *

۱. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۳۶.

۲. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۴۵.

۳. الامام المهدي، ص ۲۱۹.

پیامبر اکرم (ص) چون یک جامعه‌شناس موشکاف،
حوادث و علل حوادث ده‌ها قرن دیگر را با قاطعیت بیان
می‌فرمایند.

«إِذَا أَسْنَدَ الْأَمْرُ غَيْرَ أَهْلِهِ فَانْتَظِرُوا السَّاعَةَ!»

هنگامی که کارها به غیر اهلش سپرده شود منتظر فرج
باشید.^۱

«إِنَّ اللَّهَ إِذَا غَضِبَ عَلَى أُمَّةٍ لَمْ يَنْزِلْ بِهَا عَذَابَ خَسْفٍ وَلَا مَسْخٍ،
غَلَّتْ أَسْعَارُهَا، وَتُحْبَسُ عَنْهَا أَمْطَارُهَا، وَيَلِي عَلَيْهَا شِرَارُهَا!»
هنگامی که خداوند بر قومی غضب کند آنها را به
عذاب‌هایی چون خسف و مسخ دچار نمی‌کند بلکه
قیمت‌ها بالا می‌رود، باران حبس می‌شود و بدترین مردم
بر آنها حکومت می‌کند.^۲

«إِنِّي أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي أَعْمَالًا ثَلَاثَةً: زَلَّةَ عَالِمٍ، وَحُكْمَ
جَائِرٍ، وَهَوًى مُتَّبِعًا!»

برای امتم بعد از خود در مورد سه چیز بیمناکم: ۱. لغزش

۱. الزام الناصب، ص ۱۷۸.

۲. نهج الفصاحة، ج ۱، ص ۱۳۵.

آخرالزمان در آینه روایات

عالم، ۲. ستم زمامدار، ۳. پیروی از هوای نفس.^۱

* * *

«سَتَكُونُ عَلَيْكُمْ أُمَّةٌ يَمْلِكُونَ عَلَيْكُمْ أَرْزَاقَكُمْ، يُحَدِّثُونَكُمْ فَيَكْذِبُونَكُمْ، لَا يَرْضَوْنَ مِنْكُمْ حَتَّى تُحَسِّنُوا قَبِيحَهُمْ، وَتُصَدِّقُوا كَذِبَهُمْ؛

رهبرانی بر شما مسلط می‌شوند که روزی‌های شما را به دست می‌گیرند، چون با شما سخن بگویند دروغ می‌گویند، از شما راضی نمی‌شوند مگر هنگامی که کارهای ناشایست آنها را تحسین کنید و دروغ‌های آنان را تصدیق نمایید.»^۲

* * *

«سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ يَكْثُرُ الْفُقَرَاءُ، وَيَقِلُّ الْعُلَمَاءُ، وَ يُقْبَضُ الْعِلْمُ وَ يَكْثُرُ الْهَرْجُ، ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ زَمَانٌ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ رِجَالٌ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيَهُمْ؛

برای امت من زمانی پیش می‌آید که در آن فقیر زیاد می‌شود، دانشمندان کم می‌شود، علم از میان مردم برداشته می‌شود، هرج و مرج فراگیر می‌گردد، سپس زمانی پیش می‌آید که قاریان قرآن را می‌خوانند ولی از حلقوم آنها

۱. نهج الفصاحة، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۸.

چهل حدیث

تجارت نمی‌کند.^۱

چنان‌که ما امروز قرآن می‌خوانیم ولی دقت و تأمل نمی‌کنیم، چون به آیات رحمت می‌رسیم بارقه امید در دیدگان ما نمی‌درخشد، و هنگامی که به آیات عذاب می‌رسیم، ضربان قلب ما افزایش نمی‌یابد و آثار خوف در سیمانی ما ظاهر نمی‌شود.

«إِذَا انْضَحَّ الْمُسْلِمُونَ عُلَمَاءَهُمْ، وَأَظْهَرُوا عِمَارَةَ أَسْوَاقِهِمْ وَتَنَاجَرُوا عَلَى جَمْعِ الدَّرَاهِمِ، رَمَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالْقَحْطِ مِنَ الزَّمَانِ، وَجَوْرِ السُّلْطَانِ، وَالْخِيَانَةِ مِنْ وُلاَةِ الْحُكَّامِ، وَالطَّوْلَةِ مِنَ الْعَدُوِّ؛

هنگامی که مسلمانان با علمای خود از سر ستیز درآیند، بازارهای خود را آباد جلوه دهند و برای گردآوری ثمرات ازدواج کنند، خداوند آنها را به چهار بلا دچار می‌نماید:

۱. قحطی زمان؛

۲. مانع سلطان؛

۳. خیانت فرمانروایان؛

۱. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۸.

۴. ترس و وحشت از دشمنان.^۱

* * *

«سَيَكُونُ بَعْدِي أُمَّةٌ يُعْطُونَ الْحِكْمَةَ عَلَى مَنَابِرِهِمْ، فَإِذَا نَزَلُوا نَزَعَتْ عَنْهُمْ! وَأَجْسَادُهُمْ شَرٌّ مِنَ الْجِيفِ؛

بعد از من پیشوایانی پدید می آیند که چون بر فراز منبر قرار بگیرند سخنان حکمت آمیز می گویند، چون از منبر پایین آمدند نور حکمت و ایمان از آنها گرفته می شود، چنین دانشمندانی از مردار پلیدتر هستند.»^۲

* * *

«يَتَفَقَّهُ أَقْوَامٌ لِغَيْرِ اللَّهِ، وَ طَلَبًا لِلدُّنْيَا وَ الرَّئَاسَةِ. وَ يُوجِّهُ الْقُرْآنُ عَلَى الْأَهْوَاءِ. وَ يَصِيرُ الدِّينُ بِالرَّأْيِ؛

اقوامی برای غیر خدا درس فقه می خوانند، صرفاً برای مقام و ریاست به فقاہت می گرایند، قرآن را طبق خواسته های خود توجیه می کنند، و آیین خدا را با آراء خود تفسیر و تحلیل می کنند.»^۳

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي فِرْعَوْنٌ، فَتَصِيرُ النَّاسُ إِلَى عُلَمَائِهِمْ فَإِذَا هُمْ قِرْدَةٌ وَ خَنَازِيرٌ، قَدْ غَوِقُوا بِنَظِيرِ مَا فَعَلُوا مِنْ تَغْيِيرِ الْحَقِّ عَنْ جِهَتِهِ، وَ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۲.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۳۲.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

تَخْرِيفِ الْكَلَامِ عَنْ مَوَاضِعِهِ!!! مَسَخَ اللَّهُ صُورَهُمْ وَ غَيَّرَ خَلْقَتَهُمْ
كَمَا بَدَّلُوا الْحَقَّ بَاطِلًا؛

در میان امت من وحشت و اضطرابی پیش می آید که
مردم به علمای خود مراجعه می کنند و آنها را به صورت
بوزینگان و خوک ها درمی یابند، و این اثر وضعی اعمال
آنهاست که حق را از مسیر خود منحرف کرده، سخن
را از محل خود تغییر داده اند، خداوند نیز به عنوان کیفر
کردارشان صورت های آنها را مسخ کرده، آفرینش آنان
را تغییر می دهد، آن سان که آنها حق را تغییر داده به
صورت باطل درآورده اند.^۱

* * *

«عُلِمَاؤُهُمْ خَوْنَةٌ فَجَرَةٌ!». أَشْرَارُ خَلَقِ اللَّهِ هُمْ وَ أَتْبَاعُهُمْ وَ مَنْ
يَأْتِيهِمْ وَ يَأْخُذُ مِنْهُمْ وَ يُحِبُّهُمْ وَ يُجَالِسُهُمْ وَ يُشَاوِرُهُمْ!!! فَقَهَاؤُهُمْ
خَوْنَةٌ يَدْعُونَ أَنَّهُمْ عَلَى سُنَّتِي وَ مِنْهَا جِي وَ شَرَائِعِي... إِنَّهُمْ مِنِّي
بِرَاءً، وَ أَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ؛

علمای آنها خائن و فاسق هستند، آنها و پیروان آنها، و
آنان که به سوی آنها می آیند و از آنها کسب نور می کنند،
و آنان که آنها را دوست می دارند، با آنها می نشینند و
با آنها مشورت می کنند، بدترین مخلوقات روی زمین

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۷۶.

آخر الزمان در آینه روایات

هستند، فقهای آنها خائن هستند و ادعا می کنند که بر سنت و طریقه و آیین من هستند، ولی آنها از من بیزارند و من نیز از آنها بیزارم.^۱

«يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أُمَرَاءُ ظَلَمَةٌ، وَوُزَرَاءُ فَسَقَةٌ، وَعُرَفَاءُ ظَلَمَةٌ، وَأُمَنَاءُ خَوَنَةٌ؛

در آخر الزمان زمامدارانی ستم پیشه، وزیرانی فاسق، عارفانی ستمگر و امین هایی خیانتکار هستند.»^۲

«إِذَا صَارَ الْأُمَرَاءُ فَجَرَةً، وَالْوُزَرَاءُ كَذِبَةً، وَالْأُمَنَاءُ خَوَنَةً، وَالْأَعْوَانُ ظَلَمَةً، وَذُؤُورُ الرِّئَاسَةِ فَسَقَةً؛

هنگامی که زمامداران فاجر، وزیران کاذب، امینان خائن، یاران ظالم و سردمداران فاسق باشند.»^۳

«ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ زَمَانٌ، حَتَّى لَا يُرَى فِيهِ إِلَّا سُلْطَانٌ جَائِرٌ، أَوْ غَنِيٌّ بَخِيلٌ، أَوْ عَالِمٌ رَاغِبٌ فِي الْمَالِ، أَوْ فَقِيرٌ كَذَّابٌ، أَوْ شَنِيعٌ فَاجِرٌ، أَوْ صَبِيٌّ وَقَحٌّ، أَوْ امْرَأَةٌ رَغْنَاءُ!!!»

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۵.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۰.

آنگاه زمانی پیش می‌آید که در آن زمان جز پادشاه
ستمگر، ثروتمند بخیل، دانشمند جاه‌طلب، مستمند
دروغ‌پرداز، پیرمرد تبه‌کار، کودک بی‌شرم، و زن گستاخ
نباشد!!»^۱

«السَّاعَةُ تَكُونُ عِنْدَ خُبَيْثِ الْأُمَرَاءِ، وَ مُدَاهَنَةِ الْقُرَّاءِ، وَ نِفَاقِ
الْعُلَمَاءِ! وَ إِذَا صَدَّقَتْ أُمَّتِي بِالنُّجُومِ، وَ كَذَّبَتْ بِالْقَدَرِ. وَ ذَلِكَ
حِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَذِبَ ظُرْفًا، وَ الْأَمَانَةَ مَغْنَمًا، وَ الزَّكَاةَ مَغْرَمًا.
وَ الْفَاحِشَةَ إِبَاحَةً، وَ الْعِبَادَةَ تَكْبُرًا وَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ... وَ
حِينَئِذٍ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِتْنَةً غِبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ، فَيَتِيهُونَ فِيهَا كَمَا تَاهَتِ
الْيَهُودُ!»

و آن روز پُر شکوه، هنگامی است که زمامداران پلید
شوند، قاریان سازش کاری را پیشه کنند، دانشمندان به
نفاق بگرایند، اَمت سخنان منجمان را تصدیق و تقدیرات
الهی را تکذیب نمایند، و آن هنگامی است که دروغ را
مهارت، خیانت به امانت را غنیمت، زکات را جریمه
و فحشا را مباح پندارند و عبادت را از روی تکبر و
مَنّت بر مردمان انجام دهند، در چنین زمانی خداوند فتنه
جانکاهی را بر آنها چیره نماید که در میان آنها سرگردان

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۱.

آخرالزمان در آینه روایات

شوند، آن‌چنان که یهود در وادی تیه سرگردان شد.^۱

* * *

امروز جهان اسلام در سرگردانی و سردرگمی عجیبی به سر می‌برد و مجد و عظمت آنها در زیر پای دشمنان لگدمال شده است، و صدها میلیون عرب در دست دشمن صهیونیستی اسیر و سرگردان هستند.

آنگاه رسول اکرم (ص) در مورد علمای راستین که بر اعتقاد خود پا برجا باقی مانده، تابع رژیم‌های فاسد نشوند، می‌فرمایند:

«برای مردم زمانی پیش می‌آید که علما را همانند دزدان می‌کشند، ای کاش در آن زمان علما خود را به حماقت بزنند تا جان خود را از قتل، و آبروی خود را از تهمت، در امان نگهدارند. از خانه‌های خود خارج نشوند، خود را به سادگی بزنند و از رویدادها، اظهار بی‌اطلاعی کنند!!!»^۲

* * *

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنْزِعُ بَعْدَ أَنْ أَعْطَاكُمْوهُ انْتِزَاعاً وَ إِنَّمَا يَنْزِعُهُ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ، فَتَبْقَى نَاسٌ جُهَّالٌ، يُسْتَفْتُونَ بِرَأْيِهِمْ فَيَضِلُّونَ وَ

۱. المهدی، ص ۱۹۹.

۲. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۸۰.

يُضِلُّونَ؛

خداوند علم و دانشی که به شما داده از شما سلب نمی‌کند، بلکه از طریق رحلت علمای ربّانی این علم از میان شما رخت برمی‌بندد و گروهی نادان برای شما می‌ماند، از آنها فتوا می‌پرسید و آنها با رأی خود به شما فتوا می‌دهند، خود گمراه شده، شما را نیز گمراه می‌کنند.^۱

پس از رحلت دانشمندانی که شب و روز در راه تحقیق عمر خود را سپری می‌کنند، بر این امت چه خواهد گذشت؟! این همه میراث گرانبهایی که از علوم آل محمد (ص) برای ما گرد آورده‌اند و قفسه‌های کتابخانه‌های جهان را پُر کرده‌اند، به چه سرنوشتی دچار خواهد شد؟!

* * *

پس از ذکر نمونه‌هایی از روایات نقل شده از قول نبی اکرم (ص) به بررسی روایاتی می‌پردازیم که از قول امیرالمؤمنین (ع) نقل شده‌اند. پیشوای نخستین شیعه در مورد شکایت از دانشمندان می‌فرمایند:

«دو گروه کمرم را شکست: ۱. دانشمند گستاخ؛ ۲. نادان زاهد مآب». دانشمند گستاخ با رأی خود فتوا می‌دهد

۱. تحف العقول، ص ۲۳.

آخرالزمان در آینه روایات

و احکام دین را دگرگون می‌سازد و نادان زاهد مآب با شیوه غلط خود مردم را به گمراهی می‌کشد.

«و تَبْطُلُ الْأَحْكَامُ، وَ يَخْبِطُ الْإِسْلَامُ، وَ تَظْهَرُ دَوْلَةُ الْأَشْرَارِ، وَ يَحِلُّ الظُّلْمُ بِكُلِّ الْأَمْصَارِ؛

احکام دین تعطیل می‌شود، آیین اسلام حبط می‌گردد، دولت اشرار ظاهر می‌شود و کابوس ستم هر شهر و آبادی را فرا می‌گیرد.»^۱

امروز می‌بینیم که در گوشه گوشه جهان دولت‌های ناصالح تشکیل گردیده‌اند. ظلم و ستم حاکمان این کشورها مردم آنها را و خصوصاً مسلمانان را به ستوه آورده است. ای کاش مسلمانان از زنگ‌های خطری که به صدا درآمده‌اند عبرت بگیرند و تنها به فکر تأمین دنیای مادی خود نباشند.

«فَأُولَئِكَ يُدْعَوْنَ فِي مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ الْأَرْجَاسِ؛

آنها در ملکوت آسمان‌ها پلید نامیده می‌شوند.»^۲

«إِنَّهُ لَا يَزَالُ عَذَلُ اللَّهِ مَبْسُوطاً عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ، مَا لَمْ يَمِلْ

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۵.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۴.

قَرَأُوهُمْ إِلَىٰ أُمَرَائِهِمْ، وَ مَا لَمْ يَزَلْ أُبْرَارُهُمْ يَنْهَىٰ فُجَّارَهُمْ. فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا ثُمَّ اسْتَقَرُّوا فَقَالُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ اللَّهُ فِي عَرْشِهِ: كَذَبْتُمْ، لَسْتُمْ بِهَا صَادِقِينَ؛

عدالت خداوندی بر این امت تا موقعی گسترده است که قاریان امت به زمامداران گرایش پیدا نکنند و نیکان آنها تبہکارانشان را از گناه نهی کنند، هنگامی که قاریان به سلاطین بگروند و نیکان نهی از منکر نکنند و آنگاه بنشینند و بگویند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، خداوند در عرش خود می‌فرماید: دروغ می‌گویید و در این گفته خود راستگو نیستید.^۱

«إِذَا قَلَّ الْفُقَهَاءُ الْهَادُونَ، وَ كَثُرَ فَقَهَاءُ الضَّلَالَةِ وَ الْخَوَنَةِ، وَ إِذَا كَثُرَ الشُّعْرَاءُ؛

هنگامی که فقهای هدایت‌گر کم شوند و فقیهان گمراه و خیانت‌پیشه فراوان باشند و شاعران بسیار شوند».^۲

«وَ فَقَهَاؤُهُمْ يُفْتُونَ بِمَا يَشْتَهُونَ، وَ قَضَائُهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَ أَكْثَرُهُمْ بِالزُّورِ يَشْهَدُونَ!». مَنْ كَانَ عِنْدَهُ دَرَاهِمُ كَانَ مُوقَّراً

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۳۱.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۲۵.

مَرْفُوعاً، وَإِنْ كَانَ مُقِلًّا فَهُوَ عِنْدَهُمْ مَوْضُوعٌ؛

فقیهان آن زمان طبق هوای نفس خود فتوا می دهند، قاضی های آنها آنچه را که نمی دانند می گویند، و بیستر آنها به دروغ گواهی می دهند. کسی که چند درهم پول داشته باشد در نزد آنها عزیز و محترم است و کسی که بی پول باشد در نزد آنها خوار و زبون است.^۱

«إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَنْتَقِمُ مِنْ أَهْلِ الْفِتْوَى بِمَا لَا يَعْلَمُونَ. فَتَنًا لَهُمْ وَلَا تَبَاعِهِمْ! أَوْ كَانَ الدِّينُ نَاقِصًا فَتَمَمُوهُ أَمْ كَانَ بِهِ عَوَجٌ فَاسْوِوهُ، أَمْ هَمَّ النَّاسُ بِالْخِلَافِ فَأُطَاعُوهُ، أَمْ أَمَرَهُمْ بِالصَّوَابِ فَعَصَوْهُ، أَمْ هَمَّ الْمُخْتَارُ فِيمَا أُوحِيَ إِلَيْهِ فَذَكِّرُوهُ، أَمْ الدِّينُ لَمْ يَكُنْ عَلَى عَهْدِهِ فَكَمِّلُوهُ، أَمْ جَاءَ نَبِيٌّ بَعْدَهُ فَاتَّبِعُوهُ؛

هنگامی که قائم ما ظاهر شود، از کسانی که بدون علم فتوا داده اند انتقام می گیرد. وای بر آنها و پیروان آنها! آیا دین خدا ناقص بود که آنها تکمیل کردند؟! یا دین خدا به انحراف بود که آنها درست کردند؟! آیا مردم به انحراف داشتند که از او پیروی کردند؟! یا او مردم را به راستی و درستی امر کرده و مردم مخالفت ورزیدند؟! آیا رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آنچه به او وحی

۱. بشارة الاسلام، ص ۷۷.

شده چیزی را فروگذار کرده که به او یادآوری کرده‌اند؟! یا دین در عهد او کامل نبود و این‌ها تکمیل کردند؟! آیا پیامبری بعد از رسول اکرم (ص) آمده که از او پیروی کردند؟!»^۱

* * *

«إِذَا وَقَعَ الْمَوْتُ فِي الْفُقَهَاءِ، وَوَضَعَتْ أُمَّةٌ مُحَمَّدَ الصَّلَاةِ؛
و آن هنگامی است که مرگ، فقهای راستین را یکی پس از دیگری برباید و امت محمد (ص) نماز را ترک گویند.»^۲

امروز نسل جوان در مورد نماز مسامحه فراوانی نشان می‌دهد و شانه از زیر بار مسئولیت خالی می‌کند، در حالی که نماز ستون دین است، اگر پذیرفته نشود دیگر عبادت‌ها نیز مردود می‌شود. این عبادت پُر ارج اسلامی در عصر ما کم ارج و از فروغش کاسته شده و نشانه ارتجاع و ساده‌اندیشی و کوتاه‌نظری به شمار می‌آید.

* * *

علم فقه نیز به تدریج رخت برمی‌بندد و جای فقیهان در گذشته خالی می‌ماند. چنان‌که امیرمؤمنان (ع) و پیشوای

۱. الزام الناصب، ص ۱۰۸.

۲. الامام المهدی، ص ۲۱۹.

آخر الزمان در آینه روایات

پرهیزکاران حضرت علی (ع) در این رابطه می‌فرمایند:
«يَكُونُ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ، وَظَهَرَ الْجَهْلُ، وَكَثُرَ الْقُرَاءُ، وَقَلَّ
الْعُلَمَاءُ؛»

او [مهدی] هنگامی ظاهر می‌شود که علم رخت بربندد،
نادانی ظاهر شود، قاریان فراوان و دانایان اندک
باشند.^۱

«يَتَفَقَّهُ النَّاسُ لِغَيْرِ الدِّينِ، وَيَتَعَلَّمُونَ لِغَيْرِ الْعَمَلِ، وَيَطْلُبُونَ الدُّنْيَا
بِعَمَلِ الْآخِرَةِ؛»

مردم فقه می‌آموزند ولی نه برای دین، دانش می‌اندوزند
ولی نه برای عمل، با اعمال دینی حطام دنیا را طلب
می‌کنند.^۲

«لَا يَقُومُ حَتَّى لَا يُقَسَمَ مِيرَاثُ، وَلَا يُفْرَحَ بِغَنِيمَةٍ؛»

او ظاهر نمی‌شود جز هنگامی که دیگر میراث‌ها تقسیم
نشود و از سود بردن دلخوش نباشند.^۳

۱. الزام الناصب، ص ۶۴.

۲. بشارة الاسلام، ص ۴۴.

۳. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۷۷.

پیشوای پنجم شیعیان، امام باقر (ع) نیز دربارهٔ مفتی‌ها و قاضی‌های اسلامی فرمودند:

«مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى مِنَ اللَّهِ، لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ، وَ لَحِقَهُ وَزْرٌ مَنْ عَمِلَ بِفُتْيَاهُ؛
هر کس بدون علم، فتوا دهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان او را لعنت می‌کنند، و گناه همه کسانی که به فتوای او عمل کنند به گردن اوست.»^۱

امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرمایند:

«وَ رَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ، وَ رَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحَرَّمُ؛

و می‌بینی که حرام حلال شده و حلال حرام می‌گردد.»^۲

«وَ تَمِيلُ الْفُقَهَاءُ إِلَى الْكَذِبِ، وَ تَمِيلُ الْعُلَمَاءُ إِلَى الرَّيْبِ؛

فقها به دروغ و علما به شک و تردید تمایل نشان می‌دهند.»^۳

«تَخْلُو الْكُوفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْ رَزُّ الْعِلْمِ عَنْهَا كَمَا تَأْرَزُّ الْحَيَّةُ

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

۳. التزام الناصب، ص ۲۰۷.

آخرالزمان در آینه روایات

فِي جُحْرِهَا، ثُمَّ يَظْهَرُ فِي بَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا: قُمْ وَ أَهْلُهَا قَائِمُونَ مَقَامَ الْحُجَّةِ؛

کوفه از مؤمنان خالی می شود و علم از آن برچیده می شود. آن چنان که مار در لانه خود درهم می پیچد. آنگاه [علم] در شهری به نام «قم» ظاهر می شود که مردمان آن قائم مقام حجت خدا هستند.^۱

در روزی که مردم شهر «قم» هنوز آتش پرست و بت پرست بودند و اسم آن در جزیره العرب ناشناخته بود. امام صادق (ع) خبر می دهد که این شهر مرکز علم و دانش خواهد بود و جانشینان حضرت حجت (ع) در آنجا اقامت خواهند داشت. پس از گذشت ۱۲۰۰ سال، فرمایش امام، تحقق می یابد و این شهر، مرکز علوم آل محمد (ص) و مجمع علمای شیعه و فارغ التحصیلان آن مرجع تقلید و پیشوای امت اسلامی می گردند.

رسول اکرم (ص) نیز در مورد قم در روایاتی از آینده درخشان آن سخن گفته، پیش از آنکه اسلام وارد آنجا شود و نام آن در جهان معروف گردد.

از دیگر نکات شایان توجه در این حدیث، خبر دادن آن

۱. بشارة الاسلام، ص ۸۷.

حضرت از برجیده شدن علم از کوفه و نجف اشرف است. که ممکن است منظور از آن برجیده شدن علوم به سبب ستم زمامداران و کشته شدن رجال دین باشد.

در این رابطه حدیث دیگری از امام صادق (ع) در مورد شهرستان «قم» آمده است که در ضمن آن می‌فرمایند:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ قُمْ يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَا تُزَلُّ لَهُمُ الْحَوَادِثُ، وَلَا يَمْلُونَ وَلَا يَجْبُنُونَ، وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛

مردی از قم خارج شده مردم را به سوی حق دعوت می‌کند، گروهی که دل‌هایشان چون قطعات آهن سخت است، در اطراف او گرد می‌آیند، حوادث آنها را مضطرب نسازد، ملول نشوند و دچار وحشت نگردند و بر خدا توکل کنند و عاقبت از آن پرهیزکاران است.»^۱

آنگاه در ضمن گفت‌وگو از نشانه‌های دوران غیبت طولانی امام مهدی (ع)، حضرت صادق (ع) می‌فرمایند:

«وَالْقَضَاءُ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ؛

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

آخر الزمان در آینه روایات

داوران بر خلاف اوامر خداوند دآوری می کنند.^۱

* * *

«وَرَأَيْتَ الْوُلَاةَ يَأْتِمُنُونَ الْخَوْنَةَ لِلطَّمَعِ؛

زمامداران را می بینی که برای آزمندی خود خائنان را بر سر کار آورند و امین امور کشوری قرار دهند.^۲

* * *

«وَرَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يُذَمُّ وَ يُعَيَّرُ، وَ طَالِبَ الْحَرَامِ يُمَدِّحُ وَ يُعْظَمُ؛

و می بینی که طالب حلال مورد تحقیر و سرزنش قرار می گیرد، و طالب حرام مورد تعظیم و ستایش واقع می شود.^۳

* * *

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۴.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۸.

فصل پنجم

اهل آخر الزمان

در فصل‌های پیش در مورد ویژگی‌های مختلف عصر آخر الزمان گفت‌وگو شد، اما در این فصل می‌پردازیم به اهل آخر الزمان و ویژگی‌ها و صفاتی که دارا می‌شوند. در این فصل هم مانند فصل‌های گذشته روایات براساس گوینده معصوم آن دسته‌بندی شده‌اند. بنابراین در ابتدا به مجموعه‌ای از روایات درباره اهل آخر الزمان از زبان مبارک رسول اکرم (ص) می‌پردازیم.

ایشان با آگاهی وسیع و بینش عمیق از وضع زمان ما می‌فرمایند:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، الْمُؤْمِنُ فِيهِ أَذَلُّ مِنْ شَاتِيهِ؛

زمانی خواهد آمد که مؤمن در آن زمان از گوسفند
زبون تر خواهد بود.»^۱

و در حدیث دیگری وضع آنها را این چنین توصیف
می فرمایند:

«عِنْدَهَا يَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْمِلْحُ فِي
الْمَاءِ: مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُغَيِّرَهُ! الْمُؤْمِنُ!
الْمُؤْمِنُ يَمْشِي بَيْنَهُمْ بِالْمَخَافَةِ، فَإِنْ تَكَلَّمَ أَكَلُوهُ، وَإِنْ سَكَتَ
مَاتَ بِغَيْظِهِ؛

در آن ایام قلب مؤمن در درون خود آب می شود، آن
چنان که نمک در آب ذوب می شود. زیرا منکرات را
می بیند و قدرت جلوگیری و تغییر آن را ندارند. مؤمن در
میان آنها با ترس و لرز راه می رود، که اگر حرف بزند او
را می خورند، و اگر ساکت شود غصه مرگ می شود.»^۲

سپس فرمودند:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَمُّهُمْ بَطُونُهُمْ، وَ شَرَفُهُمْ مَتَاعُهُمْ، وَ
قَبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ، وَ دِينُهُمْ دَرَاهِمُهُمْ وَ دَنَانِيرُهُمْ. أُولَئِكَ شَرُّ الْخَلْقِ،

۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۵۵.

آخرالزمان در آینه روایات

لا خَلَقَ لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ؛

برای مردم روزگاری فرا می‌رسد که تنها هم و غمشان شکم آنها، شرف آنها تجمّلات زندگی آنها، قبله آنها همسرانشان، دین و آیین آنها درهم و دینارشان است، آنها بدترین خلائق هستند، برای آنها در نزد خدا ارج و مقامی نیست.^۱

آری همه صفات یاد شده در این حدیث، در عصر ما تحقق یافته، و اینک بزرگترین هم و غم مردم شکم آنها، شرف و آبروی آنها، تجمّلات زندگی آنها، دین و آیین آنها درهم و دینارشان و بزرگترین آرزوی آنها تأمین خواسته‌های همسرانشان است.

* * *

«سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، يُخَيَّرُ فِيهِ الرَّجُلُ بَيْنَ الْعَجْزِ وَالْفُجُورِ. فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَلْيَخْتَرْ الْعَجْزَ عَلَى الْفُجُورِ؛

برای مردمان زمانی می‌رسد، که انسان میان ناتوانی و نابکاری مخیر می‌شود، هر کس چنین زمانی را درک کند، ناتوانی را بر فساد و تباهی برگزیند.»^۲

صالحان و نیکان عصر ما از کارهایی که دیگران انجام

۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الاثار، ص ۴۳۸.

۲. نهج‌الفصاحه، ج ۲، ص ۳۷۲.

می دهند ناتوان نیستند، بلکه از فساد و تباهی گریزان هستند.

«لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَتَنْهَيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيَسْلُطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
شِرَارَكُمْ، فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ؛

باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه شریران بر
شما مسلط خواهند شد و نیکان هر چه دعا کنند مستجاب
نخواهد شد.»^۱

«وَعِنْدَهَا يَظْهَرُ الرِّبَا، وَيَتَعَامَلُونَ بِالرُّشَى، وَ يُوضَعُ الدِّينُ وَ
تُرْفَعُ الدُّنْيَا؛

در آن زمان ربا شایع می شود، کارها با رشوه انجام
می یابد، مقام و ارزش دین تنزل می نماید و دنیا در نظر
آنها ارزش پیدا می کند.»^۲

«لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرِّبَا، فَإِنْ لَمْ
يَأْكُلْهُ أَصَابَهُ غُبَارُهُ؛

برای مردم زمانی پیش می آید که احدی یافت نمی شود
جز اینکه به ربا آلوده گردد، اگر به طور مستقیم هم ربا

۱. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۴۷۰؛ بشارة الاسلام، ص ۲۷.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۶.

آخرالزمان در آینه روایات

نخورد. گردد ربا به او می رسد.»^۱

«مَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرِّبَا، إِلَّا أَخَذُوا بِالسَّنَةِ وَمَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرُّشَى إِلَّا أَخَذُوا بِالرُّعْبِ!»

هیچ قومی نیست که ربا در میان آنها شایع شود. جز اینکه دچار غفلت و بی خبری می شوند و هیچ قومی نیست که رشوه در میان آنها رایج شود جز اینکه دچار ترس و وحشت می شوند.»^۲

«يَكُونُ أَسْعَدَ النَّاسِ بِالْدُّنْيَا لُكْعُ ابْنِ لُكْعٍ، لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ؛

خوشبخت ترین مردم دنیا، افراد پست و نادان خواهند بود، که به خدا و رسول (ص) ایمان نخواهند داشت.»^۳

«يَذْهَبُ الصَّالِحُونَ أَسْلَافًا: الْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ، حَتَّى يَبْقَى إِلَّا خُثَالَةً كَخُثَالَةِ التَّمْرِ وَالشَّعِيرِ، لَا يُبَالِي اللَّهُ بِهِمْ؛

صالحان یکی پس از دیگری دیده فرو بندند و دیگر نشانه ای از صالحان باقی نباشد جز به مقدار تفالۀ خرما و

۱. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۰۰.

۲. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۵۷؛ حائری یزدی، التزام الناصب، ص ۱۸۲.

۳. نهج الفصاحه، ج ۲، صص ۵۰۰ و ۵۱۷.

نخاله جو، دیگر خداوند اعتنائی به آنها نمی‌کند.»^۱
 «سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ، وَتَحْسُنُ
 عَلَانِيَتَهُمْ طَمَعاً فِي الدُّنْيَا، لَا يُرِيدُونَ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. يَكُونُ
 أَمْرُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُ خَوْفٌ، يَعْتُمُّهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ، فَيَدْعُونَهُ دُعَاءَ
 الْغَرِيقِ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ؛

زمانی بر امت من می‌آید که در آن زمان درون آنها پلید
 می‌شود ولی ظاهر آنها به طمع دنیا آراسته می‌گردد، به
 آنچه در پیشگاه خداوندی است دل نمی‌بندند، کارشان
 ریا و تظاهر است، خوف از خدا به دلشان راه نیابد و
 خداوند آنها را به عذابی فراگیر دچار سازد، آنها خداوند
 را همچون آدم غریق (کسی که در آب غرق می‌شود)
 می‌خوانند و خداوند دعایشان را مستجاب نمی‌کند.»^۲

* * *

«أَوَّلُ مَا يُرْفَعُ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْحَيَاءُ وَالْأَمَانَةُ؛
 اولین چیزی که از این امت برداشته می‌شود حیا و امانت
 است.»^۳

* * *

۱. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۴۶.

۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الاثار، ص ۴۲۶.

۳. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۱۹۷؛ الامام المهدی (ع)، ص ۲۱۹.

آخرالزمان در آینه روایات

«إِذَا ظَهَرَتِ الْفَاحِشَةُ كَانَتْ الرَّجْفَةُ، وَإِذَا جَارَ الْحُكَّامُ قَلَّ الْمَطَرُ،
وَإِذَا غَدِرَ بِأَهْلِ الذِّمَّةِ ظَهَرَ الْعَدُوُّ؛

هنگامی که روابط نامشروع شیوع پیدا کند زلزله زیاد
می‌شود، هنگامی که زمامداران ستم پیشه کنند باران کم
می‌بارد، و هنگامی که با اهل ذمه (اهل کتاب که در پناه
اسلام باشند = اقلیت‌های مذهبی) با مکر و حيله رفتار
شود دشمن چیره گردد.»^۱

* * *

آنگاه رسول اکرم (ص) در ادامه پیش‌بینی‌هایشان درباره‌ی علایم
آخرالزمان می‌فرمایند:

«إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَيَمْنُونَ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَتَمَنَّوْنَ
رَحْمَتَهُ وَ يَأْمَنُونَ سَطْوَتَهُ. وَ يَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ
وَ الْأَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ. فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ بِالنَّبِيذِ، وَ السُّخْتِ بِالْهَدِيَّةِ،
وَ الرِّبَا بِالْبَيْعِ؛

به راستی این امت به اموال خود گرویده، با دین خود
بر پروردگارشان منت نهاده، به رحمت او امیدوار و از
خشم او در امان بوده، با شبهه‌های دروغین و وسوسه‌های
خلاف، پای در حریم محرمات می‌گذارند: مشروب را به
نام نبیذ، رشوه را به نام هدیه و ربا را به نام داد و ستد،

۱. نهج‌الفصاحه، ج ۱، ص ۴۲.

حلال پنداشته؛ می خورند.»^۱

«إِذَا كَثُرَ الْجَوْرُ وَالْفَسَادُ، وَظَهَرَ الْمُنْكَرُ، وَأُمِرَتْ أُمَّتِي بِهِ، وَنُهِىَ عَنِ الْمَعْرُوفِ، وَيُنْكَرُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛

هنگامی که ستم و تباهی فراوان شود، منکر آشکار گردد، امت من امر به منکر و نهی از معروف کنند و امر به معروف و نهی از منکر را فراموش کنند.»^۲

«إِذَا صَارَ النَّاسُ سَمَاعِينَ لِلْكَذِبِ، أَكَالِينَ لِلسُّخْتِ، يَسْتَحِلُّونَ الرِّبَا وَالْخَمْرَ وَالْمَقَالَاتِ وَالطَّرَبِ وَالْمَعَارِفِ؛

هنگامی که مردم به دروغ گوش فرا دهند، حرام و رشوه بخورند، ربا را جایز بشمارند، شراب و قمار و لهو و لعب را حلال بدانند...»^۳

«إِذَا تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ، وَتَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ، وَتَحَابُّوا عَلَى الْكَذِبِ، وَتَبَاغَضُوا عَلَى الصُّدْقِ... فَإِنَّ كَانَ ذَلِكَ

۱. الامام المهدی (ع)، ص ۱۵۸.

۲. الزام الناصب، صص ۶۴ و ۱۸۲.

۳. بشارة الاسلام، ص ۷۵؛ حائری یزدی، الزام الناصب، ص ۱۹۵.

الْوَلَدُ غَيْظًا، وَالْمَطَرُ قَيْظًا؛

هنگامی که مردم برای کارهای ناشایست تعاون و همکاری کنند، و در احکام مذهبی از یکدیگر دوری جویند، برای دروغ همدیگر را دوست بدارند و برای راستگویی از یکدیگر قهر کنند،... اگر اینها واقع شود، اولاد عاق والدین می‌شوند، باران کمتر و در غیر موقع می‌بارد، لثیمان هر لحظه در افزایش و کریمان هر لحظه کاهش می‌یابند!»^۱

«وَكَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا، وَ سَلَاطِينُهُ سِبَاعًا، وَ أَوْسَاطُهُ أُكَالًا، وَ فَقَرَاؤُهُ أَمْوَاتًا؛

اهل آن زمان همچون گرگ هستند و پادشاهان آنها همچون درندگان وحشی، فقیران آنها همچون مردگان و طبقه متوسط آنها مرده‌خوارند.»^۲

«وَ غَارَ الصُّدُقُ، وَ فَاضَ الْكِذْبُ، وَ اسْتُعْمِلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ، وَ تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ، وَ صَارَ الْفُسُوقُ نَسَبًا، وَ الْعِفَافُ عَجَبًا، وَ لَيْسَ الْإِسْلَامُ لَبْسَ الْفَرَزِ مَقْلُوبًا؛

۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۰۸.

۲. منتخب‌الاثر، ص ۴۳۷؛ بشارة الاسلام، ص ۲۵.

راستی و درستی کمیاب می‌شود، دروغ همه جا را فرا می‌گیرد، دوستی و صمیمیت به سر زبان‌ها اختصاص می‌یابد و در اعماق دل همه با یکدیگر خصومت می‌ورزند، کارهای نامشروع مایه مباهات شده، عفت و خوشتن داری موجب اعجاب و شگفت می‌شود، اسلام وارونه می‌گردد، همانند پوستینی که وارونه پوشیده شود.^۱

* * *

«إِذَا اتَّهَكَتِ الْمَحَارِمُ، وَ اكْتَسَبَتِ الْعَائِمُ، وَ سُلْطَ الْأَشْرَارُ عَلَى الْأَخْيَارِ، وَ يَفْشُو الْكِذْبُ، وَ يَتَبَاهَوْنَ بِاللِّبَاسِ؛ هنگامی که حریم‌ها مورد تجاوز واقع شود، گناهان عملی گردد، اشرار بر نیکان مسلط شوند، دروغ شایع گردد و مردم به جامه‌های خود مباهات کنند.»^۲

* * *

«إِذَا كَثُرَ الزُّنَا بَعْدِي، كَثُرَ مَوْتُ الْفُجَاءَةِ. وَ إِذَا طُفِفَ الْمِكْيَانُ وَ الْمِيزَانُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسُّنَيْنِ وَ النَّقْصِ. وَ أَذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا مِنَ الزَّرْعِ وَ الثَّمَارِ وَ الْمَعَادِنِ كُلِّهَا. وَ إِذَا الْحَكَّامُ، تَعَاوَنُوا عَلَى الظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانِ. وَ إِذَا تَقَضُّوا الْعَهْدَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ. وَ إِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتْ أَلُمُوالُ فِي

۱. منتخب‌الاثار، ص ۴۳۷؛ نهج‌البلاغه صبحی صالحی، ص ۱۵۷.

۲. حائری یزدی، الزام‌الناصب، ص ۱۸۴.

اُیدی الاشرار؛

هنگامی که بعد از من فحشاء و منکر رواج پیدا کند، مرگ‌های ناگهانی فراوان شود و کم‌فروشی رایج گردد، خداوند آنها را با قحطی و گرسنگی گرفتار سازد. هنگامی که زکات داده نشود، زمین برکت‌های خود را از معدن و میوه و زراعت منع می‌کند. هنگامی که زمامداران ستمگری پیشه کنند، آنها خود بر ظلم و تجاوز همکاری کنند. هنگامی که پیمان‌ها را بشکنند، خداوند دشمن را بر آنها چیره کند و هنگامی که پیوند خویشاوندی را قطع کنند ثروت‌ها در دست اشرار قرار می‌گیرد.^۱

* * *

در حدیث دیگری از رسول اکرم (ص) نقل شده که: «هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر و پیروی نیکان از اهل بیت من، ترک شود، خداوند اشرار را بر آنها مسلط می‌گرداند.»

امروز در همه سرزمین‌های اسلامی اشرار مسلط شده‌اند و این، نوعی انتقام حضرت پروردگار به دست اشرار خلق است.

* * *

۱. تحف العقول، ص ۴۳؛ بشارة الاسلام، ص ۱۳۲.

«... وَرَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ، وَاسْتُخِفَّ بِالْوَالِدَيْنِ؛

و می بینی که عاق والدین بودن رواج یافته، پدر و مادر
سبک شمرده می شوند.»^۱

«... وَ يُعِيرُونَهُ بِضِيقِ الْمَعِيشَةِ، وَ يُكَلِّفُونَهُ مَا لَا يُطِيقُ، حَتَّى
يُورِدُوهُ مَوَارِدَ الْهَلَكَةِ؛

انسان را با تنگدستی و ضیق معیشت سرزنش می کنند و او
را به چیزی که توانش را ندارد وادار می سازند، تا او را به
راهی که برگشت ندارد وارد کرده، به هلاکت بیندازند.»^۲

* * *

«يَجْهَرُوا الرَّجُلَ وَالِدَيْهِ وَ يَبْرُ صَدِيقَهُ؛

انسان به پدر و مادرش جفا کرده، با دوستانش از راه وفا
و صفا وارد می شود.»^۳

* * *

«يَفْتَرِي الْوَلَدُ عَلَى أَبِيهِ وَ يَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ، وَ يَفْرَحُ بِمَوْتِهِمَا؛

فرزند به پدرش تهمت می زند، بر پدر و مادرش نفرین
می کند و از مرگ آنها مسرور می شود.»^۴

* * *

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۳۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۱.

۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۴۳۸.

۳. حائری یزدی، الزام الناصب، ص ۱۸۲.

۴. منتخب الاثر، ص ۴۳۱؛ بشارة الاسلام، ص ۱۳۴.

آخر الزمان در آینه روایات

«يَحْسُدُ الرَّجُلُ أَخَاهُ، وَ يَسُبُّ أَبَاهُ، وَ يَتَعَامَلُ الشُّرَكَاءُ بِالْخِيَانَةِ؛
مرد به برادرش حسد ورزیده، به پدرش دشنام می دهد و
با شریکان از راه خیانت وارد می شود.»^۱
با کمال تأسف همه این صفات نکوهیده در میان ما رواج
یافته است.

«أَذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ، وَ مَنُّوا بِالطَّعَامِ، وَ إِذَا ذَهَبَتْ رَحْمَةُ الْأَكَابِرِ،
وَ قَلَّ حَيَاءُ الْأَصَاغِرِ؛
هنگامی که پیوند خویشاوندی قطع شود، برای اطعام
منت گذارند، مرحمت از دل بزرگان رخت بر بندد و
حیاء از روی کوچکان گرفته شود.»^۲

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند:

«يَكُونُ هَلَاكُ الرَّجُلِ عَلَى يَدَيِ أَبَوَيْهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَبَوَانِ
فَعَلَى يَدَيِ زَوْجَتِهِ وَ وَلَدِهِ. فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ وَ وَلَدٌ فَعَلَى
يَدَيِ قَرَابَتِهِ وَ جِيرَاتِهِ؛
هلاکت انسان به دست پدر و مادرش تحقق می یابد، اگر
پدر و مادر نداشته باشد، به دست همسر و فرزندانش، و

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۱؛ بشارة الاسلام، ص ۲۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۶۳، ۲۵۶ و ۲۶۳.

اگر همسر و فرزندی نداشته باشد، به دست خویشان و همسایگانش.^۱

«إِذَا اسْتُعْلِنَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَ الْإِثْمُ وَ الطُّغْيَانُ... وَ أَكْرَمَ الْأَشْرَارُ؛

هنگامی که روابط نامشروع علنی شود، گناه، بهتان و مرزنشناسی آشکار گردد و اشرار مورد احترام قرار گیرند...»^۲

«إِذَا دَبَّ الْكِبَرُ فِي الْقُلُوبِ دَيْبَ السُّمِّ فِي الْأَبْدَانِ، وَ ظَهَرَتِ الْجَرَائِمُ، وَ هَوْنَتِ الْعِظَائِمُ؛

هنگامی که تکبر و خودپرستی در اعماق دل‌ها نفوذ کرد، آن سان که سمومات در بدن‌ها نفوذ می‌کنند، گناه‌ها علنی شد و محرمات الهی سبک شمرده شد.»^۳

«يَكْثُرُ فِيهِمُ الْمَالُ، وَ يُعَظَّمُ أَصْحَابُ الْمَالِ؛

ثروت در میان آنها فراوان شود و ثروتمندان مورد احترام باشند.»^۴

۱. منتخب‌الاثار، ص ۴۳۷؛ شیخ بهایی، کشکول، ص ۵۸۰.

۲. الامام المهدی (ع)، ص ۲۱۹؛ بشارة الاسلام، ص ۱۳۳.

۳. الزام الناصب، ص ۱۸۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۴.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹؛ بشارة الاسلام، ص ۳۲.

آخرالزمان در آینه روایات

امروز ثروت کشورهای اسلامی، بانک‌های اروپا و آمریکا را می‌چرخاند و همه معادن زیرزمینی و منابع ثروتشان در دست آنهاست و ما، آنها را به سبب اموالی که از ما به یغما برده‌اند، احترام می‌کنیم! پیامبر اکرم (ص) در مورد ویژگی‌های امروز ما فرمودند:

«يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا عَظَّمْتُمْ أَغْنِيَاءَكُمْ، وَ أَهْتَمْتُمْ فَقَرَاءَكُمْ... وَ رَأَيْتَ الْخَلْقَ فِي الْمَجَالِسِ لَا يُتَابِعُونَ إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ؛

و آن هنگامی است که ثروتمندان را احترام کنید و مستمندان را خوار بشمارید، و در محافل و مجالس ببینید که مردم به دنبال ثروتمندان هستند.»^۱

* * *

«يَتَجَاهَرُ النَّاسُ بِالْمُنْكَرَاتِ... فَيَنْفَقُ الْمَالُ لِلْغِنَاءِ؛

مردم به انجام منکرات تظاهر می‌کنند و اموال فراوان برای غنا و موسیقی خرج می‌کنند.»^۲

* * *

«لَيَشْرَبَنَّ أَنْاسٌ مِنْ أُمَّتِي الْخَمْرَ، يُسَمُّونَهَا بِغَيْرِ اسْمِهَا. وَ يُضْرَبُ عَلَى رُؤُوسِهِمْ بِالْمَعَارِفِ؛

گروهی از امت من نام مشروب را عوض کرده، آن را

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۴؛ بشارة الاسلام، ص ۱۳۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۴؛ بشارة الاسلام، ص ۲۳ و ۱۳۲.

می خورند، و بالای سر آنها ادوات موسیقی زده می شود.»^۱
 «يَظْهَرُ الْقِمَارُ، وَ يُبَاعُ الشَّرَابُ ظَاهِرٌ لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ؛
 قمار علنی می شود و مشروبات به طور علنی فروخته
 می شود و کسی جلوگیری نمی کند.»^۲

* * *

«... وَ مَنْ أَكَلَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى يُخَمِّدُ بِصَلَاتِهِ؛
 کسی که اموال یتیمان را بخورد به عنوان آدم شایسته
 مورد ستایش قرار گیرد.»^۳

* * *

«كَلَامُهُمْ أَخْلَى مِنَ الْعَسَلِ، وَ قُلُوبُهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ! مَا مِنْ
 يَوْمٍ إِلَّا يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَمِنَى تَفِرُّونَ، أَمْ عَلَيَّ تَتَجَرَّأُونَ؟
 أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؟!؛
 گفتارشان از عسل شیرین تر، دل هایشان از حنظل تلخ تر
 است، خداوند هر روز به آنها می فرماید: آیا از من فرار
 می کنید؟! یا بر من جرئت می کنید؟! «آیا پنداشته اید که
 ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما باز گردانده

۱. حنبل، احمد، مسند، ج ۲، ص ۴۱۸.

۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۴۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

۳. بشارة الاسلام، ص ۱۳۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۰.

آخرالزمان در آینه روایات

نمی شوید؟!»^۲

«إِذَا كَثُرَ الطَّلَاقُ، وَ لَا يُقَامُ حَدٌّ؛

هنگامی که طلاق بسیار باشد و حدود الهی اقامه نشود.»^۳

«لَتَرْكَبُنَّ سُنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ شَبْرًا بِشَبْرٍ وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ دَخَلَ فِي جُحْرِ ضَبٍّ لَدَخَلْتُمْ فِيهِ، وَ حَتَّىٰ أَنْ أَحَدَهُمْ لَوْ جَامَعَ امْرَأَتَهُ فِي الطَّرِيقِ لَفَعَلْتُمُوهُ؛

آنچه در میان اقوام گذشته واقع شده، مو به مو واقع خواهد شد، از هر راهی که آنها رفته‌اند شما نیز وجب به وجب و قدم به قدم از آن راه خواهید رفت، اگر یکی از آنها به لانه سوسماری وارد شده باشد، شما نیز [آن کار را] انجام خواهید داد، اگر یکی از آنها با همسر خود در رهگذر تماس گرفته باشد شما نیز انجام خواهید داد.»^۴

تقلید از اقوام باستانی به عناوین مختلف در میان امت اسلامی رایج شده، فقط بخش اخیر واقع نشده، که در غرب تقریباً به صورت عملی درآمده و با توجه به تقلید شرق از غرب در همه امور، دور نیست که در مشرق زمین نیز چنین

۱. سورة مؤمن \ آیه ۱۱۶.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۲.

۳. الزام الناصب، ص ۱۸۲؛ بشارة الاسلام، ص ۲۶.

۴. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۷؛ نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۴۷۱.

حالت بی بند و باری پیدا شود!

* * *

«وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَتَسَافِدُونَ كَمَا تَتَسَافَدُ الْبَهَائِمُ، لَا يُنْكَرُ أَحَدٌ مُنْكَرًا تَخَوُّفًا مِنَ النَّاسِ!»

مردم را می بینم که همانند چهار پایان به طور علنی روابط جنسی برقرار می کنند و کسی از ترس مردم نمی تواند آن را تقبیح کند.^۱

با کمال تأسف این صفت رذیله به عنوان یکی از مظاهر تمدن در غرب آغاز شده، و برخی از مراحل آن به نشانه روشنفکری در مشرق زمین نیز شروع شده است که از نقل نمونه های آن قلم شرم دارد ولی جوانان خودباخته ای که پیروی کورکورانه از غرب را در سر لوحه «خود روشنفکرینی» خویش قرار داده اند، از ارتکاب آن شرم ندارند. اینجاست که باید در انتظار فرا رسیدن روزگار سخت و دشواری بود که اثر وضعی این گناهان و نتیجه قطعی ترک امر به معروف و نهی از منکر است و طبق فرموده پیامبر اکرم (ص) واقع خواهد شد. امروزه برخی از نشانه های آن چون پیمان شکنی، شیوع جنگ و کشتار و فراگیر شدن اضطراب ها و تشویش ها و دیگر حوادث

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹؛ بشارة الاسلام، ص ۱۳۲.

آخرالزمان در آینه روایات

جانکاه آغاز گشته است.

«إِذَا كُنْتَ فِي عِشْرِينَ رَجُلًا أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ، فَتَصَفَّحْتَ وَجُوهَهُمْ فَلَمْ تَرْفِهِمْ رَجُلًا يُهَابُ فِي اللَّهِ، فَأَعْلَمَ أَنَّ الْأَمْرَ قَدْ قَرُبَ!»
هنگامی که در میان بیست نفر، کمتر یا بیشتر از مردان باشی و در چهره‌های آنها دقت کنی، و حتی یک نفر هم در میان آنها پیدا نکنی که برای خدا از او بترسند، بدان که امر فرج نزدیک شده است.^۱

«مَا تُرِكَ بَعْدَى فِتْنَةٍ أَضَرَّ عَلَى الرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ!»
بعد از عصر من هیچ فتنه‌ای برای مردان پیش نمی‌آید که زیانبارتر از فتنه‌ای باشد که از ناحیه زنان می‌رسد.^۲

حدیث بعدی پیامبر اکرم (ص) این حدیث را تفسیر می‌کند، آنجا که فرمودند:

«هَلَكَتِ الرِّجَالُ حِينَ أَطَاعَتِ النِّسَاءَ!»

مردانی که از زنان اطاعت می‌کنند، هلاک می‌شوند.^۳

۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۳۷.

۲. نهج الفصاحة، ج ۲، ص ۵۳۳.

۳. نهج الفصاحة، ج ۲، ص ۶۳۸.

پر واضح است که منظور رسول اکرم (ص) پیروی مردان از زنان هوسران در زمینه تأمین امیال نفسانی آنهاست، وگرنه زن‌های با فضیلت خود اسوه و الگوی فرزندان هستند و شریک زندگی همسران. احادیث بعدی نیز این معنا را روشن می‌کند:

«مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي فِتْنَةً أَخَوْفَ مِنَ النِّسَاءِ وَالْخَمْرِ!»

در مورد امت خود، از هیچ فتنه‌ای چون زن‌ها و مشروبات الکلی اندیشناک نیستم.^۱

«أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ فِتْنَةَ السَّرَّاءِ مِنْ قِبَلِ النِّسَاءِ إِذَا تَسَوَّرْنَ الذَّهَبَ، وَاتَّعَبْنَ الْغَنَى، وَكَلَّفْنَ الْفَقِيرَ مَا لَا يَجِدُ!»

بیشترین چیزی که در مورد شما از آن بیمناکم، فتنه نامرئی زنان است، و آن هنگامی است که غرق در طلا شوند، پولدار را به زحمت بیندازند، و بی پول را به چیزی که قدرت ندارند وادار سازند.^۲

«يُطِيعُ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ، وَيَعْصِي وَالِدَيْهِ، وَيَسْمَعُ فِي هَلَاكِ أَخِيهِ، وَيَجْفُو جَارَهُ، وَيَقْطَعُ رَحِمَهُ، وَتَرْفَعُ أَصْوَاتُ الْفُجَّارِ!»

۱. نهج الفصاحة، ج ۲، ص ۵۴.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۸؛ نهج الفصاحة، ج ۱، ص ۶۱.

آخر الزمان در آینه روایات

مرد از همسرش اطاعت می‌کند ولی پدر و مادرش را نافرمانی می‌کند و برای به هلاکت رسانیدن برادرش تلاش می‌کند، به همسایه‌اش ستم روا می‌دارد و پیوند خویشاوندی را قطع می‌کند و صدای فاجران بلند می‌شود.^۱

«لَعَنَ اللَّهُ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ، وَالْمَرْأَةُ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ!»

خداوند لعنت کند مردی را که جامه زن به تن کند، و زنی که را که جامه مرد بپوشد.^۲

«لَعَنَ اللَّهُ الْمُخْتَنِينَ مِنَ الرِّجَالِ، وَ الْمُتَرْجِلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ!»

خداوند لعنت کند مردان مختن را، و زنان مترجل را.^۳

سپس نبی اکرم (ص) از روزی سخن می‌گویند که فرج آل محمد (ص) فرا خواهد رسید و می‌فرمایند آن روز هنگامی است که:

«إِذَا أَسْتَعْمِلَ السُّفَهَاءُ، وَ شَاوَرُوا النِّسَاءَ»

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۱؛ بشارة الاسلام، صص ۲۲، ۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۳.

۲. نهج الفصاحة، ج ۲، ص ۴۷۳؛ بشارة الاسلام، ص ۲۳.

۳. نهج الفصاحة، ج ۲، ص ۴۷۴.

هنگامی که نابخردان بر سر کار باشند و زنها مورد مشورت قرار گیرند.^۱

* * *

«إِذَا رَكِبَ الذُّكُورُ الذُّكُورَ، وَ الْإِنَاثُ الْإِنَاثَ؛

هنگامی که مردها با مردان درآمیزند و زنها با یکدیگر!!»^۲

* * *

«إِذَا اكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ، وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ!!؛

هنگامی که مردان به مردان بسنده کنند و زنان به زنان!!»^۳

* * *

«تُنَكِّحُ الْأَزْحَامُ وَ يُنَكِّفِي بَيْنَ!!؛

هنگامی که با خویشان درآمیزند و به آن بسنده کنند!!!»^۴

* * *

«تُنَكِّحُ الْبَهَائِمُ!!!؛

هنگامی که با چهارپایان درآمیزند.»^۵

۱. بشارة الاسلام، ص ۴۴.

۲. كشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۲۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۵؛ المهدی، صص ۱۹۹، ۲۱۹.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۲۵؛ الزام الناصب، صص ۶۴، ۱۸۲، ۱۹۵.

۴. الزام الناصب، ص ۱۸۳؛ بشارة الاسلام، ص ۱۳۳.

۵. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

آخرالزمان در آینه روایات

«إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُعَيِّرُ عَلَى إِثْيَانِ النِّسَاءِ؛

هنگامی که مرد برای آمیزش با زنان مورد سرزنش قرار بگیرد!»^۱

* * *

«إِذَا صَارَ الْغُلَامُ يُعْطَى مَا تُعْطَى الْمَرْأَةُ؛ يُعْطَى قَفَاهُ لِمَنْ

اِبتَغَى!!!»

هنگامی که پسر چون یک زن خود را در اختیار مشتری قرار دهد»^۲

«يَتَسَمَّنُ الرَّجَالُ لِلرِّجَالِ، وَ النِّسَاءُ لِلنِّسَاءِ؛

مردان برای مردان آرایش کنند و زنان برای زنان»^۳

* * *

«يُزَفُّ الرَّجَالُ لِلرِّجَالِ كَمَا تُزَفُّ الْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا!!!»

مردان با مردان زفاف کنند، آن چنان که عروس با داماد زفاف می کند»^۴

«يَمْتَشِطُ الرَّجُلُ كَمَا تَمْتَشِطُ الْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا، وَ يُعْطَى الرَّجَالُ الْأَمْوَالُ عَلَى فُرُوجِهِمْ. وَيُتَنَافَسُ فِي الرَّجُلِ وَ يُغَارُ عَلَيْهِ مِنَ الرَّجَالِ، وَ يُبْذَلُ فِي سَبِيلِهِ النَّفْسُ وَ الْمَالُ!!!»

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

۴. بشارة الاسلام، ص ۷۶.

مرد برای مرد شانه می زند و آرایش می کند، آن چنان که زن برای همسرش شانه می زند و خود را می آراید، مردان برای این کار اجسرت می گیرند، و گاهی مورد رقابت طالبان واقع می شوند، و گاهی مرد ناموس مرد می شود و برای او غیرت به خرج می دهد و در راه او از بذل جان و مال دریغ نمی کند!»^۱

«تُحَلَّى ذُكُورُ أُمَّتِي بِالذَّهَبِ، وَ يَلْبَسُونَ الْحَرِيرَ وَ الدِّيَابَجَ، وَ يَتَّخِذُونَ جُلُودَ النُّمُورِ. فَهَنَّاكَ يَكْثُرُ الْمَطَرُ، وَ يَقِلُّ الثَّبَاتُ وَ الْخَيْرُ، وَ تَكْثُرُ الْهَزَاتِ؛

مردان امت من با طلا آرایش می کنند، حریر و دیبا می پوشند، و از پوست پلنگ برای خود جامه درست می کنند، در چنین زمانی باران بسیار می بارد ولی خیر و برکت کم می شود و زلزله فراوان می گردد.»^۲

«تَكُونُ مَعِيشَةُ الرَّجُلِ مِنْ دُبُرِهِ، وَ مَعِيشَةُ الْمَرْأَةِ مِنْ فَرْجِهَا؛

مرد برای تأمین زندگی، خودفروشی می کند و زن نیز!»^۳

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

آخر الزمان در آینه روایات

«عِنْدَهَا يُغَارُ عَلَى الْعَلَامِ كَمَا يُغَارُ عَلَى الْجَارِيَةِ فِي بَيْتِ أَهْلِهَا؛
در آن زمان برای پسر همچون دختری خانه دار غیرت
ورزیده می شود!»^۱

«كَأَنَّكَ بِالدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ إِذَا ضَيَّعْتَ أُمَّتِي الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعْتَ الشَّهَوَاتِ،
وَعَلَتِ الْأَسْعَارُ، وَكَثُرَ اللَّوَاطُ وَزُخِرَتْ جُذُرَانُ الدُّورِ وَرُفِعَ
بَنَاءُ الْقُصُورِ، وَرَكِبُوا جُلُودَ النُّمُورِ، وَأَكَلُوا الْمَأْتُورَ، وَلَبِسُوا
الْحُبُورَ، وَصَارَتِ الْمُبَاهَاةُ بِالْمَعْصِيَةِ!!!»

دنیا را در برابر دیدگانت مجسم کن: هنگامی که امت
من نماز را ضایع کنند، از شهوات پیروی کنند، قیمت ها
بالا رود، همجنس بازی شایع شود، دیوارهای منازل
تزیین گردد، کاخ ها و ساختمان ها بلند ساخته شود، بر
پوست های پلنگان سوار شوند، آنچه بیابند بخورند، زیور
آلات بپوشند و معصیت به صورت وسیله مباهات و فخر
فروشی درآید.»^۲

«سَيَأْتِي بَعْدِي أَقْوَامٌ، يَأْكُلُونَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَالْوَانِهَا، وَيَرْكَبُونَ
الدَّوَابَّ، وَيَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِزُوجِهَا، وَيَتَبَرَّجُونَ تَبَرُّجَ

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۳.

۲. الامام المهدي، ص ۲۱۹.

النِّسَاءُ، وَ زَيْهُهُمْ مِثْلُ زِيٍّ مُلُوكِ جَبَابِرَةٍ! هُمْ مُنَافِقُو هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، شَارِبُوا الْقَهَوَاتِ، لَاعِبُونَ بِالْكَعَابِ، رَاكِبُونَ لِلشَّهَوَاتِ، تَارِكُونَ لِلْجَمَاعَاتِ، رَاقِدُونَ عَنِ الْعَتَمَاتِ، مُفَرِّطُونَ بِالْغَدَوَاتِ مِثْلَهُمْ كَمَثَلِ الدِّفْلِيِّ: زَهْرَتُهَا حَسَنَةٌ وَ طَعْمُهَا مُرٌّ!!!
كَلَامُهُمُ الْحِكْمَةُ، وَ أَعْمَالُهُمْ دَاءٌ لَا يَقْبَلُ الدَّوَاءُ!!!؛

بعد از من اقوامی می آیند که غذاهاى بسیار لذیذ و رنگارنگ می خورند، بر مرکبها سوار می شوند، همچون زنى که برای شوهرش آرایش کند آرایش می کنند، همچون زن ها خودنمایی می کنند، سیمای آنها چون پادشاهانى طغیانگر است، آنها منافقان امت در آخر الزمان هستند که مشروب می خورند، قمار می بازند، از خواسته های نفس پیروی می کنند، از نماز جماعت دوری می گزینند، به هنگام شب زنده داری می خوابند، و در مورد نماز صبح سستی می کنند، مثل آنها مثل درخت «دِفلِی» است که شکوفه ای بسیار زیبا و طعمی تلخ دارد، گفتارشان حکیمانه و کره ارشان بیمارگونه است و بیماریشان علاج ناپذیر.^۱

* * *

بخش مهمی از روایات آخر الزمان به بررسی وضعیت زنان در عصر آخر الزمان می پردازد از این رو لازم است که

۱. منتخب الاثر ص ۴۲۷.

آخرالزمان در آینه روایات

در این باره بگوییم:

بر احدی پوشیده نیست که اگر زن ارزش والای خود را بشناسد و به وظایف سنگین خود عمل کند، گرانباترین و درخشنده‌ترین ستارهٔ افق زندگی، و پُرج‌ترین گوهر رشتهٔ هستی است، که پایه و اساس هر فضیلت است و بدون او رشتهٔ خانواده‌ها در هم گسسته و طومار جامعه در هم می‌پیچد، زیرا زن حلقهٔ اتصال و رمز تداوم نسل بشری است، که آن پاک‌ترین بُعد زندگی است.

خداوند زن را گوهر گرانبهایی آفریده که همچون دیگر گوهرها در پوشش و محل امن بوده، به دور از چشم بداندیشان، مایهٔ درخشش کانون خانواده باشد. او نباید آن قدر تنزل کند که زیر نگاه‌های رهگذر چشم‌چرانی لگدمال گردد!!

هنگامی که زن این کرامت خود را فراموش کند، برای جامعه هیچ امیدی نمی‌ماند. زیرا او حلقهٔ اتصال خانواده که از مهم‌ترین ارکان هر جامعه است، بوده و اگر به فساد آلوده گردد، نه تنها ارزش والای خود را از دست می‌دهد بلکه باعث فساد خانواده و در نتیجه اجتماع خواهد شد.

وضع رقت‌بار و مبتذل زن در عصر ما چیزی نبود که از نگاه نافذ رسول اکرم (ص) و اهل بیت طیب و طاهر ایشان

پوشیده بماند، بلکه به سان کسی که با دیدگانی نافذ و قلبی بصیر در پایتخت‌های اروپا و آمریکا گشته باشد، وضع تأثرانگیز زن قرن بیستم را در میان کلمات گران‌قدرش تشریح کرده، خطرات ناشی از آن را گوشزد نموده، امت اسلامی را از فرو رفتن در این منجلاب فساد بیم داده است و اینک گوشه‌ای از کلمات گران‌قدر آن حضرت را در این باره می‌بینیم. ایشان فرمودند:

«كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ، وَ فَسَقَ شُبَّانُكُمْ، وَلَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، بَلْ أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ، وَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا، وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟ فَقِيلَ لَهُ: وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، وَ شَرُّ مِنْ ذَلِكَ؛

چگونه می‌شود حال شما هنگامی که زن‌های شما فاسد شوند و جوانان شما به فسق و فجور بگرایند، شما نیز به جای امر به معروف، امر به منکر و نهی از معروف نمایید! معروف را منکر خیال کرده، منکر را معروف پندارید؟! پرسیدند: آیا چنین وضعی پیش خواهد آمد ای پیامبر؟! فرمود: آری، و بدتر از آن!»^۱

* * *

«إِذَا شَارَكَتِ النِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التُّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا؛

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۶.

آخرالزمان در آینه روایات

هنگامی که زن‌ها برای طمع دنیا در داد و ستد همسرانشان
شرکت کنند.^۱

* * *

«لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ، وَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ
الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ!»

لعنت خدا بر زنانی که خود را به صورت مرد درمی‌آورند
و مردانی که خود را به صورت زن درمی‌آورند.^۲
«إِذَا تَزَيَّنَّتِ النِّسَاءُ بِثِيَابِ الرِّجَالِ، وَ سَلَبَ عَنْهُنَّ قِنَاعَ الْحَيَاءِ؛
هنگامی که زن‌ها جامهٔ مرد بپوشند و پوشش حیا از آنها
گرفته شود.»^۳

* * *

«سَيَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي رِجَالٌ، يَرْكَبُ نِسَاؤُهُمْ عَلَى سُرُوجٍ
كَأَشْبَاهِ الرِّجَالِ. يَرْكَبُونَ عَلَى الْمَيَاثِرِ حَتَّى يَأْتُوا أَبْوَابَ الْمَسَاجِدِ،
نِسَاؤُهُمْ كَأَسِيَّاتٍ عَارِيَّاتٍ، عَلَى رُؤُسِهِنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْعِجَافِ،
لَا يَجِدْنَ رِيحَ الْجَنَّةِ! فَالْعَنُوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مَلْعُونَاتٌ؛

در آخر امت من مردانی پیدا می‌شوند که زن‌هایشان
همچون مردها بر روی زین‌ها سوار می‌شوند، در آن عصر

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۸.

۲. منتخب الاثر، ص ۲۹۲.

۳. نهج الفصاحة، ج ۲، ص ۴۷۴.

بر فراز تشک‌ها سوار می‌شوند و تا در مساجد می‌روند، زنان‌شان در عین لباس پوشیدن لخت و عور هستند و بر سرشان چیزی همانند کوهان اشتران لاغر است، آنها عطر بهشت را نمی‌شنوند. آنها را لعنت کنید که آنها از رحمت خدا به دور هستند.»^۱

«إِذَا رَكِبَتْ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ، فَعَلَيْنَهُنَّ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ؛ هنگامی که زن‌ها بر زین‌ها سوار شوند، برای چنین زن‌ها از اُمّت من، لعنت خدا باد.»^۲

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَظْهَرَ ثِيَابٌ تَلْبَسُهَا نِسَاءُ كَاسِيَاتٍ عَارِيَاتٍ، وَ تَعْلُو التُّحُوتُ الْوُغُولَ؛

قیامت بر پا نمی‌شود جز هنگامی که لباسی ساخته شود و زن‌ها آن را بپوشند که در عین لباس پوشیدن لخت و عور باشند، و اراذل و اوباش بر مردم شریف و آزاده برتری پیدا کنند.»^۳

۱. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۶۸.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۳.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۲۶.

آخر الزمان در آینه روایات

«يُزَفَعُ الْعِلْمُ، وَ يَظْهَرُ الْجَهْلُ، وَ يُشْرَبُ الْخَمْرُ، وَ يَفْشُو الزُّنَا، وَ يَقِلُّ الرِّجَالُ حَتَّى أَنْ الْخَمْسِينَ امْرَأَةً فِيهِنَّ رَجُلٌ وَاحِدًا؛
علم برداشته می شود، نادانی فراگیر می شود، زنا و مشروب خواری شایع می گردد، شمار مردها اندک می شود، تا جایی که گاهی میان پنجاه زن یک مرد یافت می شود»^۱.

* * *

«... وَ إِذَا رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تُصَانِعُ زَوْجَهَا عَلَى نِكَاحِ الرِّجَالِ! وَ رَأَيْتَ خَيْرَ بَيْتٍ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ!!!؛
هنگامی که ببینی که زن از همسرش مطلع است که او با هم جنس خود رابطه دارد و به روی او نمی آورد، و می بینی که در بهترین خانه ها زن تشویق می شود که فسق و فجور کند!!!»^۲

* * *

«وَ كَانَ الزُّنَا تُمْتَدَّحُ بِهِ النِّسَاءُ، وَ اللَّيْلُ لَا يُسْتَخْفَى بِهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ!؛
زنا دادن به صورت یک فضیلت برای زن بازگو می شود، دیگر منتظر شب نمی شوند که تاریکی آنها را بپوشانند، زیرا جرئت بر خدا به آن حد می رسد!!!»^۳

۱. نهج الفصاحة، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۲۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

«إِذَا رَفَعُوا الْبُنْيَانَ وَ شَاوَرُوا النِّسْوَانَ، وَ يَكْثُرُ الْإِخْتِلَاطُ؛

هنگامی که ساختمان‌ها بلند شود، زن‌ها مورد مشورت قرار بگیرند و اختلاط زن و مرد فراوان شود.»^۱

«إِذَا رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا، وَ تَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَهِي، وَ تُنْفِقُ

عَلَيْهِ مِنْ كَسْبِهَا فَيَرْضَى بِالْذَّنْيِ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ؛

هنگامی که زن را می‌بینی که با خشونت با همسرش رفتار می‌کند، آنچه را که او نمی‌خواهد انجام می‌دهد و از درآمد شخصی خود به شوهرش انفاق می‌کند و شوهرش برای چیزی اندک از متاع دنیا خشنود می‌شود و ناملايمات همسرش را تحمل می‌کند.»^۲

«عِنْدَهَا إِمَارَاتُ النِّسَاءِ، وَ مُشَاوَرَةُ الْإِمَاءِ، وَ قُعُودُ الصَّبِيَّانِ عَلَى

الْمَنَابِرِ، وَ التَّبَاهِي بِاللِّبَاسِ؛

در آن هنگام زن‌ها حکومت می‌کنند، کنیزان مورد مشورت قرار می‌گیرند، کودکان بر فراز منبر نشسته، امر و نهی می‌کنند، و با لباس مباحات می‌شود.»^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۳.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

۳. بشارة الاسلام، ص ۲۵.

آخرالزمان در آینه روایات

آنگاه رسول اکرم (ص) در این باره می‌فرمایند:

«لَنْ يُفْلَحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ!»

قومی که فرمانروایی آنها به دست زن سپرده شود، هرگز روی سعادت نخواهد دید.^۱

* * *

«لَا يُقَدِّسُ اللَّهُ أُمَّةً قَادَتْهُمْ امْرَأَةٌ!»

هرگز مقدس نمی‌شود امتی که آنها را زن رهبری کند.^۲
و اینک زمانی است که رسول اکرم (ص) در مقایسه زمان
ما با زمان رسالت فرموده است:

«شما در زمانی هستید که اگر کسی یک دهم تکالیفش را
انجام ندهد هلاک می‌شود، و به زودی زمانی فرا می‌رسد که
اگر کسی یک دهم وظایفش را انجام بدهد نجات می‌یابد.»

* * *

امیرالمؤمنین، علی (ع)، پیشوای پرهیزکاران نیز مردم
آخرالزمان را آن‌چنان توصیف کرده، که گویی در قرن
بیستم زندگی می‌کند و بر تمام اسرار مردم این عصر واقف
است؛ و اینک فرازهایی از سخنان آن بزرگوار را می‌بینیم:
«وَيَرَى الرَّجُلُ مِنْ زَوْجَتِهِ الْقَبِيحَ فَلَا يَنْهَاهَا، وَلَا يَرُدُّهَا عَنْهُ،

۱. صحیح بخاری، ج ۹، ص ۵۵.

۲. صحیح بخاری، ج ۹، ص ۵۵.

وَيَأْخُذُ مَا تَأْتِي مِنْ كَدِّ فَرْجِهَا وَ مِنْ مُفْسِدِ خِذْرِهَا، حَتَّى لَوْ
تُكِحَتْ طَوُّلاً وَ عَرْضاً لَمْ يَنْهَهَا وَ لَا يَسْتَمِعْ مَا وَقَعَ، فَذَلِكَ هُوَ
الدِّيُوثُ؛

مرد از همسرش انحرافات جنسی را می بیند و اعتراض
نمی کند، از آنچه از طریق خودفروشی به دست آورده
می گیرد و می خورد، اگر انحراف سراسر وجودش را فرا
گیرد اعتراض نمی کند، به آنچه انجام می شود و در حقش
گفته می شود گوش نمی دهد...»^۱

پیشوای پرهیزگاران در همین زمینه می فرمایند:

«مَا يَجِيءُ أَمْرُ اللَّهِ حَتَّى تَكُونُوا أَهْوَنَ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْمَيِّتَةِ!.
أَلَا فَتَوَقَّعُوا مِنْ إِدْبَارِ أُمُورِكُمْ، وَانْقِطَاعِ وَصْلِكُمْ، وَاسْتِعْمَالِ
صِغَارِكُمْ.. ذَلِكَ حِينَ تَكُونُ ضَرْبَةُ السَّيْفِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَهْوَنَ
مِنَ الدَّرْهِمِ مِنْ حِلِّهِ، ذَاكَ حَيْثُ يَكُونُ الْمُعْطَى أَكْثَرَ أَجْراً مِنْ
الْمُعْطَى. ذَاكَ حَيْثُ تَسْكُرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ بَلْ مِنَ النُّعْمَةِ وَ
النَّعِيمِ، وَ تَحْلِفُونَ مِنْ غَيْرِ اضْطِرَارٍ، وَ تَكْذِبُونَ مِنْ غَيْرِ إِحْرَاجٍ.
وَ ذَلِكَ إِذَا عَضَّكُمْ الْبَلَاءُ كَمَا يَعَضُّ الْقَتَبُ غَارِبَ الْبَعِيرِ.. مَا أَطْوَلَ
هَذَا الْعِنَاءَ، وَأَبْعَدَ هَذَا الرَّجَاءَ!؛

امر خدا واقع نمی شود مگر بعد از آنکه شما [مؤمنان]

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۵.

آخرالزمان در آینه روایات

در میان مردمان از مردار هم خوارتر و زبون‌تر باشید. از بازگشت روزگار و قطع ارحام و به کار گرفتن خردسالان، امیدوار فرج باشید. و آن هنگامی است که یک ضربت با شمشیر برای مؤمن از به دست آوردن یک درهم از طریق حلال آسان‌تر باشد و آن هنگامی است که دست گیرنده پاداش، بیش از دست دهنده دارد و آن هنگامی است که شما مست می‌شوید ولی نه از شراب، بلکه از ناز و نعمت، در آن زمان بدون اینکه ناچار باشید سوگند یاد می‌کنید و بدون اینکه ضرورت ایجاب کند دروغ می‌گویید و آن هنگامی است که بلاها بر پشت شما سنگینی کنند، آن چنان که جهاز شتر بر کوهان آن سنگینی می‌کند. آه چه رنج و اندوه طولانی! وه چه امید طول و درازا!»^۱

* * *

امیرمؤمنان (ع) مرکز یاران امام عصر (ع) را در شهر مقدس قم معرفی می‌کنند، آنجا که می‌فرمایند:

«قُمْ يَجْتَمِعُ فِيهَا عِبَادُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ، يَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا وَ شَفَاعَتَهُ لِلْقِيَامَةِ وَ الْحِسَابِ، يَجْرِي عَلَيْهِمُ الْهَمُّ وَ الْغَمُّ وَ الْأَحْزَانُ وَ الْمَكَارَهُ؛

بندگان مؤمن خدا در شهر قم اجتماع می‌کنند و انتظار

۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۶۴.

شفاعت پیامبر اکرم (ص) را در روز قیامت و روز حساب می‌کشند. انبوه غم و اندوه بر آنها سرازیر می‌شود و انواع ناملایمات آنها را فرا می‌گیرد.^۱

«يُصْبِحُ الْأَمْرُ بِالْمَعْرِفِ ذَلِيلًا، وَالْفَاسِقُ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ مَخْمُودًا؛

کسی که امر به معروف کند خوار می‌شود و کسی که مرتکب گناه شود مورد ستایش قرار می‌گیرد.»^۲

«... وَلَا يَزْدَادُ الْأَمْرُ إِلَّا شِدَّةً، وَلَا الدُّنْيَا إِلَّا إِذْبَارًا؛

هر روزی که می‌گذرد اوضاع سخت‌تر می‌شود و دنیا بیشتر پشت کند.»^۳

«لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، يُظَرَّفُ فِيهِ الْفَاجِرُ، وَ يُقَرَّبُ فِيهِ الْمَاجِنُ، وَ يَضَعُفُ فِيهِ الْمُنْصِفُ؛

برای مردم زمانی پیش آید که فاجران مورد احترام قرار گیرند،

۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الآثر، صص ۲۹۳، ۴۲۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۲۵۶، ۲۶۴.

۳. نهج‌الفصاحه، ج ۲، ص ۵۲۸.

آخرالزمان در آینه روایات

و ندیمان (دلک‌ها) مقرب شوند و منصفان زبون گردند.»^۱

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يُقَرَّبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاحِلُ، وَلَا يُظَرَّفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ، وَلَا يُضَعَّفُ إِلَّا الْمُنْصِفُ، يُعْدُونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا، وَصِلَةَ الرَّحِمِ مَنًّا، وَالْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ السُّلْطَانُ بِمَشُورَةِ النِّسَاءِ، وَإِمَارَةُ الصُّبْيَانِ، وَتَذِيرُ الْخُضْيَانِ؛

برای مردم زمانی پیش آید که جز حيله‌گر احترام نشود، به جز آدم فاجر تجلیل نگردد، به جز آدم منصف خوار نشود، تصدق را جریمه پندارند، صله ارحام را با منت انجام دهند و عبادت را برای فخرفروشی به مردم بجا آورند. در چنین زمانی حکومت با مشورت زنان، امارت با کودکان و تدبیر با خواجه‌گان می‌شود.»^۲

امیرمؤمنان(ع) آنگاه شرایط قبل از ظهور را چنین بیان می‌کند:

«قُبِلَتْ شَهَادَةُ الزُّورِ، وَرُدَّتْ شَهَادَةُ الْعَدْلِ، وَاسْتَخَفَّ النَّاسُ

۱. بحارالانوار، ج ۲ ص ۲۶۵.

۲. بشارة الاسلام، صص ۲۵ و ۶۶؛ صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الاثار، ص ۴۳۷.

بِالدِّمَاءِ، وَازْتِكَبَ الزَّنا، وَ أَكَلَ الرِّبَا، وَ اتَّقَى الْأَشْرَارُ مَخَافَةَ
السِّنْتِهِمْ؛

و آن هنگامی است که شهادت دروغ پذیرفته شود و
شهادت عادل رد شود، مردم خون را سبک بشمارند،
زنا رایج شود، رباخواری معمول گردد، و اشرار از ترس
زبانشان مورد احترام باشند.^۱

«عَلَامَةُ ذَلِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ، وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَةَ،
وَ اسْتَحَلُّوا الْكِذْبَ، وَ أَكَلُوا الرِّبَا، وَ أَخَذُوا الرُّشَى، وَ شَيَّدُوا
الْبُنْيَانَ، وَ بَاعُوا الدِّينَ بِالْدُّنْيَا. وَ اسْتَعْمَلُوا الشُّفَهَاءَ، وَ شَاوَرُوا
النِّسَاءَ، وَ قَطَعُوا الْأَرْحَامَ، وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ، وَ اسْتَخَفُّوا بِالْأَمَانَةِ. وَ
ظَهَرَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ، وَ اسْتُعْمِلَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَالْإِثْمِ
وَ الطُّغْيَانِ؛

نشانه، آن هنگامی است که مردم نماز را بمیرانند، امانت
را ضایع گردانند، دروغ را جایز بشمارند، رباخواری
کنند، رشوه بگیرند، بناها را محکم و مرتفع بسازند، دین
را برای دنیا بفروشند، سفيهان را به کار بگیرند، با زنها
مشورت کنند، قطع رحم نمایند، از هوای نفس پیروی

۱. اعلام الوری، ص ۴۳۱؛ کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۲۴؛ صافی گلپایگانی،
لطف الله، منتخب الاثر، ص ۴۲۸.

آخرالزمان در آینه روایات

کنند، خون‌ها را سبک بشمارند، شهادت‌های دروغ آشکار شود، فحشاء معمول گردد، گناه، بهتان و مرزشکنی رایج شود.^۱

«وَتَعَامَلُوا بِالرِّبَا، وَتَظَاهَرُوا بِالزُّنَى... وَاسْتَحَلُّوا الْكَذِبَ، وَاتَّبَعُوا الْهَوَى؛

در معاملات ربا بگیرند، به عمل نامشروع تظاهر کنند، دروغ را جایز بشمارند و از هوای نفس پیروی کنند.»^۲

درست همانند مردم زمان ما!

«إِذَا رَأَيْتَ كُلَّ عَامٍ يَخْذُثُ فِيهِ مِنَ الشَّرِّ وَالْبِدْعَةِ أَكْثَرَ مِمَّا كَانَ؛

و آن هنگامی است که هر سال بیش از سال‌های پیش، بدعت و شرّ احداث گردد.»^۳

«بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ سِنِينَ خَدَاعَةٍ، يُكَذِّبُ فِيهَا الصَّادِقُ، وَ يُصَدِّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ، وَ يُقَرِّبُ فِيهَا الْمَاحِلُ، وَ يَنْطِقُ الرُّوَيْبِضَةُ؛

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۰.

۲. المهدي (ع)، ص ۱۹۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹؛ صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الاثار، ص ۴۳۱.

در آستانه ظهور قائم (عج) سال‌های فریبنده‌ای است. در آن سال‌ها راستگو تکذیب می‌شود و دروغگو تصدیق می‌شود، افراد حيله‌گر مقرب و محترم می‌شوند، و اشخاص پست و فاقد صلاحیت سخنگو می‌گردند.^۱

«إِذَا أَخَذَ الْبَاطِلُ مَا خِذَهُ، وَرَكِبَ الْجَهْلُ مَرَاكِبَهُ، وَهَدَرَ فَنِيْقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُظُومٍ، وَتَأَخَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ، وَتَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ، وَتَحَابُّوا عَلَى الْكَذِبِ، وَتَبَاغَضُوا عَلَى الصُّدْقِ؛ هنگامی که باطل پا برجا شود، جهالت بر سریر قدرت بنشیند، و زنگ باطل پس از یک دوره سکوت به صدا درآید، مردم برای کارهای ناشایست دست برادری به یکدیگر بدهند، در مورد امور دینی از یکدیگر دوری بجویند، برای دروغ دوستی کنند و به جهت راستگویی دشمنی بورزند.»^۲

«إِذَا كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا وَسَلَاطِينُهُ سِبَاعًا، وَأَوْسَاطُهُ أَكْثَالًا، وَفُقَرَاؤُهُ أَمْوَاتًا؛

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۵.
۲. نهج البلاغه صبحی صالحی، ص ۱۵۷؛ صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الاثار، ص ۴۳۷.

آخر الزمان در آینه روایات

اهل آن زمان گرگ، پادشاهان آنها درنده، مردم متوسط آنها خورنده و بی‌نویان آنها چون مردگان افسرده باشند.^۱

«يَسْتَحِلُّ الْفِتْيَانُ الْمَغَانِي وَ شُرْبَ الْخَمْرِ؛

جوانان غنا و مشروبات را حلال می‌شمارند.»^۲

«... وَ يَفْتَحِرُونَ بِشُرْبِ الْخُمُورِ، وَ يَضْرِبُونَ فِي الْمَسَاجِدِ بِالْعِيدَانِ وَ الْمَزَامِيرِ، فَلَا يُنْكِرُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ. أَوْلَادُ الْعُلُوجِ يَكُونُونَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ الْأَكَابِرَ، وَ يَزْعَى الْقَوْمُ سُفَهَاؤُهُمْ؛

به شرب خمر مباحات نموده، در مساجد نی و بربط زنند و کسی به آنها اعتراض نکند، کافرزاده‌ها در آن زمان بزرگ شمرده می‌شوند و سفیهان، زمام قوم را بر عهده بگیرند.»^۳

مسجد اقصی مرکز لهو و لعب شده، کافرزاده‌ها بر سرزمین مقدسی چون فلسطین حکومت می‌کنند، در دیگر مساجد نیز به عناوین مختلف لهو و لعب و موسیقی پخش می‌شود و بدین‌گونه فرمایش امام بزرگوار تحقق یافته است.

«وَرَأَيْتَ السُّلْطَانَ يَخْتَكِرُ الطَّعَامَ؛

۱. بشارة الاسلام، ص ۷۶؛ الزام الناصب، ص ۱۹۵.

۲. الزام الناصب، ص ۱۹۵.

۳. الزام الناصب، ص ۱۸۴.

و می‌بینی که پادشاه، مواد غذایی را احتکار می‌کند.»^۱
امروز در اکثر کشورهای جهان شاهدیم که زمامداران
خرید و فروش گندم و بسیاری دیگر از مواد غذایی را
منحصراً در اختیار خود دارند. به عبارت دیگر معیشت مردم
به ابزار دستی برای قدرتمداری این حاکمان تبدیل گشته
است.

«وَالْفَقِيرُ بَيْنَهُمْ ذَلِيلٌ حَقِيرٌ، وَ الْمُؤْمِنُ ضَعِيفٌ صَغِيرٌ وَ الْعَالِمُ
عِنْدَهُمْ وَضِيعٌ، وَ الْفَاسِقُ عِنْدَهُمْ مُكْرَمٌ، وَ الظَّالِمُ عِنْدَهُمْ مُعَظَّمٌ،
وَ الضَّعِيفُ عِنْدَهُمْ هَالِكٌ، وَ الْقَوِيُّ عِنْدَهُمْ مَالِكٌ؛

آدم مستمند در میان آنها خوار و زبون است، شخص با ایمان
در نزد آنها ضعیف و حقیر است، فرد با فضیلت در چشم
آنها پست و بی‌مقدار است، ولی در مقابل، شخص فاسق
محترم و فرد ستمگر مورد تعظیم و احترام است. ضعیف در
میان آنها پایمال و قوی در نزد آنها صاحب اختیار است.»^۲

«وَ يَبْطُلُ حُدُودُ مَا أُنْزَلَ فِي كِتَابِهِ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ يُقَالُ:

۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الاثار، ص ۴۲۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

۲. الزام الناصب، ص ۱۹۵.

آخر الزمان در آینه روایات

رَأَى فُلَانٌ، وَ زَعَمَ فُلَانٌ، وَ يَتَّخِذُ وَ الْقِيَاسُ، وَ يُنْبِذُ الْآثَارُ،
فَعِنْدَ ذَلِكَ تُشْرَبُ الْخُمُورُ وَ تُسَمَّى بِغَيْرِ اسْمِهَا وَ يُضْرَبُ عَلَيْهَا
بِالْعَرِطَةِ وَ الْكُوبَةِ وَ الْقِينَاتِ وَ الْمَعَارِفِ، وَ تُتَّخَذُ آنِيَّةُ الذَّهَبِ
وَ الْفِضَّةِ؛

در آن زمان حدود و قوانین الهی که بر پیامبرش
محمد (ص) نازل کرده، از بین می‌رود، گفته می‌شود:
فلانی چنین گفته!، رأی فلانی چنین است! تابع آراء
و عقاید دیگران می‌شوند و سنت پیامبر (ص) را ترک
می‌کنند، در آن زمان مشروبات به نام‌های دیگر رایج
می‌شود، در مجالس، شرب، ساز و آواز، نرد و شطرنج،
غنا و موسیقی معمول می‌گردد و ظرف‌های طلا و نقره
رواج می‌یابد.^۱

«دَخَلَ النَّاسُ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا، وَ سَيَخْرُجُونَ مِنْهُ أَفْوَاجًا؛
مردم آن سان که دسته دسته وارد اسلام شده‌اند، دسته
دسته از دین خدا خارج می‌شوند.»^۲

«تُزَوَّجُ الْامْرَأَةُ بِالْامْرَأَةِ، وَ تُزَفُّ كَمَا تُزَفُّ الْعُرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا؛

۱. بشارة الاسلام، صص ۲۷ و ۷۶.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۰۸.

زن با زن دیگر می آمیزد و همانند عروس که برای داماد آرایش می کند برای یکدیگر آرایش می کنند.»^۱

«تَكُونُ النِّسْوَةُ كاشِفَاتٍ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ، مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٍ، وَإِلَى الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ، وَإِلَى الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَّاتِ مُسْرِعَاتٍ، لِلْمَحْرَمَاتِ مُسْتَحِلَّاتٍ، وَفِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ؛

زن ها لخت و عور هستند، زینت های خود را آشکار می سازند، از دین بیرون می روند، به فتنه ها می گرایند، به سوی شهوت ها و لذت ها می شتابند، محرمات الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاویدانند.»^۲

«... وَ ذَٰلِكَ إِذَا تَسَلَّطَتِ النِّسَاءُ، وَ سَلَطْنَ الْأُمَاءُ، وَ أُمِّرَتِ الصُّبَيَّانُ؛

و آن هنگامی است که زن ها مسلط شوند، کنیزان تسلط پیدا کنند و کودکان حکومت کنند.»^۳

«إِذَا غَلَبَتِ النِّسَاءُ عَلَى الْمُلْكِ، وَ غَلَبْنَ كُلَّ أَمْرٍ، فَلَا يُؤْتَى إِلَّا

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۵.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۲۶.

۳. بشارة الاسلام، صص ۴۱، ۴۴، ۷۶.

آخرالزمان در آینه روایات

ما لَهُنَّ فِيهِ هَوًى؛

هنگامی که زن‌ها بر تخت سلطنت چیره شوند، و بر هر مردی چیره باشند و جز خواسته آنها عملی نگردد.^۱

«فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِمْ فِتْنٌ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا؛

هنگامی که این اوصاف تحقق پذیرد، فتنه‌هایی برای آنها روی می‌آورد که تاب مقاومت ندارند.^۲

و اینک نزدیک نیم قرن است که این فتنه‌ها به دنیا روی آورده، دیگر مردم دنیا خواب آرامی ندارند. در گوشه گوشه جهان آشوب‌ها و فتنه‌ها بیداد می‌کنند، به هر کجا که نگاه می‌کنیم جنگ و ویرانی به چشم می‌خورد. فلسطین اشغالی و جنوب لبنان توسط دشمن صهیونیستی هر روز با خون شهیدانش سرخ‌گون می‌گردد.

«إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ، يَعْلَمُ ذَلِكَ وَ يُقِيمُ عَلَيْهِ! بَلْ يَكْرِى امْرَأَتَهُ وَ خَادِمَتَهُ وَ جَارِيَتَهُ، وَ يَرْضَى بِالذَّنَى مِنْ طَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ وَ مَلَذَاتِهِ؛

هنگامی که زن از راه نامشروع پول به دست آورد و مرد

۱. بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۵۹.

۲. بشارة الاسلام، ص ۷۸.

از درآمد او بخوردا!، وضع نامطلوب او را بداند و با او زندگی نکند!، زن و کنیز و دخترش را به کرایه بدهد و به لذا ید پست دنیا راضی شود!»^۱

شرم‌آور است که اذعان داریم نمونه‌های آن در عصر ما تحقق یافته است، آن هم نه در میان خانواده‌های فقیر که برای تأمین زندگی باشد، بلکه حتّی در میان طبقه حاکم در برخی از کشورها، که ما فوق قانون هستند و قانون به کلبه‌های آنها راه ندارند!

«وَّ يُعَيِّرُ الرَّجُلُ عَلَى صَوْنِ النِّسَاءِ!»

مرد را برای پوشیده نگه داشتن همسرش سرزنش می‌کنند.»^۲

«يُنْفِقُ الرَّجَالُ مِنْ مَالِهِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ، فَلَا يُنْهَى وَلَا يُؤْخَذُ عَلَيْهِ، وَ يَمْنَعُ الْيَسِيرَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»

مرد اموال فراوانی در راه‌های غیر مشروع خرج می‌کند و کسی به او اعتراض نمی‌کند، ولی از خرج پولی کم، در

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۳۳.

راه خدا باز داشته می شود.^۱

* * *

امیرمؤمنان (ع) که بهتر از همه، مردم آخر الزمان را شناخته است در توصیف آنان چنین می فرماید:

«لَقَدْ خَالَطَ الشَّيْطَانُ أَبْدَانَهُمْ... وَ وَلَجَ فِي دِمَائِهِمْ! وَ يُوسِسُ لَهُمْ بِالْإِفْكِ حَتَّى تَرْكَبَ الْفِتْنُ الْأَمْصَارَ، وَ يَقُولَ الْمُؤْمِنُ الْمُسْكِينُ الْمُحِبُّ لَنَا: إِنِّي مِنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ! وَ خَيْرُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ مَنْ يَلْزِمُ نَفْسَهُ، وَ يَخْتَفِي فِي بَيْتِهِ عَنِ مُخَالَطَةِ النَّاسِ؛

شیطان در نسوج بدنشان شرکت جسته، با خونشان آمیخته، همراه خون در شریان هایشان حرکت می کند، همواره آنها را به تهمت و افترا تشویق می کند، تا فتنه ها افق شهرها را فراگیرد، مؤمن بینوایی که دوستدار ما باشد می گوید: من از مستضعفان هستم و بهترین مردم در آن روزگار کسی است که مواظب خود باشد و در خانه خود، خویشان را از معاشرت مردم باز دارد.^۲

* * *

حال می رسیم به حضرت باقرالعلوم (ع) و نقل روایاتی در مورد آخر الزمان از زبان مبارک ایشان. امام باقر (ع)

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

۲. الزام الناصب، ص ۱۹۷.

چهل حدیث

می فرمایند:

«لَا يَخْرُجُ إِلَّا إِذَا عَضَّ الزَّمَانُ وَ جَفَا الْإِخْوَانُ، وَ ظَلَمَ السُّلْطَانُ؛

او [مهدی] ظاهر نمی شود مگر پس از آنکه زمانه سخت دشوار باشد، برادران ستم کنند و زمامداران، ستمگری پیشه سازند.»^۱

«أَنْتَى يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَعَضَّ الزَّمَانُ؟. أَنْتَى يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَجْفُ الْإِخْوَانُ؟. أَنْتَى يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَظْلِمِ السُّلْطَانُ؟!»

چگونه ممکن است [مهدی] هم اکنون ظاهر شود در حالی که هنوز زمانه سخت نشده (کارد به استخوان نرسیده)، برادران ستم نکرده اند و سلاطین ستمگری پیشه نساخته اند.»^۲

«إِذَا ظَهَرَتْ بَيْعَةُ الصَّبِيِّ قَامَ كُلُّ ذِي صِنِصِيَةٍ بِصِنِصِيَتِهِ؛
هنگامی که بیعت کودک آشکار شود هر مسلحی اسلحه به دست می گیرد.»^۳

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۸۰.

۲. صافی گلیایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۴۴۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴؛ بشارة الاسلام، ص ۸۷.

آخر الزمان در آینه روایات

«إِذَا أَصْبَحَ الْمُؤْمِنُ ذَلِيلًا، وَ الْمُنَافِقُ عَزِيزًا، وَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ أَذَلَّ مِنَ الْأَمَّةِ؛

هنگامی که مؤمن تحقیر شود و منافق عزیز باشد و فرد با ایمان از کنیز هم زبون تر گردد».^۱

«لَا يَخْرُجُ إِلَّا بَعْدَ فِتْنَةٍ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الْمَحَارِمُ كُلُّهَا!». ثُمَّ تَأْتِيهِ الْخِلَافَةُ وَ هُوَ قَاعِدٌ فِي بَيْتِهِ وَ هُوَ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ؛

او [مهدی] ظاهر نمی شود جز بعد از فتنه‌ای که همه محارم الهی جایز شمرده شود، آنگاه خلافت به سوی او می‌شتابد هنگامی که او در خانه‌اش (مسجد الاحرام) نشسته باشد و او بهترین اهل زمین است».^۲

روایتی نیز از امام باقر (ع) به این تعبیر نقل شده است:

«يُصْبِحُ أَحَدُهُمْ وَ هُوَ يُرَى أَنَّهُ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَ يُمَسِّي وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا. وَ يُمَسِّي عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا، وَ يُصْبِحُ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا؛

یکی از شما صبح می‌کند در حالی که پیرو راه و آیین ما دیده می‌شود، و شب می‌کند در حالی که از آیین ما

۱. بحار الانوار، ج ۵۲؛ ص ۲۵۷؛ الزام الناصب، ص ۱۸۱.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۳۳.

بیرون رفته است. یا اوّل شب در آیین ما است و صبح از آن خارج می شود.»^۱

«لَا يَكُونُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَ حَتَّى تَكُونُوا كَالْمَعْرِ الْمَوَاهِ الَّتِي لَا يُبَالِي الْخَاسِسُ أَيْنَ يَضَعُ يَدَهُ مِنْهَا! لَيْسَ لَكُمْ شَرَفٌ تُشْرَفُونَهُ، وَلَا سَنَدٌ تُسْنِدُونَ إِلَيْهِ أَمْرَكُمْ؛

آن فرجی که شما انتظار می کشید واقع نمی شود، مگر بعد از آنکه شما چون بز ذبح شده باشید که دیگر قصاب اعتنایی نمی کند که دست به کدام عضو آن بزند! آری ستمگران شما را ارجی نمی نهند و شما پناهگاهی پیدا نمی کنید که امر خود را به او مستند سازید.»^۲

در ادامه بحث درباره مردمان آخر الزمان، به نقل از روایاتی از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) می پردازیم.
یکبار در حضور امام باقر(ع) یکی از اصحاب در صدد اقناع دیگری برآمد، و برای اقناع او سخنان امام را تأویل و توجیه کرد تا بلکه آن سخنان را بپذیرد. امام(ع) خشمگین شدند و فرمودند:

۱. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ص ۲۰۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۱.

۲. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۷۴.

آخرالزمان در آینه روایات

«إِنَّ حَدِيثَكُمْ هَذَا لَتَشْمِئُ مِنْهُ الْقُلُوبُ، قُلُوبُ الرِّجَالِ. فَانْبُذُوا إِلَيْهِمْ نَبْذاً فَمَنْ أَقْرَبَ بِهِ فَزِيدُوهُ، وَمَنْ أَنْكَرَهُ فَذَرُوهُ! لَا بُدَّ أَنْ تَكُونَ فِتْنَةٌ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَةِ حَتَّى يَسْقُطَ فِيهَا مَنْ يَشُقُّ الشَّعْرَةَ بِشَعْرَتَيْنِ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا نَحْنُ وَشِيعَتُنَا؛

این سخنان شما قلب‌ها را مشمئز می‌کند، دل مردمان از این حرف‌ها تنگ می‌شود، شما متن گفتار ما را به آنها القاء کنید، هر کس آنها را بپذیرد برای او بیشتر نقل کنید و هر کس ردّ کند او را ترک کنید. به ناچار فتنه‌ای به پا خواهد شد که هر گونه دوستی و خویشی از بین خواهد رفت در آن فتنه بزرگ همه سقوط می‌کنند، حتی آدم حاذقی که بتواند یک تار مو را به دو نیم تقسیم کند در آن امتحان الهی رفوزه می‌شود، جز ما و شیعیان خالص ما کسی نمی‌ماند.»^۱

از امام باقر(ع) و از جناب محمد حنفیه (پسر گرامی امیر مؤمنان(ع) به تعبیر زیر نقل شده است:

«وَإِذَا رَأَيْتَ الْحَاجَةَ وَالْفَاقَةَ قَدْ كَثُرَتَا، وَأَنْكَرَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً، فَصَارَ الرَّجُلُ يَأْتِي أَخَاهُ فَيَسْأَلُهُ الْحَاجَةَ، فَيَنْظُرُ إِلَيْهِ بِغَيْرِ الْوَجْهِ الَّذِي كَانَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَ يُكَلِّمُهُ بِغَيْرِ اللِّسَانِ الَّذِي كَانَ يُكَلِّمُهُ بِهِ،

۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۷۵.

فَانتَظِرُوا أَمْرَ اللَّهِ؛

هنگامی که نیازها فراوان شود، مردم همدیگر را شناسند، انسان برای استمداد به برادرش مراجعه کند، ولی برادرش به غیر آنچه همواره نگاه می کرد به او نگاه کند، و به جز آنچه همواره با او سخن می گفت، با وی سخن بگوید، در چنین زمانی منتظر فرج ما باشید.»^۱

* * *

حضرت امام جعفر صادق (ع) مؤسس شیعه جعفری نیز روایات جالب و زیبایی در توصیف آخرالزمان دارند که در اینجا به آنها می پردازیم. ایشان می فرمایند:

«بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، يُضْبِحُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مُؤْمِنًا وَ يُنْمَسِي كَافِرًا، وَ يُنْمَسِي مُؤْمِنًا وَ يُضْبِحُ كَافِرًا. يَبِيعُ أَقْوَامٌ دِينَهُمْ بِعَرَضِ الدُّنْيَا؛

در پیش قدم ظهور، فتنه هایی چون تیرگی های شب، فرو ریزد، انسان اوّل صبح مؤمن است و آخر روز ایمانش را از دست می دهد، اوّل شب مؤمن است و تا پایان شب ایمانش از او گرفته می شود. اقوامی از مردم دین خود را به چیزی اندک از متاع زود گذر دنیا می فروشند.»^۲

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۵۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۰.

۲. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۰۵.

آخرالزمان در آینه روایات

«إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَخْلَاسَ بَيُوتِكُمْ حَتَّى يَظْهَرَ الطَّاهِرُ بْنُ الْمُطَهَّرِ، ذُو الْغَيْبَةِ الشَّرِيدُ الطَّرِيدُ. إِنَّ الْفِتْنَةَ عَلَى مَنْ أَثَارَهَا. إِنَّهُمْ لَا يُرِيدُونَكُمْ بِحَاجَةٍ إِلَّا أَتَاهُمُ اللَّهُ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِشَاغِلٍ لِأَمْرِ يَغْرِضُ لَهُمْ؛

هنگامی که چنین زمانی فرا رسد، گلیم خانه خود باشید تا خداوند امام غایب، غریب و فراری را که پاکیزه و پسر پاکیزه است، ظاهر سازد. هر کس فتنه‌ای به پا کند، خود گرفتار همان فتنه گردد. هر وقت برای هدفی شما را مورد هجوم قرار دهند خداوند برای آنها حادثه‌ای پدید آورد که سرشان آنجا گرم شود و از شما بازمانند.»^۱

پیشوای ششم شیعیان در حدیث دیگری می‌فرمایند:
«كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ الزَّمُوا بَيُوتَكُمْ، فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُكُمْ أَمْرٌ تُخْصُونَ بِهِ أَبَدًا؛

زبان‌های خود را رعایت کنید، از خانه‌های خود بیرون نروید که هرگز حادثه‌ای برای شما پیش نمی‌آید که اختصاص به شما داشته باشد.»^۲

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۰۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹.

«يَخْرُجُ بَعْدَ أَيَّاسٍ، وَ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ: لَا مَهْدِيَّ!»
او هنگامی ظهور می کند که مردم دیگر نومید شوند و
بگویند: مهدی نیست!!»^۱

* * *

«يَخْرُجُ حِينَ تَغْيُرِ الْبِلَادَ، وَ ضَعْفِ الْعِبَادِ، وَ حِينَ الْيَأْسِ مِنَ
الْفَرَجِ؛

او به هنگام دگرگونی شهرها، زبونی بندگان و به هنگام
نومیدی مردم از فرج، ظاهر می شود.»^۲
همه جا دگرگون شده، بندگان خدا خوار و زبون گشته،
کابوس یأس و نومیدی بر دل های بسیاری از مردمان
سنگینی می کند.

* * *

«يُؤْذِي الْجَارُ جَارَهُ، لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ؛
همسایه به همسایه اش آزار و اذیت می کند و کسی
جلوگیری نمی کند.»^۳

* * *

«وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ؛

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲؛ الملاحم و الفتن، ص ۵۰.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۷۸.

۳. بشارة الاسلام، ص ۱۳۲، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۳.

آخر الزمان در آینه روایات

همسایه را می بینی که همسایه اش را اذیت می کند و
همسایه از زبان او وحشت دارد»^۱.

«تَقْسُو الْقُلُوبُ، وَ تَمْتَلِي الْأَرْضُ جَوْرًا، وَ يَكْثُرُ الْقَتْلُ حَتَّى
تَحْزَنَ ذَوَاتُ الْأَوْلَادِ، وَ تَفْرَحَ الْعَوَاقِرُ فَيَبْنِي يَدَى خُرُوجِهِ بُلُوى
أَيُّ بُلُوى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى الْبَاطِلِ، وَ هُوَ اِنْتِقَامٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى؛

دل ها را قساوت می گیرد، زمین پُر از ستم می شود، کشتار
به قدری فراوان می شود که مادران از آوردن اولاد غمگین
می شوند و زنان عقیم از نازایی خود خوشحال می گردند.
در آستانه ظهور او فتنه سختی است که برای اهل باطل
امتحان بزرگ و انتقام خداوندی است»^۲.

«إِذَا رَأَيْتَ الشَّرَّ ظَاهِرًا لَا يُنْهَى عَنْهُ وَ يُعْذَرُ صَاحِبُهُ، وَ رَأَيْتَ
الْفَاسِقَ قَدْ ظَهَرَ، وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ صَامِتًا لَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ، وَ رَأَيْتَ
الْفَاسِقَ يَكْذِبُ وَ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ وَ فِرْيَتُهُ؛

هنگامی که بینی که شرّ آشکار گشته، کسی از آن باز نمی
دارد، و مردم برای یکدیگر عذر می تراشند. و بینی که
مؤمن به سکوت گرویده، سخنش پذیرفته نمی شود، اما

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۳۸۴؛ بشاره الاسلام، ص ۱۳۳.

فاسق دروغ و تهمت را به هم آمیخته و کسی اعتراض نمی کند.»^۱

«يَكُونُ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ، وَ يَصِيرُ الْمُؤْمِنُ ضَعِيفاً وَ الْمُنَافِقُ عَزِيزاً، وَ الْفَقِيرُ حَقِيرًا، وَ الْعَالِمُ وَضِعاً، وَ الْفَاسِقُ مُكْرَماً، وَ الظَّالِمُ مُعَظَماً؛

ثروتمند از مؤمن گرامی تر می شود، مؤمن زبون، منافق عزیز، فقیر پست، دانشمند بی مقدار، فاسق محترم و ستمگر پُر ارج می شود.»^۲

«إِذَا صَارَ لِأَهْلِ الزَّمَانِ وَجُوهٌ جَمِيلَةٌ وَ ضَمَائِرُ رَدِئَةٌ، فَمَنْ رَأَاهُمْ أَعْجَبُوهُ، وَ مَنْ عَامَلَهُمْ ظَلَمُوهُ؛

مردم آن زمان ظاهری زیبا و آراسته و باطنی پست و پوسیده دارند، هر کس آنها را ببیند دچار شگفتی می شود، ولی چون با آنها معاشرت کند مورد ستم قرار می گیرد.»^۳

«إِذَا رَأَيْتَ السَّكَرَانَ يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ، وَ لَا يُشَانُ بِالسُّكْرِ. وَ إِذَا

۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۴۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۴؛ بشارة الاسلام، صص ۷۶، ۱۳۲.

۳. بشارة الاسلام، ص ۷۵؛ الزام الناصب، ص ۱۹۴.

آخر الزمان در آینه روایات

سَكِرَ الْإِنْسَانُ أَكْرَمَ وَاتَّقَى وَخِيفَ شَرُّهُ، وَتُرِكَ لَا يُعَاقَبُ، وَ يُعْذَرُ لِشُكْرِهِ؛

هنگامی که بینی آدم مست برای مردم نماز می گذارد و کسی به مستی او اعتراض نمی کند و آن را عیب نمی شمارد، چون مست شود مردم او را احترام کنند، از شر او هراسناک باشند ولی او را ترک کنند و به سبب مست بودنش او را معذور بدانند.^۱

* * *

«وَرَأَيْتَ الْخَمْرُ يُتَدَاوَى بِهَا وَ تُوصَفُ لِلْمَرِيضِ، وَ يُسْتَشْفَى بِهَا؛ خمر جنبه دارویی پیدا می کند؛ برای بیماران توصیه می شود و بیماران به قصد شفا و بهبودی به آن اقدام می کنند.»^۲

* * *

«وَالْخُمُورُ تُشْرَبُ عَلَانِيَةً، وَ يَجْتَمِعُ عَلَيْهَا مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ، وَ يُدْعَى إِلَيْهَا؛

و می بینی که مشروب را به طور علنی می خورند، افرادی که از خدا تقوا نمی کنند بر گرد آن اجتماع می کنند و دوستانشان را برای شرب خمر دعوت می کنند.»^۳

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۴؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۰.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۴؛ بشارة الاسلام، صص ۱۳۴، ۲۵۹.

۳. بشارة الاسلام، ص ۲۵.

«وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُمَسِّي نَشْوَانَ، وَ يُصْبِحُ سَكَرَانَ، وَ لَا يَهْتَمُّ بِمَا النَّاسُ فِيهِ؛

مردم آن زمان را می بینی که در حال نشسته شب می کنند و در حال مستی صبح می کنند، و دیگر اهمیتی نمی دهند که دیگران چه حالی دارند.»^۱

* * *

«يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رَأَيْتَ النَّاطِرَ يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِمَّا يَرَى الْمُؤْمِنَ فِيهِ مِنَ الْاجْتِهَادِ، وَ رَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحاً لِمَا يَرَى فِي الْمُؤْمِنِ، مَرِحاً لِمَا يَرَى فِي الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَادِ، وَ رَأَيْتَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلاً؛

و آن هنگامی خواهد بود که بیننده چون مؤمن را ببیند که چگونه به زحمت و مشقت افتاده، به خدا پناه می برد، چون کافران وضع تأسف بار مؤمنان را ببینند شادمان شوند، و از مشاهده فساد و تباهی جهان در پوست نمی گنجند، و می بینی که امر به معروف کننده ذلیل و زبونست.»^۲

* * *

«... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَ لَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، مِنْ فُجُورٍ، أَوْ بَخْسٍ مِثْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ، أَوْ غَشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكِرٍ، كَثِيباً حَزِيناً، يَخْسِبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ ضِيعَةٌ

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۳؛ صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۳۲؛ الزام الناصب، ص ۱۸۳.

مِنْ عُمرِهِ؛

هنگامی که ببینی که اگر مردی یک روز گناه بزرگی انجام نداده باشد، از قبیل: فحشاء، کم فروشی، کلاهبرداری و شرب خمر، بسیار غمگین و اندوهگین می شود که گویی آن روز عمرش تباه شده است.^۱

* * *

«وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ بَخْسِ الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ؛
و می بینی که زندگی مرد از کم فروشی و تقلب تأمین می شود.»^۲

* * *

از بدشانسی ماست که در عصر ما در میان هر گروه از طبقات مختلف تجار و کسبه تعداد بسیار زیادی یافت می شود از کسانی که پایه زندگی شان بر تقلب و حقه و خیانت استوار است و زندگی شان از این راه تأمین می شود؟!.

و امام صادق (ع) در ضمن روایت مفصل تری می فرمایند:
«... وَرَأَيْتَ الْفَاسِقَ قَدْ ظَهَرَ وَاکْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ، وَالنِّسَاءُ
بِالنِّسَاءِ. وَرَأَيْتَ الرِّجَالَ يَتَسَمَّنُونَ لِلرِّجَالِ، وَالنِّسَاءُ، وَرَأَيْتَ
الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ دُبُرِهِ، وَ مَعِيشَةُ الْمَرْأَةِ مِنْ فَرْجِهَا... وَ أَغْطَوْا

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۱.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

الرُّجَالُ الْأَمْوَالُ عَلَى فُرُوجِهِمْ، وَ تُتَوَفَّسَ فِي الرَّجُلِ، وَ تَغَايَرَ عَلَيْهِ الرُّجَالُ... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُعَيِّرُ عَلَى إِثْيَانِ النِّسَاءِ... وَ رَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ، وَ اسْتُخِفَّ بِالْوَالِدَيْنِ وَ كَانَا مِنْ أَسْوَأِ النَّاسِ حَالاً عِنْدَ الْوَلَدِ... وَ رَأَيْتَ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ، فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ، وَ اطْلُبْ إِلَى اللَّهِ النَّجَاةَ، وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي سُخْطِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ إِنَّمَا يُنْهَلُهُمْ لِأَمْرِ يُرَادُ بِهِمْ فَكُنْ مُتَرَقِّباً وَاجْتَهِدْ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي خِلَافٍ مَا هُمْ عَلَيْهِ؛

و می بینی که گناهان علنی شده، مردان به مردان بسنده کرده، زنان با زنان در آمیخته، مردان برای مردها آرایش کرده، زنان برای زن ها خود را آراسته، زندگی مرد از خودش تأمین می شود، زن نیز از خودفروشی تأمین معاش می کند، مردان اموال فراوانی در راه تأمین مسائل جنسی می پردازند، برای مرد نیز چون یک همسر غیرت و حسادت مبذول می شود، مرد برای آمیزش با جنس مخالف سرزنش می شود، عاق والدین شدن علنی شده، پدر و مادر در پیش فرزند خوار شمرده می شوند و از دیدگاه فرزند پست تر از هر فرد دیگر به شمار می آیند... و می بینی که نشانه های حق پوسیده شده است، در چنین زمانی از خشم خدا بر حذر باش و از خدای تبارک و تعالی نجات طلب، و بدان که مردم مورد خشم و غضب

آخر الزمان در آینه روایات

پروردگار هستند و خداوند برای جهاتی به آنها مهلت می‌دهد، منتظر باش و تلاش کن که خداوند تو را در وضعی بر خلاف وضع آنها ببیند.^۱

و چقدر کم‌اند آنها که منتظر و علاقه‌مند نجات و رستگاری‌اند!

* * *

«وَالسُّلْطَانُ يُذِلُّ الْمُؤْمِنَ لِلْكَافِرِ؛

پادشاهان، شخص با ایمان را به کافر خوار سازند».^۲

* * *

«اِحْتِكَارُ السُّلْطَانِ لِلطَّعَامِ، وَ بَخْسُ الْمِكْيَالِ وَ الْمِيزَانِ وَالْغَشُّ، وَ شُيُوعُ الْمُسْكِرَاتِ، وَ شِرَاءُ الْخُمُورِ فِي الْأَشْوَاقِ؛

پادشاهان موادّ غذایی را احتکار می‌کنند، کم فروشی، تقلّب و تزویر رایج می‌شود، مشروبات شیوع پیدا می‌کند و در بازارها علنی فروخته می‌شود».^۳

* * *

امام صادق(ع) همچنین در ضمن یک حدیث طولانی اهل آخر الزمان را توصیف می‌کنند که فرازهایی را از آن در

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۲۵۶ - ۳۰۰.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲؛ ص ۲۵۶؛ بشارة الاسلام، ص ۱۳۳.

زیر می آوریم:

«... وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ قُوِيًّا مَخْمُودًا... وَ رَأَيْتَ سَبِيلَ الْخَيْرِ مُنْقَطِعًا، وَ سَبِيلَ الشَّرِّ مَنْشُوكًا... وَ كَانَ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ، وَ كَانَ الرَّبَا ظَاهِرًا لَا يُغَيَّرُ... وَ رَأَيْتَ الْقَمَارَ قَدْ ظَهَرَ، وَ رَأَيْتَ الشَّرَابَ يُبَاعُ ظَاهِرًا لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ... وَ رَأَيْتَ الشَّرِيفَ يَسْتَذِلُّهُ الَّذِي يَخَافُ سُلْطَانَهُ... وَ رَأَيْتَ الْهَزَجَ قَدْ كَثُرَ... وَ رَأَيْتَ النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ... وَ رَأَيْتَ الْآيَاتِ فِي السَّمَاءِ لَا يَفْزَعُ لَهَا أَحَدٌ... وَ رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ تَرَكَ التَّدِينِ... وَ رَأَيْتَ الْقُضَاةَ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ!»

فاسق را می بینی که در نافرمانی خداوند کوشاست،
راه های خیر را می بینی که از رهروان خالی است،
راه های ناشایست را می بینی که پُر رهرو است، پولداران
را می بینی که از مؤمن گرامی ترند، رباخواری را می بینی
که علنی هست و اعتراض نمی شود، قمار را می بینی که
علنی شده، شراب را می بینی که به صورت علنی عرضه
می شود و کسی جلوگیری نمی کند، مردان با فضیلت و
با شخصیت را می بینی که افراد پست از ترس نفوذ کلمه
آنها، در تحقیر آنها می کوشند، می بینی که هرج و مرج
فراوان شده، مردم را می بینی که تابع قدرت شده اند،

آخر الزمان در آینه روایات

نشانه‌های آسمانی را می‌بینی که ظاهر می‌شود ولی در دل مردم اثر نمی‌گذارد، ترک امر به معروف و نهی از منکر و ترک احکام دین را می‌بینی که در میان مردم همگانی شده است، و می‌بینی که قاضی‌ها بر خلاف حکم خدا داوری می‌کنند.»^۱

* * *

و باز هم امام صادق(ع) در روایات دیگری درباره نشانه‌های ظهور امام زمان(ع) می‌فرمایند:
«لَا يَخْرُجُ حَتَّى تَعْمُرَ السَّبَاحُ، وَ تَتَنَكَرَ الْمَعَارِفُ؛
او [مهدی] هنگامی ظاهر می‌شود که زمین‌های بایر آباد شود و کارهای خیر ناشناخته گردد.»^۲

* * *

«إِذَا رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ!!!؛
هنگامی که زن‌ها را ببینی که خود را در اختیار کافران می‌گذارند!!!»^۳

«... تُصْبِحُ طَهْرَانُ قُصُورُهَا كَقُصُورِ الْجَنَّةِ، وَ نِسْوَانُهَا كَالْحُورِ الْغَيْنِ، يَتَلَبَّسْنَ بِلباسِ الْكُفَّارِ، وَ يَتَزَيَّيْنَ بِزِيِّ الْجَبَابِرَةِ. يَرْكَبْنَ

۱. بشارة الاسلام، صص ۴۳، ۴۴، ۱۳۱؛ منتخب الاثر، ص ۴۲۸.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۲۲۸، ۲۵۸.

۳. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۶۱.

السُّرُوجِ، وَلَا يَتَمَكَّنُ لِأَزْوَاجِهِنَّ! وَلَا تَكْفِي مَكَاسِبُ الْأَزْوَاجِ لَهُنَّ! فِرُّوا مِنْهَا إِلَى قُلَّةِ الْجِبَالِ وَمِنَ الْجُحْرِ إِلَى الْجُحْرِ كَالثَّغْلِبِ بِأَشْبَالِهِ!!!»

تهران به حدی می‌رسد که کاخ‌هایش چون کاخ‌های بهشتی شود و زنانش چون حورالعین باشند، جامه کافران را بپوشند، خود را به شکل مستکبران درآورند، بر زین‌ها سوار شوند، به همسران خود تمکین نکنند، و درآمد شوهرانشان آنها را کفاف ندهد! از آنها به قله کوه‌ها فرار کنید، و همانند روباهی که بچه‌های خود را برداشته، از پناهگاهی به پناهگاهی بگریزید!!»^۱

* * *

پیشوای ششم شیعیان (ع) در این مورد می‌فرمایند:

«يَا لَهَا مِنْ طَامَّةٍ إِذَا حَكَمَتْ فِي الدَّوْلَةِ الْخِضْيَانُ وَالنَّسْوَانُ وَالسُّودَانُ، وَأَخَذَتْ الْأَمَارَةَ الشُّبَّانُ وَالصِّبْيَانُ!، وَخَرِبَ جَامِعُ الْكُوفَةِ مِنَ الْعُمَرَانِ، وَانْعَقَدَ الْجِسْرَانُ فَذَلِكَ الْوَقْتُ زَوَالُ مُلْكِ بَنِي الْعَبَّاسِ، وَظُهُورُ قَائِمِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ؛

چه حوادث جانکاهی روی خواهد داد، هنگامی که زنان، خواجهگان و سیاهان به حکومت برسند، کودکان و نوجوانان حکومت کنند، مسجد کوفه پس از عمران

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

آخرالزمان در آینه روایات

و آبادانی خراب شود و دو عدد پل (در بغداد) احداث گردد، در آن هنگام وقت سقوط بنی عباس و ظهور قائم ما اهل بیت فرا می رسد.^۱

امام صادق (ع) در روایاتی در مورد قم فرمودند:

«إِنَّمَا سُمِيتَ قُمْ هَكَذَا لِأَنَّ أَهْلَهَا يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَى نُصْرَتِهِ؛

قم، به این جهت «قم» نامیده شده که اهل آن در محضر قائم آل محمد (عج) گرد می آیند و با او قیام می کنند و از یاری او منحرف نمی شوند.»^۲

«فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهَا قَائِمِينَ مَقَامَ الْحَجَّةِ؛

خدای تبارک و تعالی قم و اهل قم را قائم مقام حجّت قرار می دهد.»^۳

یعنی: مراجع عالی قدر تقلید، که آنها حاملان مذهب و راویان اخبار آل محمد (ص) هستند و حضرت ولی عصر (عج) آنها را به طور عموم جانشین خود قرار داده است.

۱. الزام الناصب، ص ۱۷۸.

۲. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۵۸.

۳. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۵۸.

و نیز ایشان یک بار دیگر از قم سخن گفتند و چنین فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ اِحْتَجَّ بِالْكُوفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ. وَ اِحْتَجَّ بِبَلَدَةِ قُمْ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ، وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى سَائِرِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ. وَ لَمْ يَدَعْ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهَا مُسْتَضْعَفِينَ، بَلْ وَفَّقَهُمْ وَ أَيْدَهُمْ... إِنَّ الدِّينَ وَ أَهْلَهُ بِقُمْ ذَلِيلٌ، وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَأَسْرَعَ النَّاسُ إِلَيْهَا فَخَرِبَتْ قُمْ وَ خَرِبَ أَهْلُهَا فَلَمْ تَكُنْ حُجَّةً عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ. وَ إِذَا كَانَ ذَلِكَ لَمْ تَسْتَقِرَّ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ لَمْ يُنْظَرُوا. إِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قُمْ وَ أَهْلِهَا. وَ سَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدَةُ قُمْ وَ أَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ، وَ ذَلِكَ فِي زَمَنِ غَيْبَةِ قَائِمِنَا إِلَى ظُهُورِهِ، وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا.. إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قُمْ وَ أَهْلِهَا، وَ مَا يَقْضُهَا جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ، وَ شَغَلَهُ عَنْهُمْ بِدَاهِيَّةٌ أَوْ بِمُصِيبَةٍ أَوْ عَذَابٍ. وَ يُنْسَى اللَّهُ الْجَبَّارِينَ مِنْ دَوْلَتِهِمْ ذَكَرَ قُمْ وَ أَهْلِهَا كَمَا نَسُوا ذِكْرَ اللَّهِ؛

خدا به وسیله کوفه بر همه شهرها احتجاج نمود^۱ و با مؤمنین از اهل آن بر اهل دیگر شهرها؛ و به وسیله «قم» بر همه شهرهای جهان و با مؤمنان از اهل آن، بر همه مردم

۱. لفظ کوفه شامل نجف اشرف نیز هست و این احتجاج به مراجع تقلید نجف اشرف است.

شرق و غرب از جنّ و انس.

خدا هرگز قم و اهل قم را به خواری و زبونی ترک نمی‌کند، بلکه آنها را توفیق می‌دهد و تأیید می‌کند. ولی همواره دین و اهل دین در قم خوار هستند و اگر چنین نمی‌شد مردم به سوی آن هجوم می‌بردند و آنجا را ویران می‌ساختند و دیگر حجتی بر دیگر شهرها باقی نمی‌ماند و در این صورت آسمان و زمین بر جای خود ثابت و استوار نمی‌ماند و به ساکنان زمین مهلت داده نمی‌شد. بلاها از قم و اهل قم دفع شده. زمانی فرا می‌رسد که قم و اهل قم بر همه خلائق حجت هستند و آن در زمان غیبت قائم ماست تا موعد ظهور او، و اگر قم نبود زمین ساکنانش را در کام خود فرو می‌برد. فرشتگان بلاها را از قم و اهل قم دفع می‌کند، و هیچ ستمگری در حق آنجا تصمیم بد نمی‌گیرد، جز اینکه در هم شکننده ستمگران او را ریشه کن می‌سازد، یا به بلایی سخت گرفتار می‌کند یا او را با جنگ و دشمن مشغول می‌سازد. خداوند قم و اهل قم را از یاد زمامداران ستمگر می‌برد، چنان‌که یاد خدا را فراموش کرده‌اند.»^۱

* * *

۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۵۹.

از امام رضا(ع) نیز روایتی در توصیف اهل آخر الزمان به مضمون زیر آمده است:

«إِذَا اشْتَدَّتِ الْحَاجَةُ وَالْفَاقَةُ، وَانْكَرَ النَّاسُ بَعْضُهُمْ. يَأْتِي الرَّجُلُ أَخَاهُ فِي حَاجَتِهِ، فَيَلْقَاهُ بِغَيْرِ الْوَجْهِ الَّذِي كَانَ يَلْقَاهُ فِيهِ، وَ يُكَلِّمُهُ بِغَيْرِ الْكَلَامِ الَّذِي كَانَ يُكَلِّمُهُ؛

هنگامی که نیازها و گرفتاری‌ها فراوان شود، مردم همدیگر را شناسند، انسان برای استمداد به نزد برادرش برود و او را در قیافه دیگری جز آنچه هست بیابد و با او با لحن دیگری سخن بگوید.»^۱

امام جواد(ع) نیز در ذکر ویژگی اهل آخر الزمان فرمودند:

«وَقَبْلَ ذَلِكَ فِتْنَةٌ شَرٌّ: يُمَسِّي الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَ يُصْبِحُ كَافِرًا، وَ يُصْبِحُ مُؤْمِنًا وَ يُمَسِّي كَافِرًا. فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيَكُنْ مِنْ أَخْلَاسِ بَيْتِهِ؛

پیش از آن روز موعود فتنه جانکاهی است که انسان در حال ایمان شب می‌کند و در حال کفر صبح می‌کند، یا در حال ایمان صبح کرده، در حال کفر شب می‌کند. هر کس چنین زمانی را درک کند گلیمی از گلیم‌های

۱. بشارة الاسلام، صص ۱۰۴، ۱۰۸؛ الزام الناصب، ص ۱۷۵.

آخرالزمان در آینه روایات

خانه‌اش باشد.»^۱

منظور امام (ع) این است که در چنین زمانی در خانه‌های خود پا برجا باشید و وارد این فتنه‌ها نشوید.

* * *

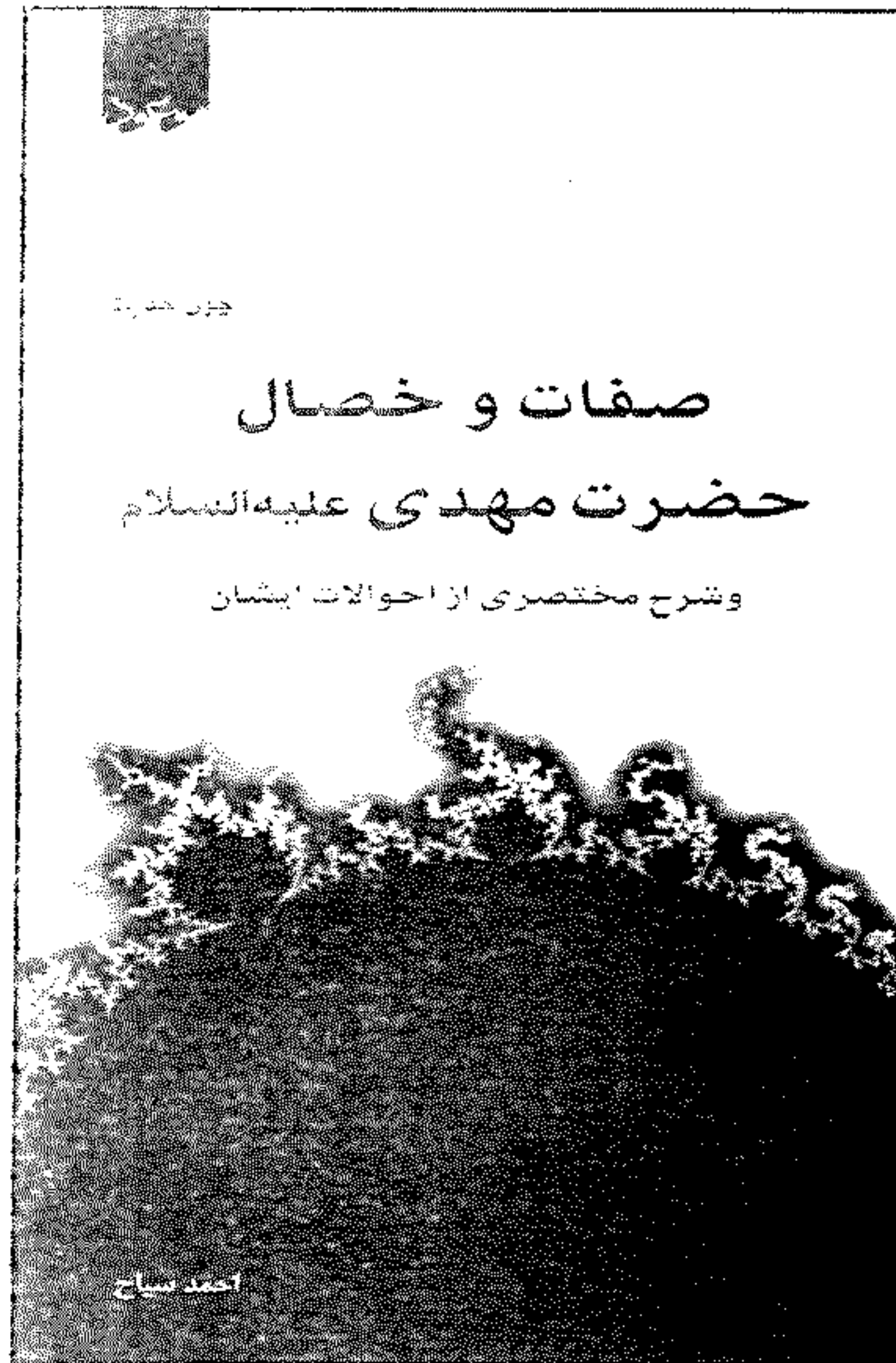
و در انجیل می‌خوانیم:

«اما این را بدان که در ایام آخر، زمان‌های سخت پدید خواهد آمد. زیرا که مردمان، خودپرست، طماع، لاف‌زن، متکبر، بدگو، نامطیع والدین، ناسپاس، ناپاک، بی‌الفت، کینه‌توز، غیبت‌گر، ناپرهیز، بی‌مروت، متنفر از نیکویی، خیانت‌کار، تند مزاج و مغرور خواهند بود که عشرت را بیشتر از خدا دوست می‌دارند و صورت دینداری دارند لیکن قوت آن را انکار می‌کنند.»^۲

* * *

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۹ و منتخب الاثر، ص ۴۳۷.

۲. رساله دوم پولس به تیموتاؤس، باب سوم، بندهای ۱ - ۵.



صفات و خصال حضرت مهدی (ع) و شرح مختصری از
احوالات ایشان
نویسنده: احمد سیاح
تعداد صفحات: ۹۶ صفحه (پالتویی)
قیمت: ۷۰۰۰ ریال

موضوع: فرمایش پروردگار در شب معراج به رسول خدا (ص)،
مناجات صاحب الامر (ع)، زندگینامه حضرت مهدی (ع) (ولادت،
مادر، غیبت صغرا و کبرا و فرهنگ انتظار) و گزیده‌ای از آیات
قرآن کریم و روایات ائمه معصومان (ع) درباره امام زمان (ع)



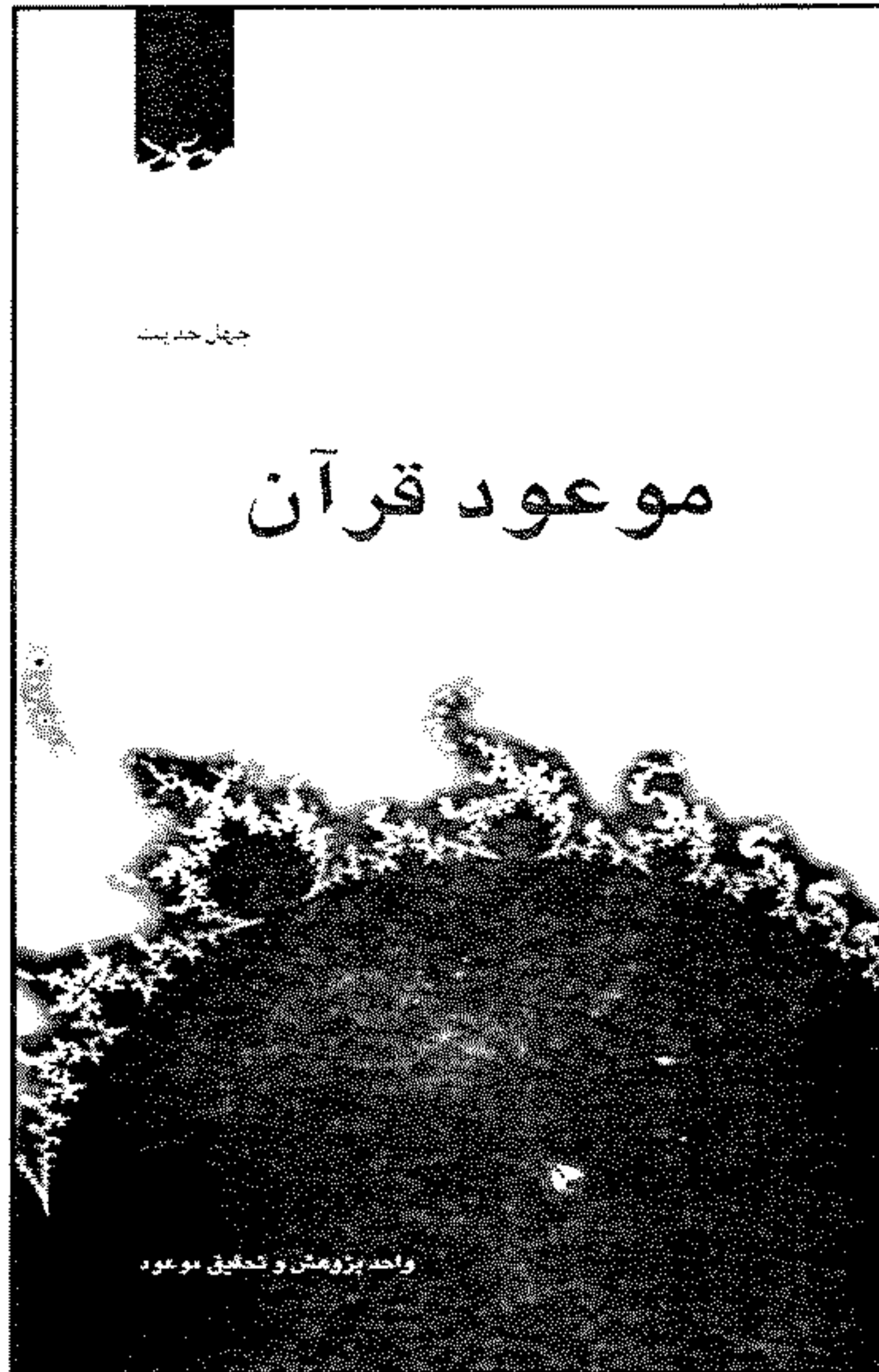
آخرین نشانه‌های ظهور

نویسنده: واحد پژوهش و تحقیق موعود

تعداد صفحات: ۳۶ صفحه (پالتویی)

قیمت: ۴۲۰۰ ریال

موضوع: نشانه‌های حتمی ظهور (شورش سفیانی، قیام یمانی، صیحه آسمانی در بیست و سوم ماه رمضان، شهادت نفس زکیه و فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان بیداء)، نشانه‌های غیر حتمی نزدیک به ظهور (طغیان فرات، اتفاقات ماه‌های پیش از ظهور، جنگ بزرگ قرقیسیا، دستی در آسمان، چهره‌ای در ماه و...)



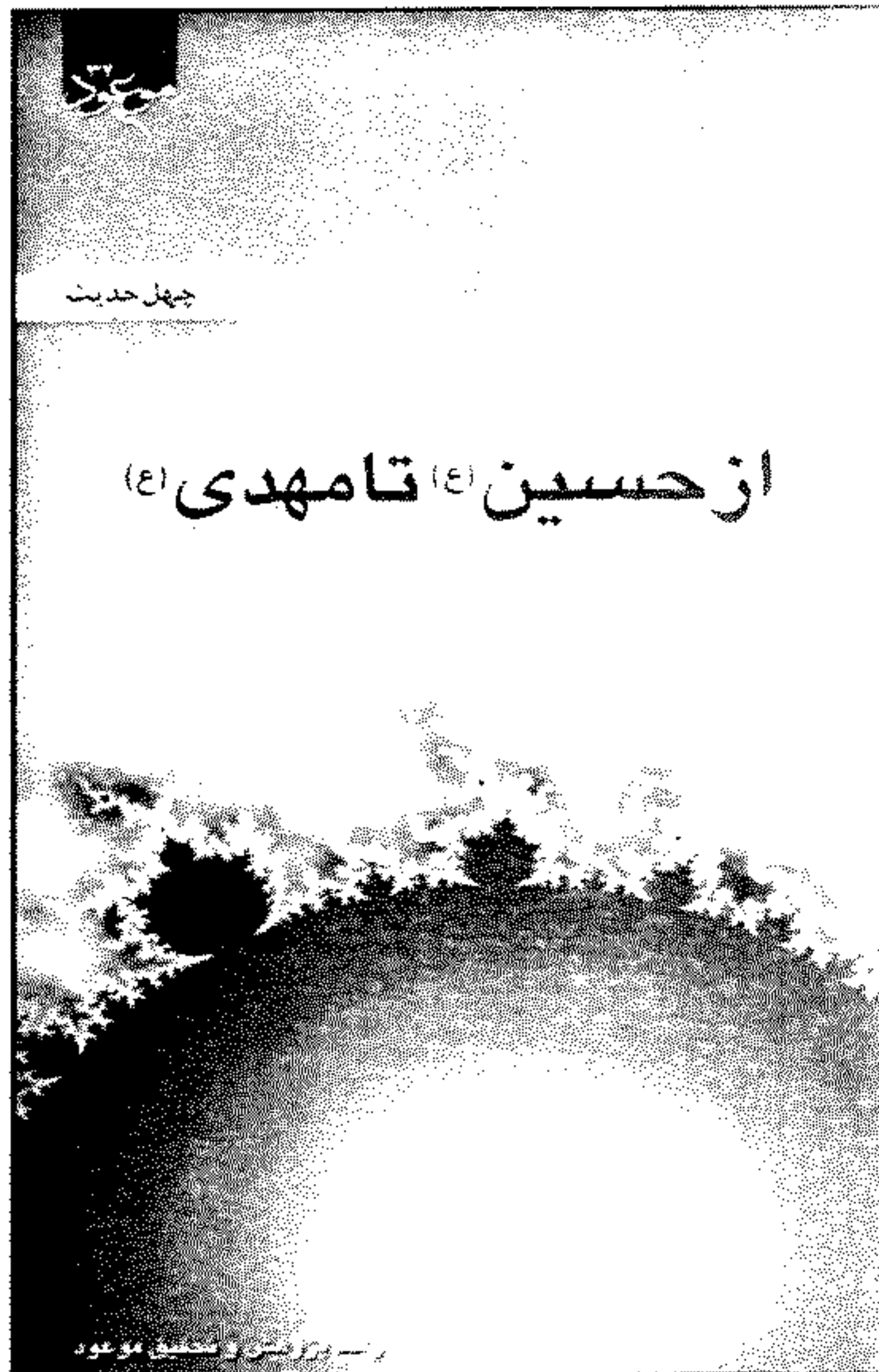
موعود قرآن

نویسنده: واحد پژوهش و تحقیق موعود

تعداد صفحات: ۸۳ صفحه (پالتویی)

قیمت: ۶۰۰۰ ریال

موضوع: آیاتی از قرآن کریم همراه با تفسیر آنها از حضرات معصومان(ع) درباره حضرت مهدی(ع)، موضوعاتی چون: ایمان به غیب، ارتباط دائمی با امام، نماز جماعت پیروان، حقیقت ماه‌های دوازده‌گانه، وقت معلوم، رمز خونریزی‌های قائم(ع)، مستضعفان واقعی، حکومت امام زمان(ع) بر سرتاسر جهان، نور بی‌پایان و...



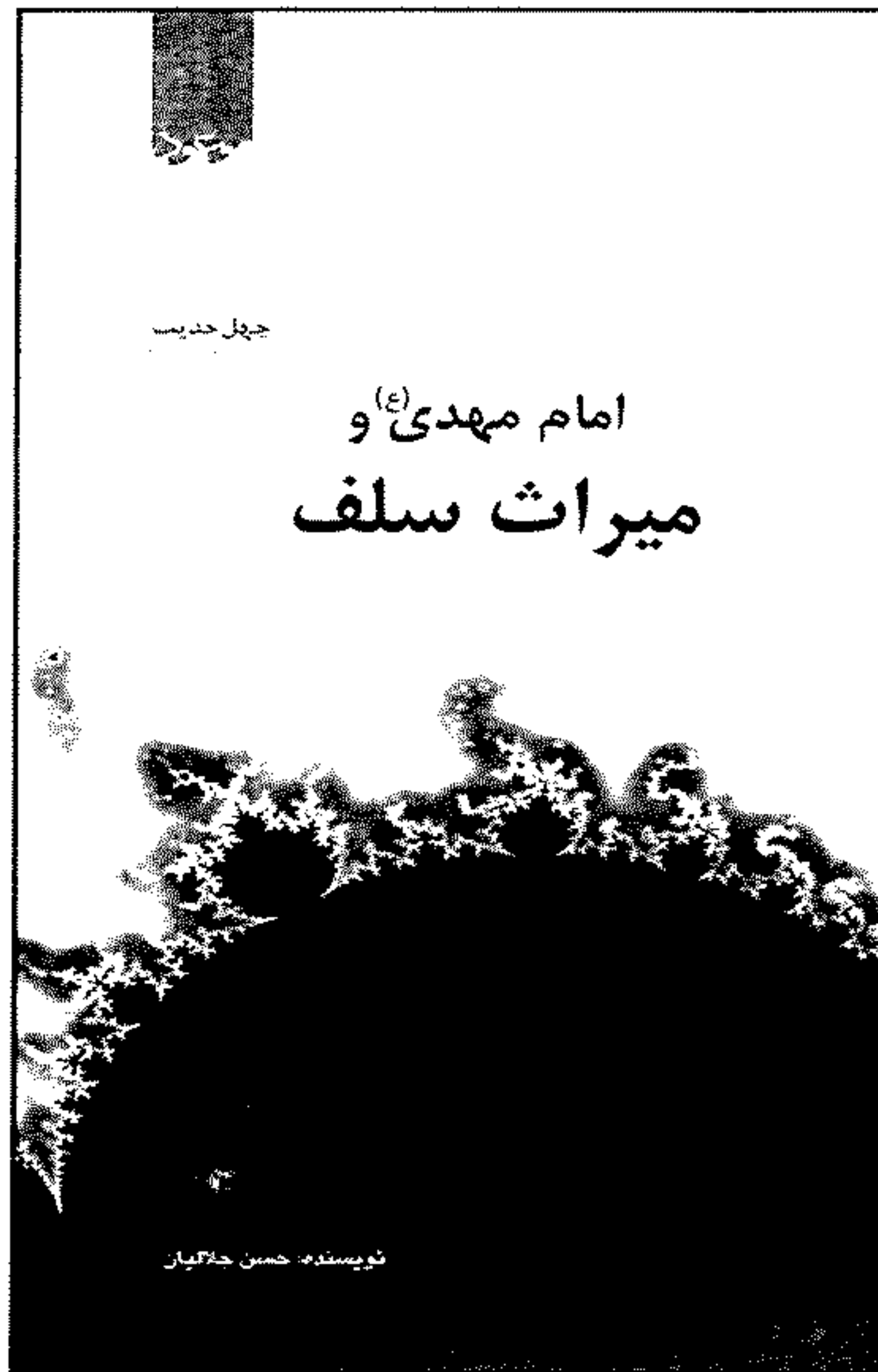
از حسین (ع) تا مهدی (ع)

نویسنده: واحد پژوهش و تحقیق موعود

تعداد صفحات: ۶۲ صفحه (پالتویی)

قیمت: ۳۷۰۰ ریال

موضوع: فرمایش‌های امام حسین (ع) درباره امام مهدی (ع) (آرزوی خدمت به مهدی (ع)، عدالت گستر جهان، غیبت امام عصر (ع) و...) و فرمایش‌های امام مهدی (ع) درباره امام حسین (ع) (شرافت تربت امام حسین (ع) و درمان با تربت، اولین رجعت کننده، بازگشت برای انتقام و غسل و دفن امام زمان (ع))



امام مهدی (ع) و میراث سلف

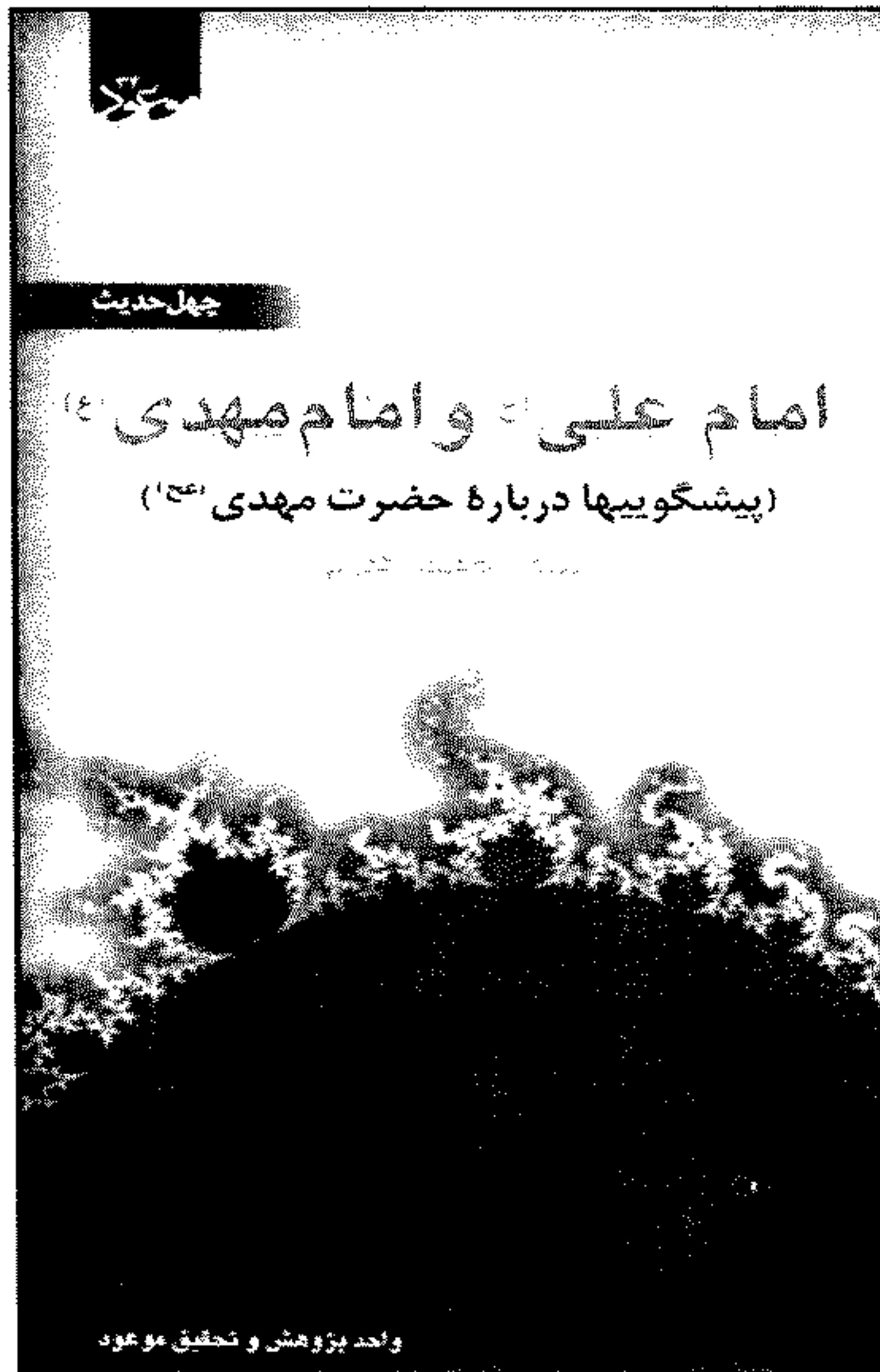
نویسنده: حسن جلالیان

مقدمه از: آیت الله صابری همدانی

تعداد صفحات: ۹۶ صفحه (پالتویی)

قیمت: ۶۰۰۰ ریال

موضوع: امام مهدی (ع) وارث علم انبیا و اوصیا، وارث اسم اعظم، وارث صحف و ودایع انبیا، وارث ودایع ائمه اطهار (ع) و حضرت زهرا (س)



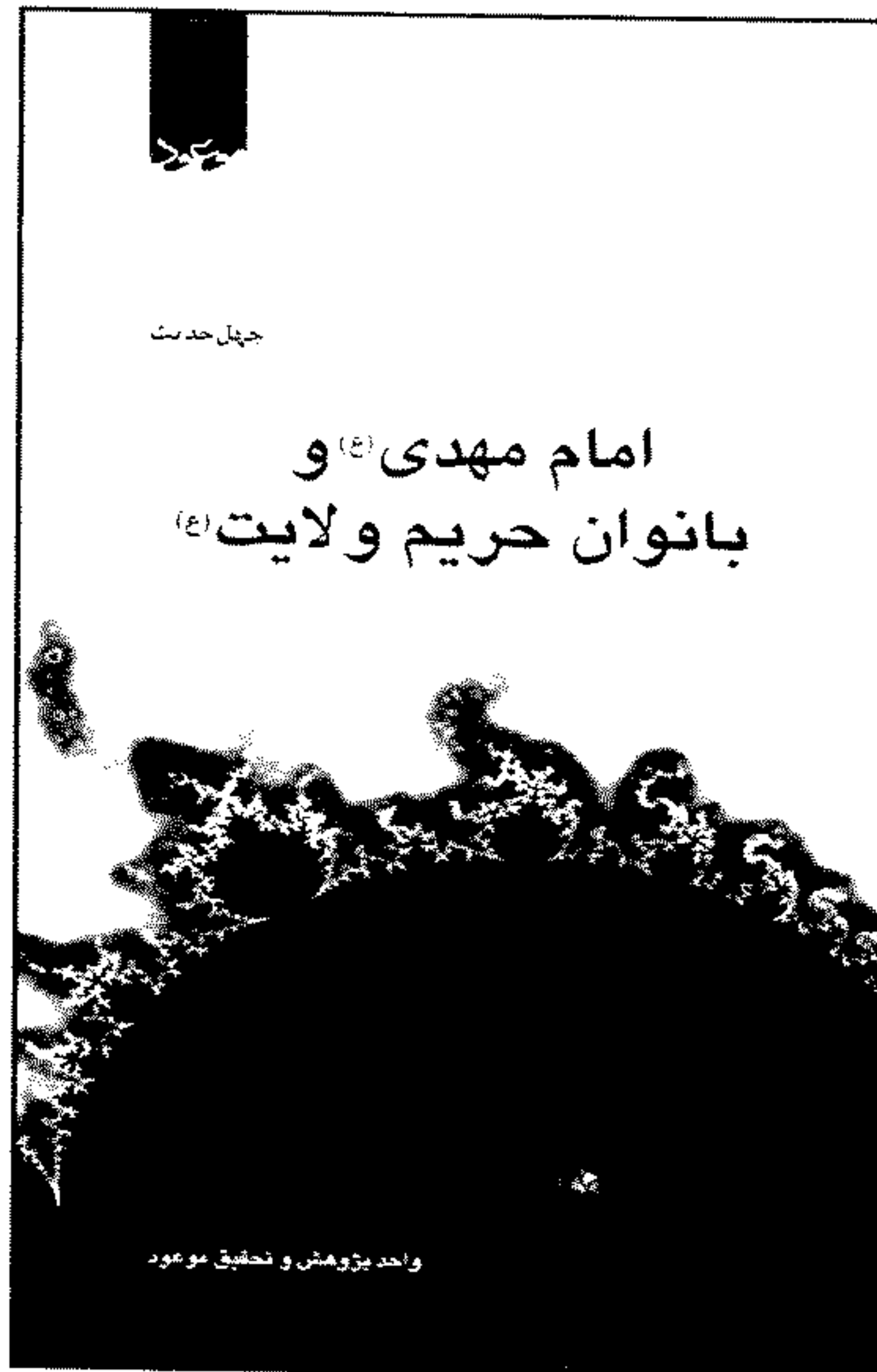
امام علی (ع) و امام مهدی (ع) (پیشگوییها درباره حضرت
مهدی (ع)) به ضمیمه خطبه غدیر
نویسنده: واحد پژوهش و تحقیق موعود
تعداد صفحات: ۹۶ صفحه (پالتویی)
قیمت: ۷۲۰۰ ریال

موضوع: دعای حضرت مهدی (ع) هنگام ورود به عراق و چهل
حدیث از امیرمؤمنان (ع) درباره توصیف حضرت مهدی (ع)،
غیبت، ویژگیهای آخرالزمان، تکالیف شیعیان، وصف جهان پیش
از ظهور، ظهور امام عصر (ع) و حوادث آن دوران و خطبه غدیر



دو خاتم (شباهت ها و نسبت های حضرت نبی اکرم (ص) و
حضرت مهدی (ع)
نویسنده: واحد پژوهش و تحقیق موعود
تعداد صفحات: ۶۱ صفحه (پالتویی)
قیمت: ۵۰۰۰ ریال

موضوع: دعای امیرمؤمنان (ع) درباره حضرت محمد (ص)،
شباهت های دو خاتم (خاتمیت، مادر دو خاتم، دو خاتم برای
همه و...)، نسبت های دو خاتم با یکدیگر (نسبت با قرآن، هدایت،
معرفت و نورانیت) و دعا برای حضرت مهدی (ع)



امام مهدی (ع) و بانوان حریم ولایت (ع)
نویسنده: واحد پژوهش و تحقیق موعود
تعداد صفحات: ۷۵ صفحه (پالتویی)
قیمت: ۶۵۰۰ ریال

موضوع: حضرت زهرا (س) و حضرت مهدی (ع) (دعا برای
شیعیان گنجهکار، مهدی (ع) از نسل فاطمه (س)، معراج عرصه تجلی
و شکوه، ستاره درخشان چهره، جمال رخسار، مهدی (ع) آرامش
دل زهرا (س)...)، دیگر محارم امام مهدی (ع) در آینه حدیث و
محارم امام مهدی (ع) در آینه تشرفات